

نام درس : اقتصاد
 کد : ۷۱
 تعداد واحد : ۲
 پیش نیاز : ندارد
 هم نیاز : ندارد

الف - منابع مطالعه

۱ - اقتصاد خرد و کلان - دکتر محمود منتظر الظهور - انتشارات دانشگاه تهران /
 (تهیه شود)

۲ - جزوه درسی / (در جزوه)

۳ - مقاله معرفی دیدگاههای اقتصادی امر مبارک / (در جزوه)

ب - ضامم

ندارد

ج - ارزشیابی

۱ - امتحانات

- ماهانه اول : ندارد

- میان ترم (۳۰ نمره / هفته نهم)

- ماهانه دوم : ندارد

- پایان ترم (۵۰ نمره / هفته هجدهم)

۲ - تکالیف

- تکلیف اول (الزامی / فردی / ۵ نمره / هفته چهارم)

- تکلیف دوم (الزامی / فردی / ۵ نمره / هفته هشتم)

- تکلیف سوم (الزامی / فردی / ۵ نمره / هفته سیزدهم)

- تکلیف چهارم (الزامی / فردی / ۵ نمره / هفته هفدهم)

۳ - گزارش

ندارد

مخصوص جامعه بهائی است .

Handwritten text at the top of the page, possibly a title or header.

Handwritten text in the top right corner.

Handwritten text in the upper middle section.

Handwritten text in the middle section.

Handwritten text in the lower middle section.

Handwritten text in the lower section.

Handwritten text in the lower section.

Handwritten text in the lower section.

Handwritten text in the lower section.

Handwritten text in the lower section.

Handwritten text in the lower section.

۳ / ۲ / ۱	هفته	۱ - درس اول
۶ / ۵ / ۴	"	۲ - " دوم
۸ / ۷	"	۳ - مطالعه و آمادگی برای امتحان
۹	"	۴ - امتحان میان ترم
۱۱ / ۱۰	"	۵ - تهیه گزارش تحقیقی
۱۴ / ۱۳ / ۱۲	"	۶ - درس سوم
۱۶ / ۱۵	"	۷ - " چهارم
۱۷	"	۸ - مطالعه و آمادگی برای امتحان
۱۸	"	۹ - امتحان پایان ترم

Journal of the American Medical Association

1921

1. The first part of the report is devoted to a general survey of the medical profession in the United States. It discusses the various branches of the profession, the number of practitioners, and the general state of affairs in each branch. It also touches upon the question of the regulation of the profession and the importance of maintaining high standards of education and ethics.

2. The second part of the report deals with the question of the medical education of the physician. It discusses the various schools of medicine, the curriculum, and the standards of graduation. It also touches upon the question of the licensing of physicians and the importance of continuing education.

3. The third part of the report discusses the question of the medical profession's relationship to the public. It touches upon the question of the physician's duty to his patient, the importance of the physician's conduct, and the need for the physician to be accessible to the public.

4. The fourth part of the report discusses the question of the medical profession's relationship to the government. It touches upon the question of the physician's duty to the state, the importance of the physician's cooperation with the government, and the need for the government to regulate the profession.

5. The fifth part of the report discusses the question of the medical profession's relationship to the future. It touches upon the question of the physician's duty to his profession, the importance of the physician's leadership, and the need for the physician to be prepared for the future.

لطفاً مطالب ذیل در ادامه صفحه ۳ جزوه اضافه شود:

روش مطالعه درس

هر کس از طریق مطالعه درس از روش خاصی می تواند پیروی کند یکی از سکوت، دیگری همراه با موزیک ملایم، یکی همراه با دوست یا دوستان و چهارمی در خلوت تنهایی. اما مهم روش و طریق آغاز مطالعه و ادامه آن است. چگونه باید با درس کلیات اقتصاد آشنا شد؟ باید:

(۱) در مطالعه نظم و انضباط کافی داشت. به عبارتی مطالعه دانشجو باید منظم و متصل و پیگیر باشد. به عبارتی دانشجو باید با نظم خاصی و حتی در ساعت معینی لااقل هفته ای چهار ساعت را به مطالعه این درس اختصاص دهد و یک ساعت برای انجام تکالیف نوبتی خود وقت صرف نماید تا حداقل ۷۰٪ نمرات را کسب نماید. بدیهی است اختصاص وقت بیشتر امکان حصول به نمرات بالاتر را فراهم خواهد ساخت.

(۲) تکالیف نوبتی: بخشی از روش آموزش مکاتباتی بر دوش تکالیف نوبتی قرار دارد که باید بطور منظم و در پایان هر مرحله از مطالعه صورت گیرد. انجام تکالیف نوبتی را جریمه یا کار زائد تلقی نفرمائید. برای پاسخ دادن به سوالات تکالیف نوبتی بهتر است حسین پاسخگوئی خودتان را در جلسه امتحان و در حضور ممتحن تصور بفرمائید. به جزوه یا کتاب تا پایان انجام تکالیف مراجعه نفرمائید. مراجعه مجدد به جزوه یا کتاب و مقایسه نوشته های خود با نوشته های کتاب یا جزوه دانشجو را با مشکلات درس آشنا ساخته در رفع اشکالات بسیار مؤثر خواهد بود.

(۳) جزوه راهنمای مطالعه: اولین مرحله مطالعه از جزوه راهنمای درس آغاز می شود که باید دقیقاً مطالعه شود و دستورالعملهای داده شده را عمل کنند. پس از مطالعه کتاب مجدداً به جزوه راهنما مراجعه می کنند و به تستهای خودآزمایی پاسخ می دهند که بعداً پاسخهای خود را با پاسخهای انتهای جزوه مقایسه خواهند کرد. ممکن است ظاهراً به سوالاتی برخورد کنید که مستقیماً در متن درس به آنها اشاره نشده باشد. انتظار می رود که با قدرت تحلیلهای فردی و نیز اطلاعات عمومی خود به سوالات مذکور پاسخ بدهید.

(۴) فیش برداری یا خلاصه برداری: لازم است در پایان مطالعه هر قسمت از کتاب یا جزوه خلاصه و فشرده مطالعات را بصورت فیش برداری یا یادداشت برداری نگهداری نمایند. این یادداشتها در موقع مطالعه مجدد برای شرکت در امتحانات بسیار مفید بوده کار مطالعات را تسریع می سازد. برخی از دانشجویان برای سهولت با خط

کشیدن زیر قسمتهای مهم کتاب یا جزوه اهمیت آن قسمتها را متذکر می شوند و لسی این روش قدرت یادگیری خاصی به دانشجو خواهد داد ضمن آنکه در مطالعه مجدد کمک مفیدی به دانشجو خواهد کرد.

۵) کلاسهای حضوری: کلاسهای رفع اشکال در یادگیری دانشجویان نقش اساسی خواهد داشت مشروط بر اینکه دانشجویان با مطالعات کامل درس در کلاس حاضر شده اشکالات خود را مطرح سازند. در این کلاسها نمی توان جز رفع اشکالات به امور دیگری مانند تدریس درس پرداخت زیرا دو فرصت کوتاه کلاس حضوری نمی شود درسی را که باید دو کلاس یا ۳۵ ساعت تدریس استاد همراه باشد در فرصت چند ساعت تدریس کرد.

راهنمای تکالیف و امتحانات (ارزشیابی)

این درس را تحت عنوان کلیات علم اقتصاد مطالعه خواهیم کرد و طی آن بررسی کلی و اجمالی از علم اقتصاد ارائه خواهیم نمود که در آن اقتصاد خرد و کلان و نیز تاریخچه‌هایی ولو مختصر از علم اقتصاد مورد مطالعه قرار خواهد گرفت و در ادامه درس بحثی پیرامون نقطه‌نظرهای امر مبارک در زمینه اقتصاد خواهیم داشت. روش مطالعه ما بر این اساس خواهد بود که کلیه مطالب تحت چهار فصل یا چهار درس ارائه خواهد شد. در پایان هر درس سئوالاتی بعنوان خودآزمایی مطرح شده است که دانشجویان سعی خواهند کرد پاسخ آنرا با تفکر پیدا کنند در این صورت پاسخ خود را با پاسخی که در پایان جزوه ارائه شده است مقایسه خواهند کرد. در کنار آن تکالیفی نیز در نظر گرفته شده است که دانشجویان بشرح زیر اقدام به ارسال آن خواهند فرمود. قابل ذکر است که تکالیف نوبتی بخشی از روش آموزش درس است.

تکالیف درس اول : مهلت تحویل تا پایان هفته چهارم

تکالیف درس دوم : مهلت تحویل تا پایان هفته هشتم

تکالیف درس سوم : مهلت تحویل تا پایان هفته سیزدهم

تکالیف درس چهارم : مهلت تحویل تا پایان هفته هفدهم

تکالیف چهارگانه جمعا " ۲۰ نمره خواهد داشت. در مورد تکالیف استفاده از-

فرم تکالیف نویسی که در درس ادبیات فارسی فرا گرفته‌اید الزامی است.

امتحان میان ترم ۳۰ نمره و ۵۰ نمره آخر سهم امتحان پایان ترم خواهد بود.

در مورد امتحان توجه به نکات ذیل ضروری است :

۱- در امتحان پایان ترم از کل مطالب خوانده شده در طی ترم سئوال می‌آید.

۲- در جلسه امتحان استفاده از ماشین حساب بلا مانع میباشد.

تکالیف درس اول : (مهلت تحویل پایان هفته چهارم)

۱- فعالیتهای اقتصادی چیست؟ انگیزه‌های آن کدام است؟

۲- فرق اقتصاد محض با اقتصاد عملی چیست؟

۳- رابطه اقتصاد را با حقوق و ریاضیات بطور خیلی فشرده و مختصر بیان کنید.

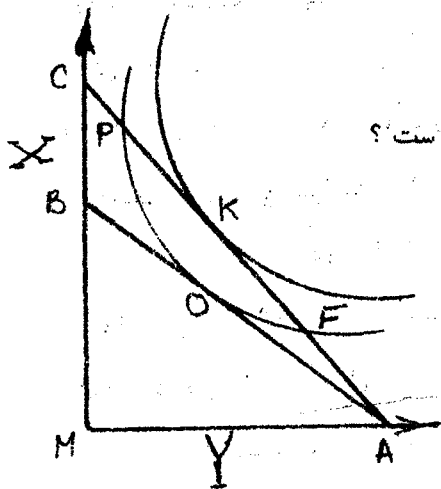
۴- مشکلات روش قیاس و استقراء در علم اقتصاد چیست؟

۵- مرکانتلیسم اسپانیایی و فرانسوی را با انگلیسی مقایسه نمایید.

۶- آدام اسمیت معتقد به آزادی اقتصادی بود. این آزادی چیست؟

- ۷ - قوانین شش گانه کلاسیکها کدام است؟ لطفاً "با کلام و بیان خودتان خیلی مختصر هر کدام توضیح داده شود."
- ۸ - مکتب اشتراکی چیست؟ اهداف آن کدامند؟ در حداکثر ۱۵ سطر مرقوم دارید.
- ۹ - روش تجزیه و تحلیل مارژینالیستها کدام است؟ توضیح بفرمائید.
- ۱۰ - با ذکر مختصر توضیحی عوامل توسعه اقتصادی را بیان کنید.

تکلیف دریم دوم (مهلت تحویل تا پایان هفته هشتم)



- ۱ - فرق بین شرکت های سهامی عام و تضامنی چیست؟
- ۲ - شرایط بازار رقابت کامل چیست؟
- ۳ - مطلوبیت نهایی چیست و فلسفه نزولی بودن آن کدام است؟
- ۴ - منحنی بودجه AB نشان دهنده موقعیت خرید کالاها ی X و Y است. تغییر شکل منحنی AB به AC چه مفهومی را به همراه دارد، در ضمن نقاط P، O، F، K روی منحنی بیانگر چه مفاهیمی است؟
- ۵ - واحدهای پیشه‌وری در اقتصاد کشورهای پیشرفته و در حال رشد چه نقشی دارند؟
- ۶ - جدول زیر بیان کننده تغییرات تقاضا در قبال تغییرات قیمت است. لطفاً "وضع کش پذیرگی کالاها ی مورد نظر را مشخص بفرمائید."

تغییرات قیمت یک واحد کالا	۱۴۰	۱۲۰	۱۰۰	۸۰	۶۰	۴۰	۲۰
تغییرات تقاضا تعداد واحد	۰	۵۰	۱۰۰	۱۵۰	۲۰۰	۲۵۰	۳۰۰

مقدار	هزینه متغیر
۱	۵
۲	۸
۳	۱۰
۴	۱۱
۵	۱۳
۶	۱۶
۷	۲۰
۸	۲۵
۹	۳۱
۱۰	۳۸
۱۱	۴۶

- ۷ - الف - هزینه‌های کل هر یک از مقادیر تولید را محاسبه کنید. با توجه به اینکه هزینه ثابت در هر مرحله تولید ۱۰ ریال میباشد. جدول زیر را پر کنید.
- ب - با قیمت ۵ ریال هر واحد دریافتی این مؤسسه را بر حسب مقادیر محاسبه کنید در صورتی که قصد مؤسسه رسیدن به حداکثر سود ممکن باشد، مقدار تولید را در موقعیت حداکثر سود تعیین کنید.
- ج - چنانچه افزایش قیمت فروش از ۵ ریال به ۶ ریال باشد در این صورت حداکثر سود ممکن در چه مرحله‌ای از تولید حاصل خواهد شد؟

تکلیف درس سوم (مهلت تحویل پایان هفته سیزدهم)

- ۱ - دولت چیست؟ سیاست‌های اقتصادی آن را بیان کنید.
- بزرگترین نقش دولت در یک اقتصاد مختلط کدام است؟
- ۲ - مختصراً دلایل موافق و مخالف تجارت بین‌المللی را بیان کنید.
- ۳ - سیستم پایه ارزش طلا چیست؟
- ۴ - هدفهای صندوق بین‌المللی پول چیست؟
- ۵ - تراز مثبت بازرگانی چیست؟ و چه اثری بر اقتصاد داخلی یک کشور می‌گذارد؟

تکلیف درس چهارم

برای پاسخ دادن به سوالات تکلیف درس چهارم، باید حاصل مطالعات دروس گذشته را در قالب مطالعات امری و مطالبی که از طریق جزوه درسی آموخته‌اید یا در ضمن مطالعات شخصی فراگرفته‌اید، تلفیق نموده، پاسخ لازم را بنویسید. بدیهی است در پاسخگویی به سوالات نمی‌توان فقط به مطالب جزوه درسی اکتفا نمود.

- ۱ - واژه‌های قناعت، خودکفایی، تکدی، حرص، انقطاع، تعادل، تعاضد، ... در اقتصاد امر چه مفهومی دارند، لطفاً با استناد به آثار و الواح استدلال بفرمائید.
- ۲ - سیر تکاملی کار و روابط کارگری از گذشته تا حال چگونه بوده است؟ آینده آن چگونه باید باشد؟
- ۳ - نحوه توزیع ثروت در امر مبارک چگونه است؟ توضیح دهید.

فهرست مندرجات درس کلیات اقتصاد

۱	۱ - معرفی درس
۲	۲ - منابع مطالعه درس
۴	۳ - درس اول
۴	الف - فصل اول
۴	ب - فصل دوم
۵	ج - فصل سوم
۶	د - فصل چهارم
۶	خودآزمایی درس اول
۹	۴ - درس دوم - مقدمه بر اقتصاد خرد
۹	فصل اول - بنگاه و بازار
۱۱	فصل دوم - تعادل بازار
۱۴	خودآزمایی درس دوم
۱۷	۵ - درس سوم - تولید، توزیع و مصرف درآمد
۱۸	درآمد
۱۹	گردش درآمد
۲۱	اول - دستمزد کار
۲۱	دوم - سود مدیریت
۲۱	سوم - بهره سرمایه
۲۲	چهارم - اجاره مالک
۲۲	پنجم - مالیات دولت
۲۳	دولت و سیاست مالی
۲۴	نقش اقتصادی دولت
۲۵	رشد اقتصادی
۲۸	پول و سیاست های پولی :
۲۸	الف - پول
۲۹	ب - اعتبار
۳۰	ج - بانک و بانکداری
۳۰	د - ارز
۳۰	خودآزمایی درس سوم

۶- درس چهارم - امر مبارک و اقتصاد

خود آزمایی درس چهارم

۷- جدول پاسخ صحیح خودآزمایی ها

۸- ضمیمه امر مبارک و اقتصاد

۹- راهنمای تکالیف و امتحانات (ارزشیابی)

تکالیف درس اول

تکالیف درس دوم

تکالیف درس سوم

تکالیف درس چهارم

۲۳

۳۵

۳۸

۱-۳۱

الف

الف

ب

ج

د

هـ

و

ز

ح

ط

ی

ک

ل

م

ن

س

ع

ف

ق

ج

چ

خ

د

ذ

ر

ز

س

ح

ط

ی

ک

ل

م

تولید بیشتر، توزیع عادلانه‌تر ثروت، بدست آوردن سطح معیشت بالاتر و بالاخره تامین زندگی آسوده‌تر هدف عمومی جوامع امروز جهان است. قوای مادی و معنوی بشر و منابع کره ارض برای رسیدن به این هدف تجهیز گردیده است. هدف بشر این قرن تامین حداکثر نتیجه اقتصادی در حداقل زمان ممکن است. متأسفانه انتخاب راه و روش‌های مختلف برای حل مشکلات اقتصادی، بشر را بر سر اتخاذ یک تصمیم متحد و یکسان به سردرگمی کشانده و ناچاراً تا مدتی بشریت امروزی را درگیر مرام‌ها و مسلک‌های متنوعه نموده است. از سوی دیگر تقسیم جهان به ملت‌های دارا و ندادار، بشریت را درگیر پدیده‌های مهم‌تر اقتصاد بین‌الملل نموده است، که رهایی از آن - نیازمند پرداختن به الگوهای جدیدتر اقتصادی است. افزایش سریع جمعیت بخصوص در میان کشورهای ندادار و پیشرفت‌های خیره‌کننده علم و صنعت و تکنولوژی در میان ملل دارا شکاف بیشتری را در میان جامعه بشری ایجاد کرده است. بدین ترتیب از آغاز تولد تا واپسین لحظات حیات، زندگی بشر تحت تاثیر اصول و قوانین و روش‌های اقتصادی قرار دارد و هم‌آهنگ با پیشرفت روزافزون جوامع بشری و افزودن فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی، علم اقتصاد نیز پیشرفت نموده و بر بسیاری از علوم معاصر اثر بخشیده است. بر این اساس آموختن علم اقتصاد برای حسن اداره خانه و مؤسسه و جامعه و درک وقایع و جریان‌های اقتصادی روز ضرورت یافته است. و از این رو اهمیت این علم در برنامه‌های آموزشی و تحقیقات و نیز لزوم تعمیم دانش اقتصادی در بین مردم روزبروز افزون شده است.

چه منابع هنگفت و چه تلاش‌های عظیم که بعلمت فقدان دانش اقتصادی تلف شده و یا نتایج منفی به بار آورده و چه موفقیت‌های بزرگ و پیشرفت‌های معجزه‌آسا که در پناه تدوین برنامه‌ریزی‌های صحیح اقتصادی و اجرای دقیق آن عاید کشورها گردیده است.

تامین وسایل عظیم زندگی برای جمعیت روزافزون و همچنین بالا بردن سطح زندگی میلیون‌ها مردم فقیر و گرسنه کشورهای پر جمعیت مساله‌ای است که دانش اقتصادی قرن ما را در معرض آزمایش قرار داده است که در این آزمایش‌پیروزی‌هایی نیز نصیب آن گردیده است.

مشکلاتی که در زندگی خانواده‌ها، در اداره مؤسسات اقتصادی و صنعتی و کشاورزی و در سازمانها و نهادهای دولتی و در تدوین و اجرای برنامه‌های اقتصادی مشاهده میشود، بنظر تا حدود زیادی ناشی از کم بودن کوششی است که تاکنون در راه تعمیم دانش اقتصادی بعمل آمده است و کوشش مناسب در این زمینه خودبخود بسیاری

از مشکلات را مرتفع می‌کند، اختلاف نظرها را محدودتر می‌سازد و تفاهم و همکاری و هم‌آهنگی را توسعه می‌دهد. با توسعه دامنه فعالیت اقتصادی و گستردگی آن در کلیه علوم تعلیم علم اقتصاد در دانشگاه‌ها و مدارس عالی کلیه کشورهای جهان بسرعت توسعه یافته است. در همین زمینه محترم و بزرگوار استاد محترم و بزرگوار استاد محترم

اصل تعدیل معیشت که با هدف حل مشکلات اقتصادی بخشی از مسائل جامعه بشری را دربر گرفته است کاملاً ملحوظ نظر شارع مقدس این امر مبارک هم بوده است. حضرت عبدالیهاب می‌فرماید:

"... باید قوانین و نظاماتی گذارد که جمیع بشر بر ارض زندگی کنند. یعنی همچنانکه غنی هر قصر خویش را راحت دارد و بی‌انواع مواجد سفره او مزین است، فقیر نیز لانه و آشیانه داشته باشد و برگشته نماید تا جمیع انواع انسان راحت یا بند، امر تعدیل معیشت بسیار مهم است و تا این مسئله تحقق نیابد سعادت برای عالم بشر ممکن نیست..."

برای درک بهتر نظرات اقتصادی آیدانت پهلوی بهتر آن دیدیم تا این درس را بطور علمی تر بیاموزیم. برای آموزش این درس خوشبختانه کتب متعددی چه به زبان فارسی و چه به زبانهای خارجی دارم. میزان یافت می‌شود که علاقمندان را به مطالعه عناوین این درس در کتابهای مذکور جلب می‌کنیم.

یک نظام اقتصادی شامل میلیونها تصمیم گیرنده است. این تصمیم گیرندگان بعنوان مصرف‌کننده هر کدام روزانه هزاران تصمیم گوناگون می‌گیرند که گاه با هم دیگر متضاد و گاه هم‌آهنگ است. در مقابل، هزاران تولیدکننده هم هستند که هزاران تصمیم دیگر می‌گیرند. چه کالایی تولید شود به چه میزان و با چه کیفیتی؟ این تصمیم‌ها خود وابسته به انگیزه‌های متفاوتی می‌تواند باشد. برخی انگیزه سود فردی را دنبال می‌کنند و گروهی نفع جامعه را در نظر دارند و برخی رسیدن به مطلوبیت‌های معنوی را می‌پسندند و خلاصه دسته‌ای هم فکر پر کردن ساعت‌های خالی زندگی هستند. بقولی می‌گویند اگر بیکار باشیم بیمار هستیم.

دیانت‌بهایی هدف انسانی را متعالی تر میداند و مادیات را تنها وسیله‌ای برای حصول به آن درجات عالی تر انسانی میداند. بدین ترتیب کسب ثروت را برای جامعه معدوم میداند و کار را گذشته از تأمین زندگی و معاش نوعی خدمت قرار می‌دهد. بدین ترتیب اعمال و رفتارهای اقتصادی انسانها در جمع قانون و مقرراتی را در صحنه اقتصاد بوجود می‌آورند که لازم است در چارچوب علم اقتصاد مورد مطالعه قرار گیرد. جزئیات رفتار و پدیده‌هایی که بصورت جزئی در ارتباط با افراد جامعه شکل می‌گیرد و

حاوی رفتار افراد و اصطلاحاً "بنگاههای اقتصادی استیبه" "اقتصاد خرد" تسمیه میشود و هر آنچه که ناظر بر جامعه است مانند عامل بیکاری، تورم، کسری بودجه، دولت یا نظام بانکداری در کشور و حتی روابط اقتصادی و تجاری ناظر بر کشورهای مختلف به اقتصاد کلان تعریف شده است و هدف ما در این مجموعه بررسی و مطالعه ارجحی این هر دو جنبه اقتصاد است.

منابع مطالعه درسی

وقایع و حوادث اقتصادی روز بروز در تغییر است و این کار مطالعه علمی را بر اساس یک کتاب مشخص مشکل مسازد و نیاز مطالعه آزاد را برای هر دانشجوی علاقمند ایجاد می کند، ولی ما هدف دیگری را دنبال می کنیم، می خواهیم اصول اولیه و تئوریهای مختلف را با هم مطالعه کنیم و حوادث روز را به مطالعات آزاد علاقمندان و دانش پژوهان واگذاریم. بر این اساس مطالعه ما در این درس شامل:

- ① - مطالبی که در جزوه درسی تحت عناوین درس اول و دوم و ... آمده است.
- ② - کتاب درسی که قسمتهای مشخص شده آن را مطالعه خواهید کرد عبارت است از: "اقتصاد خرد و کلان" - تالیف محمود منتظر ظهور - انتشارات دانشگاه تهران
- ③ - بدیهی است کتاب و جزوه مکمل هم بوده دانشجویان را راهنما خواهند بود تا مطالعات خود را گسترش دهند.

منابع کمک آموزشی

یک نوار اقتصاد - شماره ۷۱۱ (در محل موجود است)

درس اول : مقدمات اقتصاد

این درس را تحت چهار فصل مطالعه می کنیم :

الف - فصل اول علم اقتصاد چیست و تعاریف آن کدام کامل تر است ؟ بنظر

شما چه کالای اقتصادی است ؟

چرا هوا که تا این حد برای ادامه حیات بشر ضروری است ، از یک لیوان نوشابه گازدار و یا یک سیر تخمه ارزانتر است و یا شاید رایگان است . یک لیوان آب خوردن ارزماندتر است یا یک گرم طلا؟ در این صورت کدام ارزانتر هستند؟ چرا؟

بشر برای زندگی در این جهان تلاش می کند . تلاش میکند تا قدرت دستیابی بیشتری به منابع کمیاب طبیعت پیدا کند و بدیهی است در این تلاش از امکانات محدود خود مانند تحصیلات علمی ، قدرت بدنی و سرمایه پولی خود بهره میگیرد . بشر با نیروی محدود خود و امکانات محدودتر طبیعت می کوشد تا با کمیابی مبارزه کند و به فراوانی و سعادت بیشتری بدهد . تولید گندم و اتومبیل را افزایش میدهد . اما در مقابل پدیده های بنام انفجار جمعیت مواجه است که محدودیت ها را محدودتر میکند . چه باید کرد؟ اقتصاد در این خصوص چه می گوید؟ روش مطالعه کدام است ؟

ب - فصل دوم علم اقتصاد چگونه در حرکت تمدن بشری حرکت کرد . مبنای نظریه

سوداگری چه بود و تکوین آن در چارچوب مکتب کلاسیکها و بعد سوسیالیزم تا نئو-کلاسیکها چه حرکتی را بخود دیده است؟

سوداگری نخستین مکتب و نظریه اقتصادی بود که توجه خود را به فلسفات قیمتی بمنزله ثروت اصلی معطوف داشت و منافع جامعه را بر منافع فرد برتر میدانست و بر این اساس اندیشه حمایت از اقتصاد ملی را شعار خود قرار داد . اسپانیا با پول دنیای جدید ، انگلستان با صنعت خود و فرانسه با کشاورزی خود سعی در جلب پولسهای فلزی نمودند . بعدها فرانسه مکتب جدید فیزیوکراتها را آغاز کرد و بر این

اساس توجه از پول فلزی به طبیعت و در راس آن زمین جلب شد. لذا کشاورزی را توصیه میکردند.

کلاسیکها دست دولت را از فعالیتهای اقتصادی کوتاه می کنند و بخش خصوصی را با مکانیسم بازار رها می کنند. آنها کار را منبع اصلی ثروت میدانند. لذا تقسیم کار و تخصص را مطرح می سازند.

مکتب سوسیالیسم - کمونیسم به دلیل شکستهای سرمایه داری آزاد بوجود آمد. در این مکتب عوامل تولید عمومی و اشتراکی است. سوسیالیستها معتقدند که کارگران در سیستم سرمایه داری آزاد بوسیله سرمایه داران استثمار می شوند و مارکس سوسیالیسم علمی را در برابر سوسیالیسم تخیلی قرار میدهد.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مکتب جدیدی که در واقع احیاء مکتب کلاسیک بود با نام نئو کلاسیک (مارژینالیسم) پا گرفت. این مکتب هر چند پایه گذاری جدیدی را در اقتصاد آغاز می کند ولی از بعد سیاسی آن در جهان سرمایه داری به عنوان پاسخی برای نظریه های مارکس تلقی شد.

"کینز" آخرین تئوری پرداز نئو کلاسیک است که تحولات و تغییراتی که در جهان همزمان با حیات او پیش آمد را در نظریه های اقتصادی نئو کلاسیکها پیاده کرد. این قسمت از کتاب مهمترین بخش مقدماتی درس را تشکیل خواهد داد.

ج - فصل سوم

در این فصل به مطالعه تاریخ تحولات اقتصادی از دیدگاه جامعه شناسی آن میپردازیم. والت روستو معتقد است، هر جامعه از ۵ مرحله تکامل می گذرد تا به کمال برسد. در آغاز جامعه کشاورزی ابتدائی است، خودکفاست و همه، همه چیز را تولید می کنند. درآمدها صرف امور غیرتولیدی و تجملی می شود. مرحله آغاز تحول، در این مرحله است که جامعه کشاورزی ابتدائی، خود را تدریجا "برای ورود به مرحله پیشرفته تر صنعتی آماده می کند."

نهادهای اقتصادی و اجتماعی جاها می شود. سرمایه گذاریهای زیر بنایی مانند گسترش شبکه راه و مخابرات، آب و برق و آموزش و پرورش گسترش می یابد و در پی آن تولید سرانه (تولید سرانه عبارت است از کل تولید جامعه تقسیم بر تعداد نفوس آن جامعه) افزایش پیدا می کند.

جوامع در مرحله آغاز تحول خود را آماده می کنند تا به مرحله رشد و توسعه مداوم برسند. روستو معتقد است برای عبور از این مرحله و رسیدن به مرحله رشد و توسعه مداوم نیاز به یک خیز اقتصادی است در این صورت از تمام امکانات در حداکثر

توان استفاده خواهد شد. باید بخش عمده‌ای از درآمد به سرمایه‌گذاری گشانده شود و ... بالاخره مرحله پنجم یا مرحله مصرف‌انبوه عبارتی فراوانی نسبی، مصرف فراوان و ... است. عوامل توسعه اقتصادی را جمعیت، سرمایه، نیروی ابداعات و اشکارات و بالاخره مبادلات بین المللی می‌دانند.

د - فصل چهارم

در فصول گذشته تحولات اقتصادی را از دیدگاه اقتصادی و اجتماعی بررسی کردیم. در مطالعه این فصل تحولات اقتصادی از دیدگاه سازمانی و اداری آن بررسی می‌شود. انواع نظامهای اقتصادی از نظام تیولی گرفته تا نظام پیشه‌وری، سرمایه‌داری و اشتراکی مطالعه میشود.

منبع مطالعه: برای مطالعه این درس قسمت مقدماتی کتاب اقتصاد مطالعه خواهد شد. (از اول تا انتهای صفحه ۹۸ کتاب درسی)

خودآزمایی - درس اول

۱- آدام اسمیت تاکید زیادی بر :

- الف - نقش بازار در تخصیص منابع و نقش تخصص و تقسیم کار در تولید دارد.
- ب - مسئله افزایش جمعیت و کاهش سطح زندگی دارد.
- ج - نقش دولت برای ثبات اقتصادی دارد.
- د - هیچکدام

۲- بر اساس نظریه مارکس، کارفرمایان با پرداخت مزد کم باعث استثمار کارگران میشوند زیرا :

- الف - رقابت در بازارهای خارج که در آنها مزد پائین است باعث میشود که مزد در سطح پائینی حفظ شود.
- ب - وجود کارگران بیکار باعث میشود که مزد در پائین ترین سطح خود باقی بماند.
- ج - کارگران دارای بازدهی ناچیزی هستند.
- د - تنها محصولات ماشینی قابلیت فروش در بازارهای داخلی و خارجی دارد.

۳- کدامیک از جملات زیر به خوبی نمایانگر عقاید مرکانتلیستها میباشد :

- الف - ظرفیت تولید معیار مهمی در رابطه با ثروت اقتصادی تلقی می‌شود.
- ب - ظرفیت اقتصادی اساساً بر مبنای باروری زمین تعیین میگردد.
- ج - ثروت اقتصادی اساساً در فلزات قیمتی تجسم می‌یابد.
- د - سرمایه‌داری طبیعتش این است که از درون باعث از بین رفتن خود میشود.

- ۴- بر اساس نظریات اقتصاد دانان کلاسیک ، تورم به علت :
- الف- سیاست مالی بوجود می آید.
 - ب- سیاست پولی بوجود می آید.
 - ج- انحصارات بوجود می آید.
 - د- اتحادیه های کارگری بوجود می آید.
- ۵- نظریه اجاره " رانت " ریکاردو بر اساس :
- الف- افزایش سود سرمایه داران قرار دارد.
 - ب- کاهش مزد کارگران قرار دارد.
 - ج- رشد جمعیت و لزوم استفاده از زمینهای نسبتاً نامرغوب استوار است.
 - د- اینکه صاحب زمین بسیار سختکوش است قرار دارد.
- ۶- ارزش اضافی :
- الف- تفاوت بین مطلوبیت کل و مطلوبیت نهایی است .
 - ب- تفاوت بین ارزش کل و ارزش نهایی است .
 - ج- با افزایش تصاعدی رشد جمعیت از میان خواهد رفت .
 - د- تفاوت بین ارزش کل کار و میزان مزد پرداختی به کارگر است .
- ۷- کدامیک از جملات زیر صحیح است :
- الف- اقتصاد کلان توجه خود را به مسائل مربوط به بیکاری و تورم معطوف میدارد.
 - ب- هدف اصلی اقتصاد کلان ، مطالعه رفتار اقتصادی افراد و تولید کنندگان - به صورت انفرادی است .
 - ج- اقتصاد خرد توجه خود را به مطالعه رشد دراز مدت در اقتصاد معطوف میدارد و اقتصاد کلان کل اقتصاد را زیر نظر دارد.
 - د- با توجه به اینکه اقتصاد کلان جمع اقتصاد خرد میباشد بنا بر این هر گونه نتیجه گیری که در سطح خرد میشود الزاماً " در سطح کلان نیز قابل قبول خواهد بود .
- ۸- تکوین و تکامل علم اقتصاد بتدریج صورت گرفته . این سیر تدریجی بترتیب :
- الف- سوداگری - کلاسیکها - اشتراکی - نهائین - کینز
 - ب- کلاسیکها - سوداگری - اشتراکی - کینز - نهائین
 - ج - کلاسیکها - اشتراکی - سوداگری - نهائین - کینز
 - د - سوداگری - کلاسیکها - اشتراکی - کینز - نهائین
- ۹- با افزایش جمعیت :

الف - عرضه کالا بالا رفته و در نتیجه افزایش قابل توجهی در تولید پدید خواهد آمد.

ب - تولید سرانه همواره افزایش خواهد یافت.

ج - منابع کمتری با نیروی انسانی بیشتری بکار گرفته خواهد شد، لذا منابع بیشتری برای سرمایه‌گذاری باقی خواهد ماند.

د - منابع بیشتری باید صرف تهیه غذا و پوشاک شده و بنا بر این منابع کمتری برای سرمایه‌گذاری باقی خواهد ماند.

۱۰ - ریکاردو نظریه جمعیتی مالتوس را با نظریه خود ترکیب نمود و آنرا نظریه:

الف - پس انداز نامید.

ب - مصرف نامید.

ج - اجاره نامید.

د - سود نامید.

۱۱ - ارزش اضافی:

الف - هنگامی بوجود می‌آید که تفاوتی بین کار انجام شده توسط کارگران و کار لازم برای تولید مجدد نیروی کار وجود داشته باشد.

ب - برای نجات سرمایه‌داری ضروری است.

ج - منبع مهم درآمد سرمایه‌دار در سیستم سرمایه‌داری است.

د - تمامی مواردی که فوقاً ذکر شده است.

۱۲ - کدام یک از اعمال زیر سرمایه‌گذاری بنیادی است:

الف - ریشه‌کن کردن بیماریها

ب - تاسیس مدرسه

ج - سدسازی

د - هر سه مورد صحیح است.

درس دوم : مقدمه بر اقتصاد خرد

اقتصاد خرد کردار و رفتار افراد را بصورت انفرادی در درون گروهها مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد. فرد از یک طرف به عنوان مصرفکننده و از طرف دیگر در نقش تولید کننده کالا، موضوع اقتصاد خرد واقع میشود. کالاها آفریده تولیدکننده اند و از این نظر مورد تقاضای مصرفکننده واقع می شوند که مطلوبیت ایجاد می کنند. به عبارت دیگر چون کالاهای تولیدی به مصرفکنندگان مطلوبیت می دهند مورد تقاضا واقع میشوند. تنوع کالا تنوع مطلوبیت را نیز به همراه دارد. از طرف دیگر اگر کالایی برای فردی مطبوع است قرار نیست برای فرد دیگری نیز باشد. توجه داریم که مطلوبیت را با مفید بودن نباید همسنگ دانست، بسیاری کالاها هستند که مفید نبودن آن قطعی است ولی مطلوبیت زیادی برای برخی افراد دارد مانند دخانیات. بطور کلی خواستهها سرحدی برای سیری و بی نیازی دارند. این حالت سیری هنگامی حاصل میشود که واحدهای اضافی از یک کالای بخصوص برای مصرفکننده فایدهای نداشته باشد.

در یک روز گرم تابستانی یک لیوان نوشابه خنک مطلوبیتی بسیار گوارا میدهد ولی لیوان دوم و سوم مطلوبیتی کمتر و تدریجا " لیوانهای بعدی کمتر تا جایی که از قبول آخرین لیوان خودداری می کنیم.

بدین ترتیب مرحله سیری (اشباع) تدریجا " حاصل میشود و با هر واحد اضافه مصرف، یک گام به این مرحله نزدیک تر می شویم که باید گفت هر واحد اضافی مطلوبیتی کمتر از واحد قبلی خود دارد.

نقل و انتقال کالا در بازاری به نام بازار کالا انجام شده که انواع مختلف آن در اقتصاد خرد بررسی و تحلیل می شود. مباحث این درس را تحت دو فصل بررسی می کنیم. فصل اول در دو بخش ارائه می شود. بخش اول نگاهی به ترکیب و شکل بنگاهها و بخش دوم بازار خواهد بود. فصل دوم به تعیین قیمت محصولات یا تعادل بازار اختصاص دارد.

فصل اول - بنگاه و بازار

بخش اول - بنگاهها

بنگاه در اصطلاح اقتصادی یک واحد اقتصادی است. مرکز اتخاذ تصمیمات اقتصادی است و محل ترکیب عوامل تولید و مرکز توزیع فرآوردههای تولیدی است. تفاوتهایی در ترکیب عوامل تشکیل دهنده آن دیده میشود. ابتدا بنگاههای بخش خصوصی که شامل

بنگاههای شخصی یا بصورت شرکت است و بعد همین واحدها سبب گسترده‌گی فوق العاده آن ، ایجاد بین المللی پیدا کرده‌اند. دیگر بناگاههای (یا واحدهای) تعاونی و بالاخره بناگاههای دولتی ، چه در جوامع اشتراکی و چه در جوامع غیر اشتراکی .

بخش دوم - بازار

یقیناً " کلمه بازار مطالب و نکات فراوانی را به ذهن می آورد. بازار کار ، بازار پول ، بازار سبزه میدان ، بازار طلا ، بازار داغ و بازار را کد . اینها وصدها کلام از همین ردیف چیزهایی هستند که در طی شیانه روز لاقط چندین بار میشنوید یا می گوئید .

اما بازار چیست ؟ و بازار کجاست ؟ آیا قرار است برای خرید چند کیلو گوشت و مقداری میوه به بازار رفت . اصلاً نمی شود بازار را در خانه آورد ؟ صدای فروشنده دوره گرد را می شنوید ؟ او هم یک بازار است . در کلمات اقتصادی این فروشنده دوره گرد عرضه کننده ای است چراغ بدست (ببخشید بلندگو بدست) که بدنیاال خریدار (تقاضا) میگردد . راستی این دوره گرد بازار رقابتی دارد یا انحصاری ؟

در کنار همه مسائلی که مطرح شد از بازار توقع دیگری نیز هست . تعیین می کند که چه کالایی باید تولید شود به چه میزان تهیه شود و با چه قیمتی عرضه گردد . طبعاً " هر بازار با یافت اجتماعی - سیاسی خود بشکلی به این خواسته ها پاسخ می دهد . بازار آزاد در شکل رقابت کامل و در بازار برنامه ای با شکل انحصاری به طریقی دیگر . ولی همه کالاهائی که تولید شده عرضه می گردد و بالاخره تقاضای بازار را اجابت می کنند . قیمتی هم تعیین می کنند تا واسطه این داد و ستد شود . اما هیچوقت به این سوال فکر کرده اید که در دنیای امروزی ما عرضه ، تقاضا را ایجاد می کند و یا اینکه تقاضا عرضه را بوجود می آورد ؟ تبلیغات چگونه عمل کرده است ؟ این سوالی است که کم کم پاسخ آنرا خواهید یافت .

اما شاید لازم باشد تا با نگاهی به بازارها موقعیت آنها را تحلیل کنیم . گفته میشود در اجتماعات (در اقتصاد) چندین نوع بازار وجود دارد ، اما چند نوع شاخصی آن بیشتر مطرح می شود .

الف - رقابت کامل : بازار تخیلی دوران کلاسیکها با خصوصیاتى که مشروحاً

در کتاب توضیح داده می شود .

ب - انحصار کامل : انحصار فروش یا انحصار خرید ؟ طبعاً " هر دو ، یک فروشنده انحصاری در برابر خیل مصرف کنندم ، تصور بفرمائید شرکت دخانیات ایران انحصار عرضه سیگار را خود در اختیار دارد و طبعاً " کسی هم نمیتواند از طریق واردات یا

این شرکت رقابت کند. لذا به هر قیمت که اراده کند سیگار را می فروشد. در برابر آن همین شرکت تنها خریدار تنباکوی کشا و رازان است که انحصار خرید را دارد. لذا قیمت خرید را نیز او تعیین می کند.

ج - حد فاصل بین دو حد رقابت کامل و انحصار کامل، رقابت ناقص و انحصار ناقص قرار دارند. فکر کنید دو یا سه کارخانه نوشابه سازی عرضه و فروش بازار را در اختیار داشته باشند و در این صورت با هم مصالحه خواهند کرد و بازار را بین خود تقسیم می کنند و قیمت را تعیین می کنند و با رقابت کرده، سعی در بیرون راندن همدیگر از بازار می کنند تا خود را به انحصار کامل برسانند. وجود دو کارخانه قند یکی در شازند و دیگری در درود در غرب ایران می توانند انحصار ناقص خرید باشند که خود را در برابر عرضه کنندگان بسیار چندرکار قرار می دهند.

د - در پاره ای موارد چند خریدار در برابر چند فروشنده بازار انحصار چند قطبی بوجود می آورد. به مثال چند کارخانه نوشابه سازی باز می گردیم که در شهری ناکزیرند کالای خود را فقط به چند شرکت تعاونی مصرف، عرضه کنند. در این صورت رقابت و مذاکره تعیین کننده قیمت است.

فصل دوم - تعادل بازار

این قسمت به تعیین قیمت محصولات یا عبارتی تعادل بازار اختصاص دارد. بازاری که محل تلاقی عرضه و تقاضاست یا عبارتی جایی که حاکمیت قیمت تعیین می کند چه میزان از چه کالایی را چه اقترادی خریداری کنند. در نظام اقتصاد آزاد (چیزی شاید با همان بازار رقابت کامل) قیمت، نقطه توافق عرضه کننده و تقاضا کننده است. در یک نظام اشتراکی و برنامه ای که معمولاً "دولت یا حکومت پرولتاریا (کارگری) حاکمیت دارد،" وست که تعیین کننده میزان تولید و نوع تولید است، پس قیمت را نیز تعیین خواهد کرد و احتمالاً "توزیع را بر روش کوپنی هم انجام می دهد. طبعاً در یک سیستم انحصاری (خواه انحصارگر دولتی باشد یا خصوصی) قیمت تابع تصمیمات هیئت مدیره واحد انحصارگر خواهد بود.

حال مطلب دیگری، اگر قیمت کالایی کاهش پیدا کند در این صورت تقاضا برای این کالا چه وضعی خواهد داشت؟

ممکن است تقاضا فوراً "بشدت افزایش پیدا کند یا تغییر جزئی داشته باشد. در این صورت بر درآمد تولید کننده تاثیر می گذارد. فرض کنید شخصی به مدیریت فروش کارخانه تولید واکس کفش منصوب می شود. او برای اینکه درآمد مؤسسه را افزایش دهد تصمیم می گیرد قیمت هر قوطی واکس را تا ۱۵٪ نسبت به قیمت قبلی کاهش

دهد، به این امید که با افزایش فروش (ناشی از تقاضای بازار) درآمد کارخانه را افزایش دهد. در این صورت او واکنش را یک کالای کش پذیر می داند. اما علی‌رغم کاهش ۱۵٪ در قیمت کالا میزان فروش تنها ۱۰٪ افزوده می شود. این شکست که منجر به کاهش درآمد کارخانه شده است ناشی از تشخیص غلط مدیر فروش کارخانه است. بدین ترتیب:

۱- اگر تغییر در قیمت سبب شود که تقاضا یا مصرف به مقدار بسیار زیادی تغییر کند، بقسمی که درآمد کل نسبت به درآمد کل قبلی افزایش نشان دهد کالا کش پذیر خواهد بود.

۲- اگر درآمد کل نسبت به درآمد قبلی کاهش نشان دهد کالا کش نا پذیر خواهد بود.

باقی

۳- اگر درآمد خالص توافقی را نشان ندهد کالا دارای کش پذیری واحد خواهد بود.

کش عرضه ماهیت دیگری دارد. بدین است هر یک بازار تصمیم می گیرد تا قیمت را افزایش دهد در این صورت عرضه پاسخ خواهد داد. بدین ترتیب کش عرضه، میزان افزایش مقدار کالای عرضه شده در پاسخ به افزایش قیمت است که هر قدر مدت زمان آن بیشتر شود کش عرضه بیشتر و نامحدودتر خواهد بود. ممکن است ناگهان قیمت مداد پاک‌کن در بازار افزایش پیدا کند. در این صورت در زمان کوتاه و محدود یک مغازه‌دار هر چه در مغازه و انبار دارد عرضه خواهد کرد. اگر این افزایش قیمت تداوم پیدا کند در این صورت می تواند با سفارش به کارخانه مقادیر بیشتری عرضه کند و در صورت ادامه وضع قیمت خود کارخانه با تغییر در دستگاه‌های تولید و یا با لا بردن تکنولوژی و افزایش سرمایه و امکانات بیشتر، عرضه را بیشتر و بیشتر خواهد نمود.

قیمت عامل تعیین کننده دیگری به نام عرضه دارد. هیچ تولید کننده‌ای حاضر نیست که مقادیری از محصول خود را لاقط برای مدت طولانی به قیمتی که هزینه‌هایش را تامین نکند به فروش رساند.

میدانیم هزینه یا ثابت است و یا متغیر. اگر تامین مواد خام و نیروی کار کارگری و یا استهلاک ماشین آلات را در نظر بگیریم، به هزینه‌های متغیر می‌رسیم که تابعی است از حجم تولید و اگر به تاسیسات موجود کارمندان ثابت و دیگر هزینه‌هایی که نقشی در تولید ندارند (یعنی چه تولید صورت بگیرد و چه نگیرد، هزینه پای‌جا) توجه کنیم، هزینه ثابت را مشخص کرده‌ایم. طبعاً "مجموع آنها هزینه کل تولید را

تشکیل میدهد که با تقسیم آن بر کل رقم تولید، هزینه متوسط تولید حاصل خواهد شد.
OPPORTUNITY COST یا هزینه‌های ترجیحی یا هزینه‌های فرصتهای از دست‌رفته

چیست؟

تصور کنید یک نفر پزشک در مطب خود روزانه ۸ ساعت کار می‌کند و ساعتی ۱۰۰۰۰۰ ریال عایدی اوست. این پزشک برای تعمیر اتومبیل خود به یک تعمیرکار رجوع می‌کند که حاضر است با پرداخت ۵۰۰۰۰۰ ریال اجرت، اتومبیل او را تعمیر کند. اگر این پزشک یک روز کار روزانه مطب خود را تعطیل کند و به تعمیر اتومبیل خود بپردازد، ۸۰۰۰۰۰ ریال از درآمد او کاسته خواهد شد. بدین ترتیب اگر این پزشک شما "به تعمیر اتومبیل خود بپردازد، هزینه" ترجیحی او ۸۰۰۰۰۰ ریال در برابر ۵۰۰۰۰۰ ریال اجرت تعمیرکار خواهد بود.

درآمد روزانه پزشک	- ۸۰۰۰۰۰ ریال
هزینه تعمیر اتومبیل	۵۰۰۰۰۰ ریال
Opportunity Cost	<u>۳۰۰۰۰۰ ریال</u>

بعبارتی اگر پزشک بکار تعمیر اتومبیل خود بپردازد، ۳۰۰۰۰۰ ریال هزینه **OPPORTUNITY COST** او خواهد شد. بدین ترتیب هزینه ترجیحی، هزینه از دست دادن - فرصتها و امکاناتی است که تولید کننده می‌توانست نیروی کار، تجربه و دارایی خود را در آن زمینه بکار اندازد.

حال با قانونی دیگر در تولید آشنا می‌شویم. اگر در تولید کالای چند عامل تولید کننده مؤثر باشد، مثلاً "ماشین آلات، کارگر، مواد خام و ... حال یکی از عوامل را مثلاً کارگر، افزایش میدهیم، با این شرط که بقیه عوامل ثابت باقی بمانند، نتیجه کار چه خواهد شد؟ حتماً "تولید هم افزایش پیدا می‌کند. اگر این کار را چند بار تکرار کنیم چه؟ در این صورت باز هم تولید افزایش پیدا می‌کند. اما به مرحله‌ای میرسیم که افزایش کارگران سبب کندی حرکت کار خواهد شد. بعبارتی کارگران توی دست و پای همدیگر می‌روند و محیط کار نامساعدی بوجود خواهد آمد. در این صورت کندی کار سبب کاهش تولید خواهد شد. علمای اقتصاد در این مورد از قانون بازده نزولی صحبت می‌کنند.

در این درس با بحث دیگری بنام بی تفاوتی برخورد می‌کنیم که نشان دهنده مصرف‌های جایگزینی است یعنی که انتخاب هر کدام از ترکیبات مذکور برای مصرف کننده تفاوتی ندارد. توجه داشته باشید هر مصرف‌کننده‌ای به تنهایی یک منحرفی مخصوص بخود دارد و دلیلی هم ندارد که با دیگران مشابه باشد. هر نقطه‌ای از این

منحنی رضایت یکسانی به مصرف‌کننده می‌دهد. لذا بهترین آن ارزانترین آنهاست که
مماس با خط چوبه است.

منبع مطالعه: کتاب اقتصاد... کتاب اول از صفحه ۱۰۱ تا ۱۲۵

دانشجویان عزیز توجه دارند که تمام مطالب کتاب اول مفید خواهد بود و لسی

نظر به کمبودهای وقت و اهمیت مطلب امتحان از قسمت ذکر شده بعمل خواهد آمد.

شود آزمایی درس دوم

۱- در شرکتهای تعاونی منافع بین اعضا به نسبت:

الف- میزان سهام تقسیم می‌شود.

ب- میزان خرید یا فروش تقسیم می‌شود.

ج- میزان سهام سرمایه و نیز معاملات با تعاونی تقسیم می‌شود.

د- منافع بصورت سرمایه‌گذاری مجدد در شرکت نگهداری می‌شود.

۲- شرکت سهامی خاص شرکتی است که:

الف- صاحبان سهام مسئول تامین سرمایه شرکت هستند.

ب- صاحبان سهام، سهام شرکت را از طریق بازار بورس عرضه نمی‌کنند.

ج- مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام میشود.

د- هر سه مورد فوق الذکر صحیح است.

۳- در شرکت تعاونی:

الف- هر عضو دارای یک رای میباشد.

ب- هدف، تولید و مصرف محصولات با قیمت عادلانه و رفع نیازهای دسته‌جمعی

بر اساس کمک متقابل و همکاری اعضا است.

ج- سهام داران نامحدود هستند.

د- هر سه مورد فوق صحیح است.

۴- یک منحنی بی تفاوت در حقیقت نشان دهنده:

الف- ترکیبات مختلف از دو کالا است که مصرف‌کننده با بودجه خود می‌تواند

خریداری کند.

ب- ترکیبات مختلف از دو کالا را نشان میدهد که برای مصرف‌کننده مطلوبیت

یکسانی ایجاد می‌کند.

ج- این است که با قانون نزولی بودن مطلوبیت نهایی تناقض دارد.

د- هیچکدام

۵- کشش عرضه در دراز مدت معمولاً:

الف - بزرگتر از کوتاه مدت است . ج - مانند کوتاه مدت است .

ب - کوچکتر از کوتاه مدت است . د - نزدیک به صفر است .

۶- اثر درآمد در حقیقت نشان دهنده تغییرات :

الف - کل درآمد است

ب - تکنیک بازاریابی است .

ج - تقاضاست

د - قدرت خرید است

۷- برای کدامیک از تخصصهای زیر کثرت عرضه در کوتاه مدت کمتر از دیگران است :

الف - پزشک

ب - باغبان

ج - نگهبان

د - معلم بدربه

۸- هدف تبلیغات :

الف - انتقال تقاضاست

ب - بالا رفتن سود است

ج - کاهش سهم رقبا در بازار است

د - تمامی آنچه در بالا ذکر شد

۹- کارتل بین المللی عمدتاً " در ارتباط با :

الف - تمامی کالاها بوجود می آید .

ب - کالاهایی که برای آنها جانشین وجود ندارد بوجود می آید .

ج - کالاهایی که تعداد تولید کنندگان آن زیاد باشد بوجود می آید .

د - کالاهایی که منحنی های تقاضای با کشش دارند، بوجود می آید .

۱۰- با توجه به جدول روبرو تولید بوجود آمده ناشی از چهارمین کارگر عبارت

است از :

کارگر	تولید
۱	۳۵
۲	۴۰
۳	۴۸
۴	۵۸
۵	۶۶
۶	۷۲
۷	۷۵

۱۱- یکی از استادان دانشکده حقوق تصمیم دارد برای انجام کارهای خود شخصاً متون

نوشته شده خود را تایپ کند. در آغاز کار این استاد دانشگاه ، ماهانه

۱۵۰۰۰۰ ریال حقوق دریافت می کرد. اگر یک ماشین نویس را استخدام کند ماهانه

۵۰۰۰۰۰ ریال حقوق ماشین نویس خواهد بود. استاد دانشگاه نتیجه میگیرد که خودش

سریعتر از ماشین نویس می تواند متون خود را تایپ کند. بنظر شما آیا استاد

دانشگاه باید کار ماشین نویسی را خود شخصاً انجام دهد؟ چرا؟

الف - بله، زیرا کار را با بهره‌دهی بیشتری انجام میدهد که همانا تایپ

متون خود میباشد.

ب- خیر، زیرا اگر او به کار ماشین نویسی بپردازد در واقع سرمایه‌ای را که

برای تحصیل خود صرف کرده تا به مقام استادی برسد ضایع کرده است.

ج- بله، زیرا برای او هزینه کمتری همراه خواهد داشت. اگر کار تحریر

متون را شخصا انجام دهد تا اینکه از یک ماشین نویس استفاده کند.

د- خیر، زیرا هزینه فرصت‌های مناسب برای یک ساعت کار ماشین نویسی

مرااتب پائین تر از یک ساعت کار بعنوان استاد دانشگاه است.

۱۲- جدول تولید کارخانه‌ای بشرح زیر است. با توجه به قوانین اقتصادی که

مطالعه کرده‌اید، استدلال کنید این جدول اثبات کدام قانون میباشد؟

الف- قانون نزولی بودن مطلوبیت

ب- قانون بازده نزولی

ج- قانون روانی کینز

د- این جدول تخیلی است و بیانگر هیچ قانونی نیست.

تولید واحد	واحد مواد خام	واحد ماشین آلات	کارگر واحد
۲	۸	۱۸	۱
۱۲	۸	۱۸	۲
۲۷	۸	۱۸	۳
۳۵	۸	۱۸	۴
۲۸	۸	۱۸	۵

درس سوم: تولید، توزیع و مصرف درآمد

بشر برای تدارک کالاهای اقتصادی به منظور مصرف سه هدف را تعقیب می کند:

- ۱ - تدارک کالای لازم برای رفع نیازهای اساسی زندگی
 - ۲ - جایگزین ساختن مواد لازم برای آنچه در حرکت زندگی خود به مصرف رسانده است.
 - ۳ - سعی در ازدیاد کالاهای موجود هم از نظر کیفیت و هم از نظر تنوع به منظور ارضای بیشتر خواستها و کوشش در افزودن به مجموع دارایی های خود.
- بر این اساس سه هدف پی گرفته می شود: تولید برای مصرف، تولید برای ذخیره مصرف آینده و بالاخره تولید برای افزایش ثروت.
- موادی که در فعالیت های تولیدی مورد استفاده قرار میگیرد عمدتاً "توسط طبیعت عرضه میشود اما انسان با استفاده از هوش، تجربه و نیروی کار خود در کاربرد این مواد طبیعی نقش آفرین است.
- کالاهای تولید شده ممکن است فوراً "به مصرف نرسد و جهت مصارف آتی ذخیره شود. در هر دو صورت کالای مذکور کالای مصرفی نامیده میشود. انسان آموخته است کالایی را تولید کند که مستقیماً "به مصرف نمی رسد این کالاها تولیدات بیشتری را

میسر میسازد؛ هر چند که این کالاهای نیز در بلند مدت به مصرف خواهد رسید ولی دلیل تولید آنها صرفاً به خاطر مصرف نیست بلکه به منظور عرضه خدماتی است که تولید بیشتر را میسر میسازد. این نوع کالاهای سرمایه‌ای یا بطور خلاصه "سرمایه" می‌نامند. بدین ترتیب سومین عامل تولید را سرمایه می‌دانند.

سرمایه از طریق پس‌انداز بوجود می‌آید و پس‌انداز از طریق خودداری از مصرف حالیه به جهت تأمین مصرف‌آتی و با امید مصرف‌بیشتر در زمان بعد تشکیل می‌شود. امروزه چهارمین عامل که اهمیتی نه‌کمتر از سه عامل قبل دارد به عوامل سه‌گانه تولید اضافه شده است. این عامل را افرادی تشکیل می‌دهند که به سه عامل دیگر تولید برای تحقق تولید، سازمان می‌دهند. اینان روحیه مدیریتشان به اعمال تولیدی روح می‌بخشد.

بحرانهای تولید در عصر حاضر ناشی از کمیابی مواد خام، زمین و دیگر منابع طبیعی است. انسان مجبور است تصمیم بگیرد برای جامعه خود چه تولید کند و چگونه آنها را با توجه به احتیاجات خود توزیع کند. باید به هنگام اخذ تصمیم در باره تولید به خاطر تأمین خواسته‌های تنی چند، گروه کثیری را از ارضای خواسته‌های خود محروم نسازد. عبارتی کالاهای محدود جهت مصرف افراد محدودی تولید نشود و گروه کثیر نامحدودی را محروم سازند.

از طرف دیگر افزایش بیش از حد جمعیت بخصوص در میان کشورهای فقیر از یک طرف آنان را به صورت مصرف‌کننده کالای محدود طبیعت مطرح ساخته است و از طرف دیگر با نارسائی تولید درگیر بیکاری و فقر در میان جوامع نموده است.

درآمد

منافع مادی بخصوص عایدات پولی که طی زمانی معین از خدمات انسانها (دستمزد) یا از بکار بردن دارائی (سود سرمایه و منافع کارفرما) حاصل میگردد عموماً "درآمد نامیده میشود.

این درآمدها را می‌توان به تعبیر درست‌تر "درآمد ناخالص" تعریف کرد. که پس از کسر هزینه‌های تجاری و سایر هزینه‌ها یا مخارج مستقیم به "درآمدخالص" می‌رسیم. و پس از کسر مالیات و پرداختهای اجباری مشابه، از "درآمد قابل تصرف" سخن به میان می‌آید.

درآمد قابل تصرف معرف قدرت خرید واقعی یک فرد یا یک بنگاه اقتصادی است. این درآمد قابل مصرف یا پس‌انداز است که در هر اقتصادی بر جامعه اثر می‌گذارد. بدین ترتیب واژه جدیدی بنام قدرت خرید جایگزین واژه "درآمد قابل تصرف" میشود.

در عصر جدید، عصر با رزترین جلوه‌های تقسیم کار و تخصص، هیچکس به تنهایی تمام کالاهای گه‌احتیاجات و خواسته‌های او را تامین نماید تولید نمی‌کند. اکثریت مردم در گروه‌های تولیدی سازمان یافته با یکدیگر همکاری می‌نمایند. هر فرد به حرکت تولید بخشی را می‌افزاید و در ازای آن بخشی از درآمد را بخود اختصاص می‌دهد. (دستمزد یا حق الزحمه یا سود و بهره) و به این ترتیب با این درآمد کالاها و خدمات تولیدی دیگران را خریداری می‌کند.

بنا بر این انسان به غرض‌کوشش برای تولید تمامی کالاهای مورد استفاده خود از طریق عرضه خدمات خود به یکی از سازمان‌های تولیدی درآمدی بدست می‌آورد. و این درآمد را در تحصیل آنچه در ابتدا خواستار بوده و اینک با همکاری افراد بسیار و معمولاً به رهبری و هدایت یک مدیر اقتصادی تولید شده، به کار می‌اندازد. بدین ترتیب کلیه عناصر مولد ثروت در هر اجتماعی در قبال انجام خدمات تولیدی خودباید از منافع و عایدی بهره‌مند گردند. بر این اساس کالائی که بدست مصرف‌کننده می‌رسد مجموعه‌ای از درآمدها و عوایدی است که نصیب کلیه مولدین کالا گردیده است.

سرمایه، کار و زمین سه عنصر اولیه و اصلی تولید را تشکیل می‌دهند که گاه هر سه و گاه ترکیبی از چند عنصر به تولید منتهی می‌گردد. بر این اساس کالای فروخته شده و عواید آن بین صاحبان عوامل تولید تقسیم می‌گردد. کار بصورت دستمزد عایدی دارد. سرمایه بصورت بهره یا سود، صاحب‌زمین با اجاره‌بها خود را در تقسیم و توزیع درآمد جامعه ذینفع میدانند. بدیهی است تعیین نرخ بهره یا میزان دستمزد و اجاره بها تابع قوانینی است که بازار مربوطه تعیین کننده آن خواهد بود. میدانیم همانطوری که عرضه و تقاضا قیمت کالا را تعیین می‌کند عوامل تعیین کننده مشابهی نیز قیمت کار، سرمایه و زمین را در شرایط مشابه تعیین خواهد کرد.

اول: دستمزد - سهم عامل کار

قسمت اعظم درآمد کل از کار و خدمات حاصل می‌گردد. رفاه میلیونها فردکارگر بستگی به دستمزد، حقوق و حق الزحمه‌ای دارد که دریافت می‌دارند. به عبارت دیگر وابسته به قیمت نقدی یا جنسی است که در قبال خدمات یا کار مشخص طی زمان معینی یا بر اساس ساعات کار روزها یا هفته‌های کار و یا بر حسب واحد کار انجام شده یا ترکیبی از هر دو باشد.

الف - بازار کار ویژگی مخصوص دارد. اگر در هر بازاری متقاضی می‌تواند خریدار کالا باشد اما در بازار کار، خرید و فروش نیروی کار بشکل انتقال مالکیت

از فردی به فرد دیگر امروزه ممنوع است. دیگر دوران برده‌داری و برده‌فروشی سپری شده است. امروزه فقط می‌توان نیروی کار را با پرداخت دستمزد برای کاری مشخص و مدتی معین در اختیار داشت. بازار کار به سه شکل در جوامع دیده می‌شود:

۱- بازار رقابت کامل: این بازار از بقایای سیستم سرمایه‌داری قرن ۱۹ بوده که در آن عرضه و تقاضا تعیین‌کننده، قیمت دستمزد کارگران بوده است. کلاسیکها معتقد بودند همانند هر کالایی با افزایش دستمزدها (قیمت کار) عرضه نیروی کار اضافه می‌شود و تقاضای کار کاهش می‌یابد. کاهش دستمزدها تقاضای کار را اضافه کرده در مقابل کاهش عرضه هم پدید می‌آید، تا نقطه تعادل حاصل شود. این نظر مسلماً در مورد عرضه و تقاضای پوшاک عملی است اما در مورد عرضه نیروی کار نمی‌توانند مصداق داشته باشد. فردیناند لاسال (۱۸۶۴ - ۱۸۲۵) قانون مفرغ هژدها را وضع نموده تصویری ملال‌انگیز ارائه نمود که گرایش دستمزدها بسوی تا مین حداقل حواج اولیه برای زنده ماندن کارگر و خانواده‌اش می‌باشد.

کلاسیکها می‌گفتند افزایش دستمزدها سبب بالا رفتن رفاه و بهبود زندگی کارگران می‌شد لذا افزایش زاد و ولد، افزایش عرضه نیروی کار را در بلندمدت به‌سمراه می‌آورد. در این مرحله افزایش نیروی کار سبب کاهش دستمزدها می‌شود و کاهش دستمزدها نهایتاً "سبب گسترش فقر و گرسنگی و مشکلات ناشی از آن خواهد شد که در نتیجه افزایش مرگ و میر و کاهش نیروی انسانی خواهد شد.

کلاسیکها در ضمن معتقد به دورانی بودن این جریان نیز هستند.

۲- بازار متشکل (یا رقابتی ناقص) که در این بازار کارگران از حالت انفرادی خارج می‌شوند و با تشکیل اتحادیه‌ها و سندیکاها سعی در ایجاد بازار رقابتی ناقص می‌نمایند و کارفرمایان را در برابر تهدید به اعتصاب و یا دیگر شرایط قهری مجبور به پذیرش شرایط بهتر کاری می‌کنند. کارگران در این بازار نیز گاه در برابر نیروی منسجم شده، کارفرمایان قرار می‌گیرند. دولت در اغلب موارد سعی در دخالت در این بازار دارد و با توجه به سیاست‌های اقتصادی خود از یکی از طرفین حمایت می‌کند و یا سعی در ایجاد تفاهم بین آنان می‌نماید.

۳- بازار دولتی: در این بازار دولت تنظیم‌کننده، کامل روابط کارگر و کارفرماست. قوانین کارگری را وضع می‌کند میزان حداقل و حداکثر پرداختی را تعیین می‌کند و اصولاً وجود اتحادیه‌ها و سندیکاها را به شکل مذکور در بازار متشکل تأیید نمی‌کند. دستمزدها تابع تصمیم‌های دولتی است.

ب- عرضه و تقاضای کار: عرضه کار، موجودی نیروی انسانی است تا تعداد

جمعیت در سن فعالیت و متقاضی شغل در بازار کار است، اقتصاد دانه‌ها به منظور تفکیک جمعیت فعال از جمعیت غیرفعال جامعه را از لحاظ سنی تفکیک می‌کنند و معمولاً "گروه سنی ۱۵ تا ۶۰ سال را گروه سنی فعال جامعه میدانند.

در کشورهای پیشرفته‌تر به لحاظ آموزش و پرورش اجباری گاه حد پائین سنی تا ۱۸ سال و بخاطر رفاه نسبی جامعه سن کهولت و بازنشستگی را تا ۶۰ سال تغییر می‌دهند. (برای مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب اقتصاد صفحات ۲۰۷ الی ۲۱۴ - می‌توانید مراجعه فرمائید. بدیهی است برای پاسخ به سوالات امتحانی مطالعه جزوه کافی خواهد بود.)

تقاضای بازار کار یا عرضه‌کنندگان مشاغل و کارفرمایان هستند که با توجه به ظرفیت واحد تولیدی خود طالب یا متقاضی نیروی کار هستند. در سطح جوامع تقاضا برای نیروی کار بستگی به ظرفیت اشتغال جامعه دارد که خود از عوامل مختلف است. جوامع عقب مانده بخش کشاورزی و صنایع سنتی و دستی و در جوامع پیشرفته بخش‌های صنعتی و خدماتی نقش اساسی در اشتغال نیروی کار دارند. (برای مطالعه بیشتر در این زمینه نیز به کتاب اقتصاد صفحات ۲۱۵ الی ۲۲۰ می‌توانید مراجعه فرمائید. توجه دارید که سوالات امتحانی در این قسمت از کتاب نخواهد بود.)

دوم : سود - سهم مدیریت

سود تنها به درآمدهای اطلاق گردیده است که به عنوان پاداش خدماتی که برای سازمان دادن و هماهنگ نمودن تولید، ترکیب عوامل تولید و تحمل و تقبل خطرات احتمالی وابسته به فعالیت‌های تولیدی انجام میشود. ژان باتیست سی (۱۸۳۲-۱۷۶۷) کسی که چنین خدماتی را ارائه می‌دهد "مدیر اقتصادی" نامیده است. مارکس و اطرافیان این درآمد را ناشی از استثمار کارگر یا استثمار مصرف‌کننده می‌دانستند ولی شومپیتر معتقد بود ابداع و قدرت تشخیص کارفرما سبب این عواید میشود. اختلاف اساسی بین درآمد کارگر (دستمزد یا حقوق یا حق الزحمه) و درآمد مدیر اقتصادی (سود) در این است که میزان مزدها قبل از انجام خدمات تولیدی یا کار تشبیهت میشود و بر اساس قراردادی تعیین میگردد، در حالی که میزان سود تا پایان مرحله تولید یا فروش یا مصرف نامعلوم است. لذا برخی معتقدند که چون میزان سود می‌تواند در شرایط نامطلوب مصرف، به زیان هم تبدیل شود به جبران زیان و خسارات احتمالی که به مدیر اقتصادی وارد میشود، سود بعنوان عواید کارفرمایان (مدیران اقتصادی) حق مسلم آنان است.

سوم : بهره : سهم سرمایه

همانند کارگران و کارفرمایان، سرمایه‌داران نیز در ایجاد و تولید کالاهای مهمی بعهده دارند. بهره در واقع قیمت سرمایه است که در مقابل استفاده از سرمایه پولی به سرمایه‌دار پرداخته میشود.

اقامه دلایل موافق یا مخالف بهره سابقه تاریخی و طولانی دارد. ارسطو معتقد بود بهره‌درآمدی غیر منصفانه است زیرا پول عقیم است و تکثیر نمیشود.

قوانین حضرت مسیح مطالبه و پرداخت بهره را ممنوع ساخته و اسلام ربا را حرام دانسته است.

بسیاری از اقتصاددانان سعی کرده‌اند وجود ربا یا بهره را در اقتصاد مطرح سازند. لذا بهره را پاداشی برای کسانی میدانستند که از مصرف‌امروزی چشم‌پوشی کرده‌اند. در غیر این صورت آن را مصرف‌می‌کردند. ژوزف شومپیتر Schumpeter هم بهره را پاداشی برای تامین هزینه‌های مالک سرمایه میدانست به خاطر هدایت سرمایه‌اش به محل و مکانی که بیشتر مورد نیاز است.

چهارم: اجاره - سهم مالک

اجاره را درآمد صاحبان مستغلات و زمین و یا حتی اموال با دوام تشکیل میدهد. در برخی تعاریف از اجاره با نام بهره مالکانه و یا رانت اقتصادی (منتسب به ریکاردو) نیز نام برده میشود.

زمین یکی از عوامل تولیدی است که ترکیب آن با سایر عوامل تولیدی، فرآورده‌های تولیدی را بوجود می‌آورد.

پنجم: مالیات و عوارض دیگر - سهم دولت

توزیع درآمد بین عناصر سه‌گانه تولید (مال اجاره - بهره و سود سرمایه و دستمزد) مطالعه شد. اما حالا سهم دولت مطرح میشود. دولت در اقتصاد جدید ایفای نقش عظیم و پراهمیتی را بر عهده دارد. افراد جامعه برای حفظ آزادی خود، تامین امنیت و عدالت اجتماعی، برخورداری از خدمات عمومی و تهیه قوانین لازم، تمهید شرایط مطلوب برای فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، تامین رفاه اجتماعی و بسیاری دیگر از امور به دولت متکی هستند. بر این اساس دولت نیز با اخذ مالیات‌های متنوع و یا انتشار اوراق قرضه و غیره به تامین درآمد می‌پردازد. دولت در کنار درآمدهای خود هزینه‌هایی نیز دارد که همه ساله می‌باید تا قبل از پایان سال مالی بودجه عمومی کشور که شامل درآمدها و هزینه‌ها میباشد، بتصویب‌قوه مقننه برساند.

بحث در این زمینه را به کتاب صفحات ۲۴۴ الی ۲۵۳ احاله می‌کنیم.

طبق قوانین موجود در اقتصاد ایجاد و تشویق فرصت‌هایی برای ایجاد اشتغال نسبتاً "کامل‌گریز از تورم و ناهنجاری‌های اقتصادی و یا رکود و آشفتگی بازارها از وظایف دولت محسوب می‌شود. دولت‌ها برای حفظ شرایط اقتصادی مطلوب برای جامعه خود به سیاست‌های مالی متوسل می‌شوند یا با تاثیر گذاشتن روی بدهی‌های خود یا هزینه‌های دولتی و یا مالیات‌ها بر سطح عمومی فعالیت‌های اقتصادی اثر می‌گذارند.

۱- از مالیات تاکنون بعنوان منبع اصلی تامین درآمد دولت گفتیم. حال می‌گوئیم از این وسیله برای حفظ ثبات اقتصادی هم استفاده می‌شود. فی‌المثل در دوران تورم با اخذ مالیات بیشتر و در دوران رکود با اخذ مالیات کمتر عمل می‌کند. عبارتی دولت با تغییر قدرت خرید مصرف‌کننده (که در شرایط اخذ مالیات بیشتر، کمتر شده است) در شرایط تورم مانع خرید و در شرایط رکود، مصرف‌کننده را تشویق به خرید می‌نماید.

۲- ابزار دیگر سیاست‌های مالی بیمه‌های دوران بیکاری است که همزمان با گسترش رکود و افزایش بیکاری دولت از این طریق مبالغی در اختیار جمعی از بیکاران می‌گذارد تا با خرج کردن آن ایجاد تقاضا کرده، اقتصاد را بسوی تولید بیشتر حرکت دهند. طبعاً "همین افزایش تولید، تقاضا برای نیروی کار را بالا برده، اشتغال را در جامعه اضافه می‌کند و مآلاً" به کاهش میزان حقوق بیمه بیکاری میانجامد.

۳- دولت با ایجاد سرمایه‌گذاریهای کارگر بر (طرح‌هایی که کارگر بیشتری را بخود جذب می‌کند) مانند کارهای ساختمانی و یا راه سازی در دوران رکود بیه اشتغال کمک می‌کند. و یا برعکس در مواقع تورم با کاهش سرمایه‌گذاری‌ها مانع افزایش بیشتر از حد اشتغال می‌شود.

۴- سیاست تنظیم بودجه‌های سالانه از ابزار دیگر دولت در حفظ ثبات اقتصادی است. بودجه یا متعادل است یعنی معادل هر چه درآمد دولت است (از محل مالیات‌ها و سایر عوارض و قرضه و غیره) مخارج دولت هم تنظیم می‌شود و یا غیرمتعادل است. یعنی یا درآمد از مخارج بیشتر است (مازاد بودجه) و یا مخارج بر درآمد فزونی دارد. (کسر بودجه). بدین ترتیب در شرایط رکود، دولت با ایجاد کسری در بودجه، خود را موظف بر گسترش فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد هزینه‌های مضاعف دولتی و سرمایه‌گذاری‌های جدید می‌کند برای این منظور با استقرار از بازارهای خارج و با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی سعی در جلب و جذب وجوهاتی می‌کند تا بتواند آنها را به بازار تزریق کند. در شرایط رونق اقتصادی حرکت معکوس صورت می‌گیرد. بدین

ترتیب که دولت مازاد بودجه خود را بصورت خرید سهام کارخانجات خارجی یا سرمایه گذاری در خارج و یا پرداخت وام های با بهره و غیره به انتقال موقتی سرمایه از اقتصاد اقدام می کند تا بدین ترتیب پول اضافی را از بازار خارج کند.

بودجه سالانه کشور توسط سازمان برنامه و بودجه تهیه و توسط دولت تقدیم مجلس می شود. این رسم در بیشتر کشورهای دیگر نیز متداول است. نخستین بودجه در ایران در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی تهیه شد که رقم درآمد آن حدود ۱۴۶ میلیون ریال پیش بینی شده بود که در برابر هزینه های آن ۵ میلیون ریال کسر بودجه داشت.

۵- دولت در کنار این ابزار و بسیاری ابزارهای دیگر به کنترل اقتصاد میپردازد و در مراحل به تشویق و ترغیب بخش خصوصی در جهت فعالیت های خاصی میپردازد. به طور مثال هتل داری را در برخی نواحی کشور تا چند سال از مالیات معاف میکند یا با اعطای وام های کم بهره به واحدهای صنعتی در مناطق دور افتاده کشور، به صنایع جهت می دهد تا در این نواحی به گسترش فعالیت ها اقدام نمایند. در اکثر موارد بانک مرکزی نیز به کمک دولت به کنترل اقتصاد جامعه میپردازد.

این بحث سیاست پولی را تشکیل میدهد که در جای دیگری به آن خواهیم پرداخت.

نقش اقتصادی دولت

حال توزیع درآمد را از سو و جهت دیگری بررسی می کنیم. گفتیم سرمایه دار، کارگر، کارفرما و دیگر عوامل تولید هر کدام با امید به کسب درآمد فعالیت می کنند و گفتیم که عرضه و تقاضا در بازار تعیین کننده قیمت عوامل تولید است. اما در عمل هر عرضه و تقاضایی تعیین کننده قیمت نمی شود خصوصا " وقتی که ابعاد مطالعه ما را از شکل "فرد" یا "بسته" و یا میکرو MICRO به مطالعه "کلان" یا گسترده و ماکرو MACRO" کشانده شود و بدنیال آن ناگزیر شویم تا سهم هر گروه را از درآمد ملی جامعه مشخص کنیم. میدانیم که درآمد ملی عبارت از مجموع درآمد یا ارزش های افزوده ایجاد شده توسط عوامل مختلف تولید است. بدین ترتیب می گوئیم مزد - بهره - سود - اجاره بها و مالیاتها و عوارض، هر یک سهم یک گروه از طبقات جامعه هستند که تابع عناصر و متغیرهای گوناگونی است مانند نوع نظام اقتصادی، سیستم توزیع درآمد، میزان رشد و توسعه اقتصادی.

در اغلب کشورهای عقب مانده بعلمت نارسایی های بازار و فقدان سیستم توزیع عادلانه درآمد معمولا " سرمایه داران منافع بیشتری را کسب می کنند اینان گاه از طریق حمایت از حکومتات، خود را در سیستم حکومتی جا میکنند و شکل سیاسی به نفع عادلانه تقسیم کردن درآمدها در جوامع میدهند. در این کشورها نرخ بهره سرمایه گاه تا

۵۰٪ نیز افزایش می یابد و بدلیل پائین بودن دستمزدها گاه مهاجرت کارگر بسوی خارج نیز دیده می شود. در کشورهای که عدالت اجتماعی و اقتصادی بیشتری به چشم می خورد، دولتها توجه به رفاه عامه را در اولویت قرار میدهند. در این اجتماعات بیکاری به حداقل میرسد، رفاه کارگران و کارکنان جامعه بیشتر مورد نظر قرار میگیرد، ضمن اینکه به دو عنصر دیگر تولید نیز توجه لازم مبذول می گردد. توجه داریم که هر کشور پیشرفتهای هم عدالت اجتماعی و اقتصادی را اجرا نمیکند بطوری که در برخی از همین کشورها شاهدیم که کمتر از ۱۰٪ جمعیت تا بیشتر از ۳۰٪ درآمد ملی کشوری را در اختیار دارند. بدین ترتیب توزیع درآمد از طریق بازار غالباً سبب بیعدالتی های اجتماعی و اقتصادی می گردد و همین بیعدالتی ها سبب برخوردهای بزرگ اجتماعی و تحولات سیاسی در کشورها گردیده است. لذا دولتها بتوصییه اقتصاددانان دریافته اند که سهم نیروی کار که اکثریت جمعیت فعال را در هرکشور شامل میشود، از توزیع درآمد ملی ناچیز است و همین پدیده ها دولت را به مداخله و کارفرمایان را به تفکر بیشتر واداشته تا اصولاً مکانیسم اصلاح شدهای برای بهبود و رفاه حال نیروی کار تدارک ببینند.

①- دولتها از طریق نظارت بر تعیین مرزها در بازار مداخله می کنند و با تعیین حداقل دستمزد از گروه مزدبگیر حمایت می کنند.

②- سیاست توزیع مجدد درآمد بر مبنای اخذ مالیاتهای تصاعدی نسبت به درآمد اشخاص سبب می شود تا بر اساس یک سیستم مالیاتی تبعیضی (مالیات تصاعدی) قسمتی از درآمد عوامل پردرآمد اجتماع اخذ و سپس از طریق مخارج عمومی برای رفع نیازمندیهای عمومی صاحبان درآمدهای کم به این طبقه منتقل میشود. (برای مطالعه بیشتر در این مورد در صورتی که مایل باشید می توانید از صفحه ۲۵۴ تا ۲۶۲ کتاب را مطالعه کنید. بدیهی است سئوالات امتحانی از این صفحات نخواهد بود)

رشد اقتصادی

حال کمی بیشتر از رشد و توسعه اقتصادی سخن می گوئیم: برخی رشد را عبارت از افزایش تولید یا افزایش هر ساله محصول ملی نسبت به سال قبل میدانند. اما در این اندازه گیری باید اهمیت کالاهای مصرفی، تفریح و استراحت، تعداد نفوس و توزیع عادلانه و نسبی ^{ثروت} را در نظر گرفت.

بدین ترتیب کشوری توسعه نیافته است که درآمد سرانه یا درآمد ملی آن به طرز مشهودی پائین تر از سطح لازم برای حفظ سلامت و رفاه مردم آن کشور باشد.

جهان امروز درصد کشورهای توسعه نیافته (عقب مانده) را بمراتب بیشتر از کشورهای پیشرفته نشان میدهد. این کشورها از لحاظ مشخصات مشابهت های مشترکی دارند. مهمترین این ویژگی ها عبارتند از:

الف) رشد جمعیت بیش از حد
 رشد جمعیت زیاد در اکثر موارد اجازه نمی دهد تا منابع اقتصادی کشور بتوانند تکافوی نیازهای جامعه را بنمایند. بدین ترتیب درآمد سرانه در جامعه بسیار نازل است و در بسیاری موارد توزیع درآمد نامتعادل است. در برابر جمعیت کم درآمد و گرسنه، اشنیای اندکی زندگی می کنند که گاه ۵ تا ۱۰ درصد افراد جامعه را بیشتر تشکیل می دهند ولی بیشتر از ۳۰ تا ۴۰ درصد درآمد جامعه را بخود اختصاص میدهند. ب) بدنتیال آن پائین بودن سطح آموزش و پرورش و یا کمبود امکانات آموزشی. معمولاً فقر و عقب افتادگی در جوامع سبب میشود تا کودکان و نوجوانان بسا دشمنزدهای کم جذب بازار کار بشوند در این صورت فرصت های آموزشی کاهش مییابد. در این جوامع امکانات دولتی برای آموزش کافی نیست و امکانات غیر دولتی معمولاً اجازه تحصیل برای همه استعدادها را فراهم نمی کند.

ج) بهداشت در سطح بسیار ابتدائی و پائین

د) فقدان تکنولوژی و گسترش اقتصاد سنتی و کشاورزی

ه) کمبود سرمایه و پس انداز

و) بالا بودن درصد بیکاری و بیکاری پنهان

ز) صنایع معمولاً در حد بسیار ابتدائی و وابسته شکل میگیرد.

در ادامه، این درس چند مفهوم اساسی را بیان می کنیم، مفاهیمی که هر روزه اگر با همه آنها مواجه نشویم لااقل تعداد زیادی از آنها را میشنویم. بازار راکد است. تورم سنگینی بار خود را بر دوش طبقات مزدبگیر و حقوق بگیر می اندازد. برای رسیدن به مرحله رونق اقتصادی چه باید کرد؟ اینها و بسیاری از این قبیل عناوین خبرهای اقتصادی است که در زمانهای مختلف در جامعه مطرح میشود. از اشتغال کامل شروع می کنیم. وضعی است که در آن تقاضا برای کار مساوی با عرضه باشد بعبارتی اگر همه افراد فعال جامعه کار مفیدی پیدا بکنند و بیکار به هیچوجه وجود نداشته باشد. این حالت اشتغال کامل است. اشتغال کامل به معنای وسیعتر آن استفاده کامل از کلیه منابع تولیدی است. مسلم هر چه از این مرحله بسوی بیکاری عوامل تولید کسانده شویم اشتغال از حالت کامل خارج شده بصورت

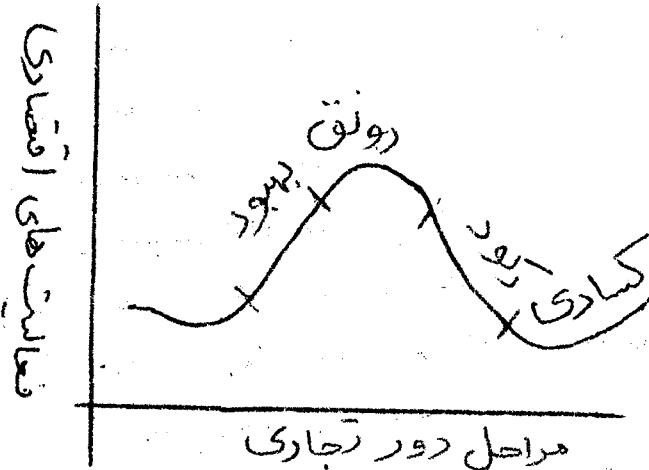
اشتغال ناقص (یا بیکاری) مطرح میشود.

ایجاد مشاغل کاذب و کارهای غیر مفید جامعه را با خطر بیکاری پنهان رو در رو میسازد. ترقی شدید و نسبتاً "آنی سطح عمومی قیمت‌ها را تورم می‌گویند. این تورم یا ناشی از بی‌اعتمادی به پول ملی است یا نتیجه عرضه بیش از حد پول است و یا اینکه از نتیجه مستقیم افزایش تقاضا در برابر عرضه پدید می‌آید. دوران رکود اقتصادی و رونق دو مرحله کاملاً متضاد در یک دوره اقتصادی است.

حال با دیدی گسترده‌تر یک جامعه اقتصادی را مورد مطالعه قرار میدهیم. هر جامعه در دوره اقتصادی خود ناگزیر در تلاطم حرکت‌های امواج اقتصادی قرار میگیرد و ناچار وجود ناخداشی مدبر و کاردان می‌تواند دامنه نوسانهای اقتصادی را محدودتر ساخته و دورانهای رکود و کساد را به حداقل ممکن تقلیل دهد و ثبات و آرامش اقتصادی را تضمین نماید.

اصولاً چهار مرحله در یک دوره

اقتصادی دیده میشود.



الف - بهبود که حرکت جامعه را از کساد

و رکود نشان میدهد در این مرحله سود، قیمت‌ها، مخارج و میزان اشتغال رو به افزایش میگذارد.

بعبارتی دکاکین گزد و غبار بجا

مانده از دوران رکود و کساد را پاک کرده به امید روزهای خوشتر به خانه تکانی میپردازند و خوشبینی به آینده را به جامعه باز میگردانند.

ب - رونق پس از مرحله بهبود دوره‌ای است که قیمت‌ها بیش از دستمزدها افزایش

میابند. تولید، اشتغال، درآمد، قیمت‌ها و میزان تشکیل سرمایه نه فقط در سطح بالایی قرار دارند بلکه روند فزاینده‌ای نیز از خود نشان میدهند. این دوره میتواند سرغازی برای حرکت تورم در جامعه باشد. آثار این دوره بصورت افزایش نسبی درآمدها و در پی آن بالا رفتن میزان مصرف، افزایش پس‌انداز و بالا رفتن امکانات مالی جامعه جهت تامین سرمایه‌گذاری جدید میباشد.

ج - رکود - افزایش هزینه‌ها و در پی آن کاهش سود، تعدید اعتبارات بدلیل جلوگیری

از تورم و افزودن موجودی کالا، کاهش قدرت خرید مصرف‌کننده و انتظار آنان از کاهش آینده قیمت‌ها همه از آثار و نتایج دوره رکود بشمار میرود.

حال اگر بحران را یک رکود شدید بدانیم در این صورت با سقوط شدید قیمت‌ها

چه در بازارها و چه در تالار بورس سهام ورشکستگی شدید و سریع کارخانجات و بدنبال آن اخراج گروهی کارکنان و کارگران و در نهایت سقوط ارزشها مواجه خواهیم شد.

د - کسادی - در این مرحله دستمزدها، قیمت‌ها و نرخ بهره و بطور کلی کلیه فعالیت‌های اقتصادی در سطح بسیار پائین قرار می‌گیرند. طبعاً "بیکاری درحد اعلی خود قرار دارد." (برای مطالعه بیشتر این درس می‌توانید صفحات ۴۲۳ الی ۴۳۱ کتاب اقتصاد را مطالعه کنید. بدیهی است امتحان از این صفحات نخواهد بود.)

پول و سیاست‌های پولی

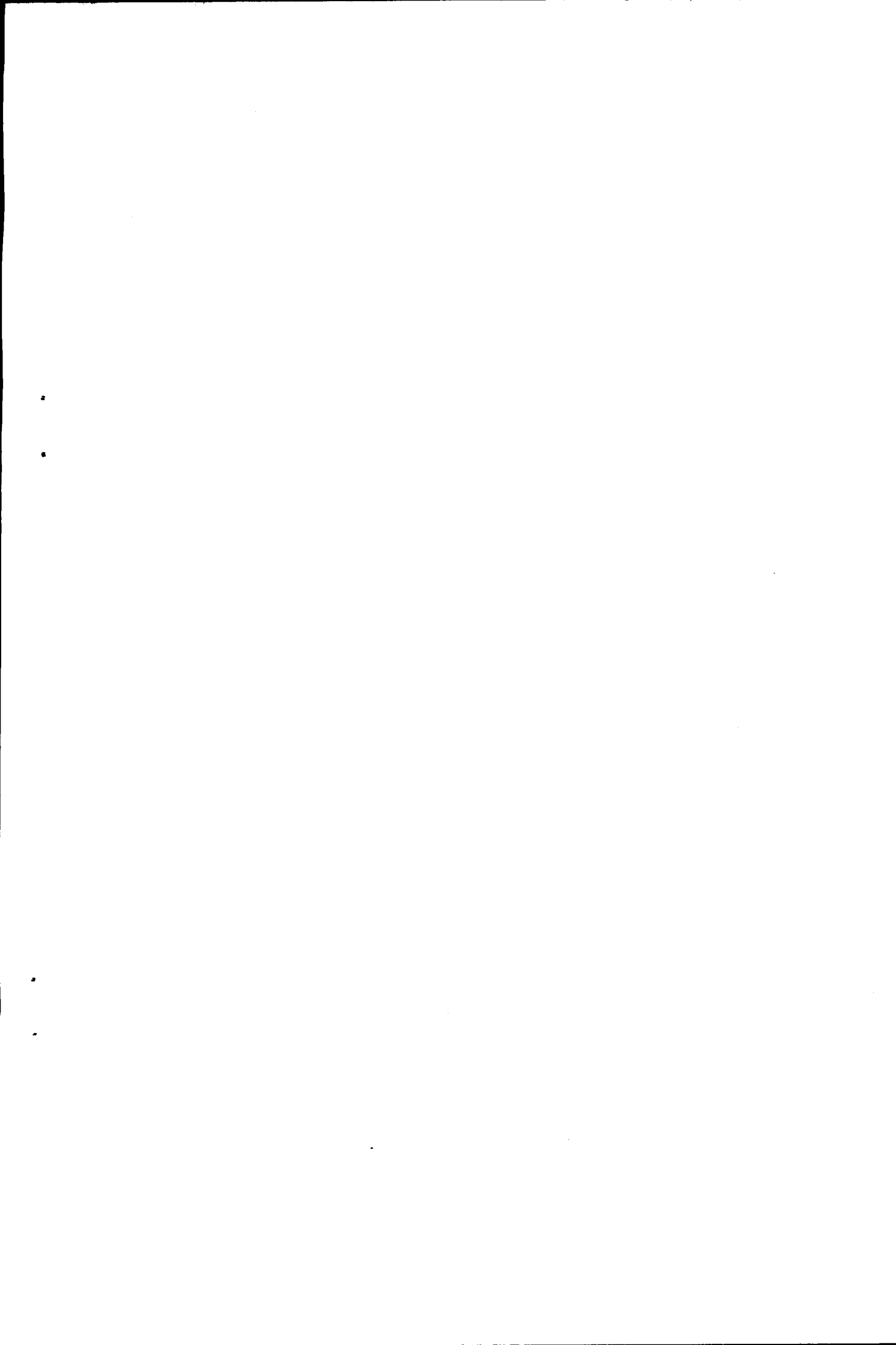
پول چیست؟ اعتبار کدام است؟ نقش بانک در زندگی بشر چگونه بوده است و بالاخره اگر ارز نبود چه میشد؟ اینها و بسیاری سئوالات دیگر هر روز بشکلی فکر و ذهن ما را بخود مشغول میکند. بی پول که نمیشود کالای خرید. آیا خود پول هم یک کالای قابل خرید و فروش نیست؟ برخی می‌گویند پول یک کالای مبادله‌ای یا واسطه‌ای است. در این صورت تولید کننده آن کیست. دولت، ملت یا بانک؟ شاید هم هر سه تولید کننده پول باشند.

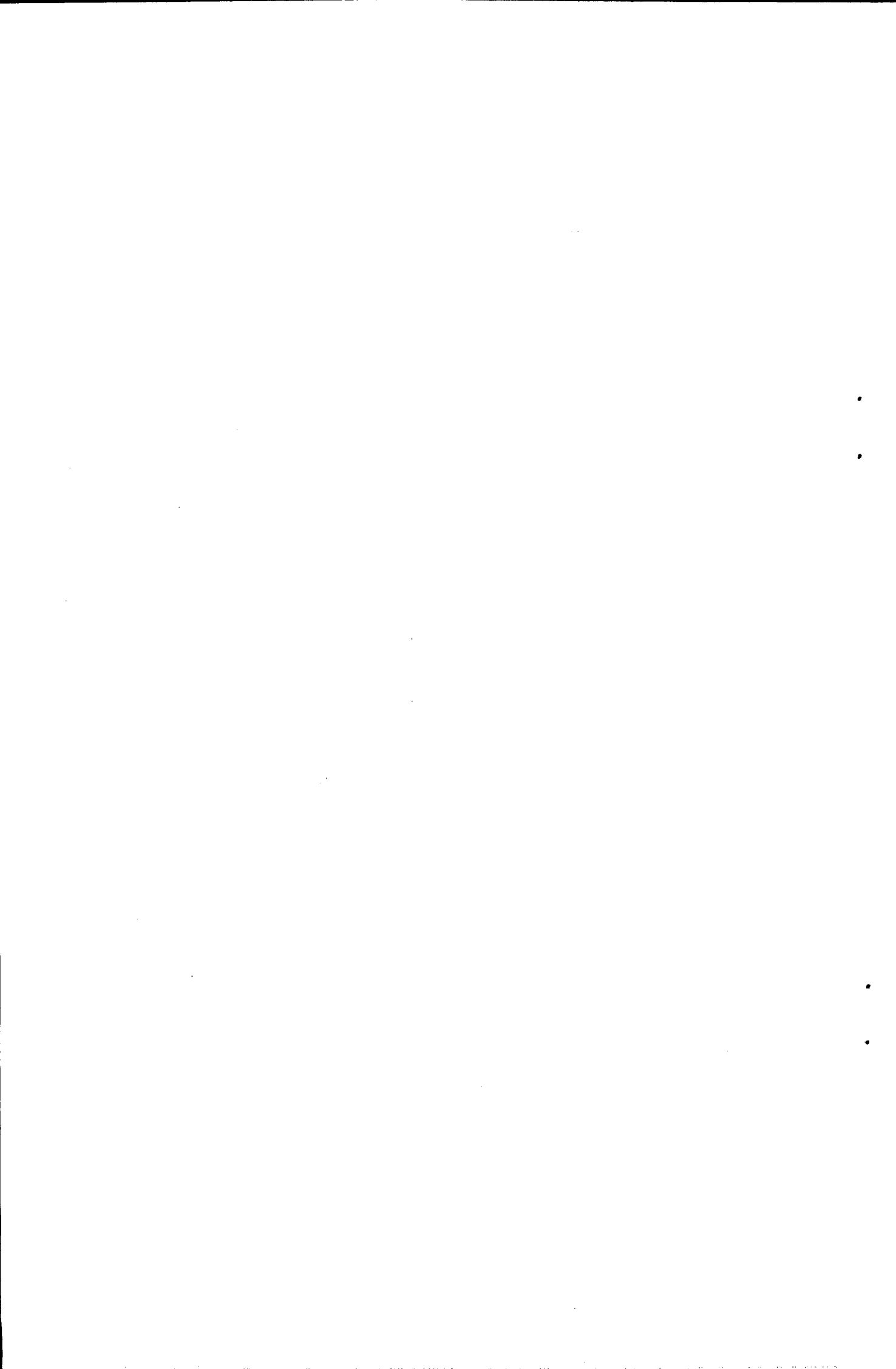
اگر مفهوم پول را تعیین کننده ارزش ثروت‌ها بدانیم در این صورت هم دولت هم ملت و هم بانک هر سه دارای ثروت هستند پس هر سه می‌توانند پول هم تولید کنند در این صورت ...؟ بهمین دلیل به موجب قانون با اختیاراتی که به بانک داده شده است پول تولید می‌کند تا ارزش‌ها با هم مقایسه گردند.

گفتیم همه میتوانند خالق ارزشهای اقتصادی باشند و گفتیم همه میتوانند پول تولید کنند اما قانون همه را ممنوع کرده است. اما آیا جلوی اعتبار افراد را که خود پول دیگری است می‌توان سد کرد؟ خوب با این ترتیب اعتبار چیست؟ آیا اعتبار پول است؟ یا اعتبار ارز است؟ اما ارز ...؟ دلار - مارک - یین - فرانک بنظر شما کدامیک برای ما ارز هستند و برای مردم ژاپن کدامیک ارز محسوب میشود؟

الف - پول

نخست از پول و نقش آن در اقتصاد آغاز می‌کنیم. پول وسیله مبادله است یا ابزار اندازه‌گیری و قدرت خرید؟ علمای اقتصاد پول را بعنوان ابزار کنترلسیاست‌های اقتصادی دولت میدانند. وقتی می‌گوئیم فلانی پولدار است منظور کدام پول است؟ سکه‌های طلا و نقره است که در منزل و در گاوصندوق نگهداری میکنند؟ یا اینکه دسته‌های اسکناسی است که در درون لحاف و متکا مخفی کرده است و یا اینکه موجودی‌های پول و اعتبار است که نزد بانک دارد؟ گویا با یک تعبیر هر سه مورد فوق نشان‌دهنده پولدار بودن است.





گفتیم پول وسیله مبادله در یک معامله است. کالا یا خدماتی خریداری میشود و خریدار در مقابل این خرید مقادیری سکه درون یک کیسه به فروشنده میدهد. سکه‌ها می‌توانند از جنس طلا یا نقره یا فلز سومی باشند.

حمل کاغذ از سکه بمراتب آسانتر است و همین سبب میشود که کم کم اسکناس جایگزین کیسه‌های پول فلزی (مسکوک) شود. این کاغذها که بعدها بنام اسکناس خوانده شد، برگ رسیدی بود که صادر کننده آن متعهد می‌شد در برابر ارائه آن به آورنده مقادیری طلا تحویل دهد. اما تدریجا "این رسم نیز منسوخ گردید و تنها در برخی مبادلات بین الملل اجرا میشد. امروزه سیستم پولی جهانی تغییرات دیگری نیز کرده است. در راس همه این تغییرات تعهد پرداخت طلا در قبال اسکناس در مبادلات بین المللی نیز منسوخ شده است. دیگر برای پرداخت‌های خارجی نیاز نیست که تاجر با وجوهاتی در جیب، به بازارهای خارج مسافرت کند. انواع چک و اسناد بانکی مانند حواله بانکی بسیاری از مشکلات پرداخت‌های ملی و بین المللی را حل کرده است.

ب- اعتبار

حال لازم است قبل از ترک این بحث و آغاز موضوع بانک و بانکداری در فصل مشترک این دو بحث از اعتبار سخن گوئیم. در اقتصاد، اعتبار امکاناتی است برای پرداخت‌های آتی. بهمین دلیل کسی معتبر است که قول و سند او برای پرداخت آتی، مورد قبول باشد. در این صورت شاید در کنار بانک ناشر اسکناس و دولت که هر دو بوجود آورنده پول در گردش هستند از فرد یا افراد معتبر نیز به عنوان خالق پول نام برد. زیرا اسناد تعهدآور (چک و سفته و ...) آنها مانند پول نقد دست‌پدست میگردد.

ج - بانک و بانکداری

مبحث سوم بانک و بانکداری است. بانک مهمترین رکن سیستم مالی جامعه است. میدانیم در یک سیستم مالی در کنار بانک از خزانه، شرکت‌های بیمه، صندوقهای پس‌انداز و سازمانهای مالی دیگری نیز می‌توان نام برد.

اگر بانک مرکزی که ناظر و کنترل کننده سیستم پولی و بانکی کشور است را در نظر بگیریم، اصولاً دو نوع بانک وجود دارد. بانک‌های تجاری و بانکهای تخصصی. به هر کشوری که وارد میشویم بانکهای تجاری با شعبات بسیار زیاد خود شاید اولین مکانی باشند که به تازه واردان خیرمقدم می‌گویند. در ایران بانکهای ملی، صادرات، تجارت و ... این وظیفه را برعهده دارند. بنظر شما بانک کشاورزی، رهنی، پسا بانک توسعه صنعتی و معدنی چه نقشی دارند؟ اینها بانکهای تخصصی هستند که با هدف خاص تشکیل می‌شوند.

آخرین مبحث این درس از ارز به عنوان پول بیگانه و نیز مبادلات بین المللی صحبت میشود تا ضمن آشنائی با مکانیزم پرداختهای بین المللی و آشنائی با تراز پرداختها از سیستمهای تبدیل و تعیین نرخ برابری ارزها نیز سخن به میان آید.

امروزه گسترش وسایل مخابراتی و ایجاد ارتباطات بسیار وسیع بین شرق و غرب، تمدن ها را شدیداً و قویاً با یکدیگر آمیخته نموده است. این آمیختگی لزوم زندگی مشترک در جامعه بزرگ جهانی را تاکید می کند. بدین ترتیب یکی از چندین مبحث از درس اقتصاد با عنوان اقتصاد بین الملل و مبادلات بین المللی در این قسمت مطرح میشود. همچنین نظرات موافقین و مخالفین آزادی مبادلات و توسعه تجارت بین المللی مطرح میشود، توجه داریم که در این بحث به مبادلات بین المللی توجه شده است. یعنی جایی که شرط مبادلات آن عبور از مرزهای بین ملتها است. در بحث ما توجه به ابعاد جهانی اقتصاد نمی شود و آنرا به درس چهارم محول خواهیم نمود.

کلاسیک ها معتقدند که با گسترش تجارت بین المللی، ملتها امکان خواهند یافت تا در رشته های که تخصص دارند پیشرفت بیشتری کنند و از طریق صادرات و واردات، کالاهای مصرفی بیشتری را خریداری کنند و بدین ترتیب درآمد بین المللی افزایش پیدا می کند. (اصل تقسیم کار بین المللی)

در برابر آن طرفداران حمایت اقتصاد ملی قرار دارند که معتقدند تخصص در یک رشته، بخصوص اقتصادی ملتها را به دیگر ملتها وابسته خواهد کرد لذا باید در تقویت توان های اقتصادی کوشید لذا ...

منبع مطالعه این درس: قسمت پنجم کتاب از صفحات ۴۴۰ الی ۴۷۵ و ۴۹۰ الی ۴۹۶ و قسمت ششم کتاب از صفحه ۵۲۷ الی ۵۵۰ (صفحات ۵۵۱ - ۵۵۳ مباحثی است در باره سیاست های حمایتی و اصول بازرگانی خارجی ایران که می تواند برای علاقه مندان مفید باشد ولی بخشی از درس نخواهد بود) و ۵۵۷ الی ۵۶۹ مطالعه شود.

خودآزمایی درس نهم

① - در نظام شناوری ارزها نرخ برابری از روی :

الف - عرضه و تقاضا برای ارز تعیین میشود.

ب - میزان طلای موجود در صندوق بین المللی پول تعیین میشود.

ج - میزان و حجم مبادلات بین المللی تعیین میشود.

د - از روی مقایسه پشتوانه های ارزهای مورد نظر تعیین میشود.

② - یکی از دلایلی که مخالفین تجارت آزاد عنوان می کنند عبارت است از :

الف - حمایت از صنایع نوزاد
 ب - تحرک اشتغال داخلی
 ج - حمایت در برابر نیروی کار ارزان خارجی
 د - هرسه مورد فوق صحیح است

۳- منظور از " توزیع " در اقتصاد:

الف - " چه چیز " است
 ب - " چگونه " است
 ج - " چه اندازه " است
 د - " برای چه کسانی " است

۴- بر اساس نظریه کینز:

الف - پس انداز با نرخ بهره رابطه معکوس دارد.
 ب - پس انداز با سودآوری سرمایه گذاری رابطه مستقیم دارد.
 ج - پس انداز با درآمد رابطه مستقیم دارد.
 د - پس انداز و سرمایه گذاری از طریق نرخ بهره با یکدیگر برابر میشوند.

۵- فرق بین سود و بهره چیست؟

الف - سود عواید مخصوص کارفرماست.
 ب - سود عایدی کارفرما و بهره ثمره سرمایه است.
 ج - سود حاصل کار سرمایه است و بهره عایدی کارفرما است.
 د - سود و سرمایه هر دو محصول کار کارفرمایان است.

۶- کسر بودجه بصورت یکی از ابزار سیاست های مالی دولت سبب:

الف - رهایی اقتصاد از تورم می شود.
 ب - تورم در جهت افزایش تولید میشود.
 ج - رشد و شکوفایی اقتصاد میشود.
 د - رکود شده که بصورت یک سیاست ضد تورمی اعمال میشود.

۷- بنظر شومپیتر کارفرما عاملی است که:

الف - بازارهای جدید کشف می کند.
 ب - منابع مواد اولیه جدید برای مواسسه کشف می کند.

ج - فنون یا ابداعات جدید در بخش تولید به اجرا درمی آورد.
 د - همه موارد فوق صحیح است.

۸- برای کنترل تورم بانک مرکزی اقدام به:

الف - خرید اوراق قرضه دولتی می نماید.
 ب - افزایش حجم اعتبارات بانکی و تسهیلات سرمایه گذاری می نماید.
 ج - تشویق بخش خصوصی به سرمایه گذاری در بخش های خدمات می نماید.
 د - افزایش نرخ بهره، تنزیل مجدد می نماید.

۹- تفاوت اقتصاد بسته با اقتصاد باز این است که در اقتصاد باز:

الف- عامل کار بین کشورها قابلیت تحرک دارد.

ب- مبادله کالاها بین کشورها جریان دارد.

ج- مبادله پول بین کشورها جریان مییابد.

د- همه موارد فوق صحیح است.

۱۰- فرض کنید که قیمت فرانک فرانسه از ۱ دلار معادل ۲ فرانک به ۱ دلار معادل ۴

فرانک تغییر کند. در این صورت:

الف- قیمت کالاهای فرانسوی برای آمریکاییان افزایش یافته است.

ب- قیمت کالاهای فرانسوی برای آمریکاییان کاهش یافته است.

ج- قیمت کالاهای فرانسوی برای آمریکاییان بدون تغییر مانده است.

د- تقاضا برای دلار آمریکا کاهش یافته است.

۱۱- تفاوت پول و شبه پول عبارت از:

الف- قدرت خرید آنهاست.

ب- اینکه آیا شبه پول را می توان به پول تبدیل کرد.

ج- اینکه آیا در اقتصاد تورم وجود دارد؟

د- اینکه آیا نقدینگی هر کدام چه میزان است؟

۱۲- اگر فرضاً "ایران بدون سیاست اقتصاد بسته باشد و تجارت خارجی را منع کند

در این صورت آسیب خواهد دید. زیرا:

الف- واردات کشور بمراتب از صادرات بیشتر است.

لذا نیاز به مصرف کالاهای خارجی محسوس است.

ب- صنایع عمده کشور محتاج خرید بخشی از مایحتاج خود هستند در غیر این

صورت بعثت تعطیلی صنایع، بیکاری گسترش مییابد.

ج- بدلیل نازل بودن خودکفائی نسبی ایران در مقایسه با دیگر کشورها

توانائی ها کم است.

د- عدم صدور نفت ایران به بازارهای خارجی صدمه شدید وارد خواهد کرد.

درس چهارم امر مبارک و اقتصاد

جامعیت دیدگاه‌های امر و تحولات سریع وقایع و حوادث اقتصادی در جهان امروز که آمیخته‌ای با مسائل سیاسی دارد، ما را بر آن میدارند تا نخست مطالعات اقتصادی خود را نسبت به اصول اولیه و کلیه این درس گسترش دهیم و در ثانی به گسترش جهان بینی خود پردازیم تا مسائل و مشکلات جهان کنونی خود را دریا بیم و بالاخره با دقت نظر و کنجکاوای بیشتری به مطالعه آثار مبارک بپردازیم تا بتوانیم الگوی مناسبی جهت دنیای امروز بیابیم.

مطالب جزوه ضمیمه که یکی از منابع درسی مورد مطالعه ما میباشد فاقد عنوان یا سرفصل است (جز در چند مورد استثنائی) زیرا نمی‌خواهیم با ذکر سرفصل دیدگاه‌ها دانشجویان را در قالب یک عنوان محدود سازیم لذا با علامت چند ستاره مباحث را از هم جدا ساخته‌ایم، هر چند که جدائی پذیر نیستند. از زمان تنظیم و تدوین این جزوه نوشته‌ها و تحقیقات جدیدی از سوی برخی صاحب نظران دریافت شده است که انشاء الله در بازنگری این جزوه مورد استفاده قرار خواهد گرفت. با این امید که تا آن زمان نوشته‌های جدیدتری که حاصل صرف وقت و دقت و علاقه دانشجویان عزیز است، دریافت کنیم تا بتوانیم در نهایت حاصل پر بارتری به دانشجویان و علاقه‌مندان آینده تقدیم کنیم.

بدین ترتیب در آستانه تحقیقی قرار داریم که امیدواریم به همت و پشتکار شما عزیزان عمق بیشتری پیدا کند.

دانشجویان عزیز باید با تقویت آموخته‌ها و دانش علمی به تجزیه و تحلیل خود از آثار و الواح، دیدگاه مطلوب‌تری بدهند. عزیزان دانشجوی باید توجه داشته باشند که ما در این مطالعه و بررسی خود را از مقایسه دیدگاه‌های اقتصادی امر مبارک با سایرین، چه ادیان سالفه و چه مکاتب ماده مبری ساخته‌ایم. اگر به تحلیل نظرات اقتصادی ادیان سالفه میپردازیم صرفاً "به جهت تشریح یک جنبش تاریخی و یا یک حرکت تکاملی و الهی در جامعه است و اگر خود را از مباحثه یا مقایسه با سایر مکاتب مادی دور نگه میداریم به دلیل اختلاف عمیقی است که با دیدگاه‌های آنها داریم. بعبارتی اگر مارکسیسم به قدرت نیروی کارگر میاندیشد و آنرا برتر میدانند امر مبارک به تعالی انسانها میاندیشد و مقام انسان را در نظر دارد. اگر مکاتب

اقتصادی فقر مادی را ریشهٔ بدبختی های بشری میدانند و تساوی و تعادل در مادیات را راه گشای مشکل بشری میدانند، امر مبارک فقر مادی را تنهاعطت مشکلات و بدبختی - های بشری نمی دانند. تعلیم و تربیت عمومی، هماهنگی روحانیات با مادیات، مطابقت دادن علم و عقل با دین، ایجاد یک جامعهٔ متحد بین المللی جلوه های مهمی است که بشر امروزی برای نجات از معضلات کنونی بدان نیازمند است.

توجه داریم که تعدیل معیشت و حل مسئلهٔ اقتصاد در امر مبارک جزء کوچکی از تعالیم شارع مقدس این آئین نازنین است که برای تعالی بشری عنایت فرموده اند. لزوماً "مطالعهٔ اقتصاد در امر بهائی بطور مجزا و مجرد از سایر تعالیم ممکن نیست. اگر مادیون تنازع و مبارزه را اساس اقتصاد میدانستند امر مبارک توجه را به تعاضد و تعاون، همکاری و همدلی معطوف داشته است.

بر اساس تعالیم بهائی کارگر باید از تولید سهم ببرد و روابط مزدوری باید ملغی گردد. صنعت و فلاح، کسب و تجارت معدوح است و تکدی حرام. راستی چه نوع و چه میزان کار، مطلوب نظر دیانت بهائی است؟ ساعت های فراغت خود را چگونه باید صرف نمود؟

بشر در طول حیات خود همیشه با بحرانها و مشکلات رودر رو بوده است. خشکسالی و جنگ، ویرانیها و قحطی های را بدنبال خود کشانده است. آیا ابعاد بحرانها در آینده شکل دیگری دارد؟

بشریت کم کم به این حقیقت معترف میشود که موضوع وحدت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دیگر یک عقیدهٔ تخیلی مطبوع یا یک ایده آل دست نایافتنی نیست بلکه یقیناً بدون آن ادامه حیات بشر محنت زده، میسر نخواهد بود. در طول تاریخ از همه عوامل اجتماعی استفاده شده است تا برای تفرقه و جلوگیری از وحدت بشریت گام برداشته شود. دین بهانه و علت نفاق و شقاق شناخته شده است. موارد جنگهایی که مذهب بهانه ای برای آنها شده است بسیارند. گذشته از تناقضات، اختلاف عقائد و علایق ناسیونالیستی و جاه طلبی سردمداران حکومت، سدی از جدائی و نفاق در برابر بشریت این عصر قرار داده است.

دورنمای آینده جهان هر چند تیره و تار میباشد ولی بشریت لاجرم با تمسک به وحدت، این سفینهٔ طوفانزده را به ساحل نجات رهنمون خواهد شد. بیت العبدل اعظم در پیام رضوان ۹۲ میفرمایند:

"صلای وحدت و یگانگی و نظم جدید جهانی از جهات بسیاری بگوش میرسد."
منبع مطالعه: برای مطالعه این درس بجز این جزوه منبع مطالعه خاصی تدوین

نشده. است که بتواند مورد مطالعه قرار گیرد لذا با مراجعه به آثار و الواح جزوه حاضر و جزوات و نوشته‌های دیگر اساتید، دانشجویان میتوانند بر اطلاعات خود بیافزایند.

خودآزمایی درس چهارم

۱- دیانت‌بهایی برای سازماندهی بشریت در جهت دو هدف خاص قدم برمیدارد. آن دو - هدف کدامند؟

الف - درک و قبول برادری - صلح عمومی

ب - اصلاح شخصیت فردی - صلح عمومی

ج - ایجاد نظم جهانی - تماس با حقائق روحانی

د - تحقیق در علوم انسانی - حل مشکلات اقتصادی

۲- چرا در ادیان سلف بحث اقتصاد به وسعت کنونی نبوده؟

الف - زیرا ادیان گذشته مباحث اقتصادی را نادیده گرفته‌اند.

ب - زیرا بیشتر به مباحث اخلاقی پرداخته‌اند.

ج - انواع پول به وسعت امروزی نبوده است.

د - وسعت جوامع و پیچیدگی مسائل اقتصادی به ابعاد امروزی نبوده است.

۳- به چه دلیل وجود یک وجدان جهانی برای هر فرد انسانی لازم است؟

الف - زیرا این وجدان فرد را در برابر منافع مادی افراد بشر مسئول میسازد و انصاف را گسترش میدهد.

ب - زیرا این وجدان فرد را در برابر مسائل جهانی مسئول میسازد و مسئولیت باعث میشود که فرد خود را عضو جامعه جهانی بداند و از مسائل آن متأثر شود.

ج - زیرا این وجدان بشریت را بر سر دو راهی سرنوشت قرار میدهد.

د - زیرا این وجدان منجر به ایجاد محکمه کبرای بین المللی شده و بشارت بدخلون فی دین الله افواجا را به منصف ظهور میرساند. و سبب آسایش و نیکبختی مردم جهان میشود.

۴- آیا تعدیل معیشت و حل مسائل اقتصادی هدف غایی و نهایی دیانت‌بهایی است؟

الف - بله زیرا تا مسائل اقتصادی حل نشود بشر به عدالت دست پیدا نخواهد کرد و به عبارت دیگر انسان یک واحد اقتصادی است.

ب - بله زیرا اقتصاد یکی از ارکان مهم نظام آینده جهان است که مبتنی بر تعالیم مبارکه حضرت بهاء الله تاسیس خواهد شد.

ج - خیر زیرا حل مسائل اقتصادی و تعدیل معیشت جزء کوچکی از مجموعه میباید روحانی دیانت بهایی است در حالیکه امروزه یکی از مشکلات بزرگ عالم بشری است .

د - خیر زیرا نظرگاه دیانت بهایی اصلاح اخلاق و روابط بشر بر اساس تکامل شخصی انسانهاست و اصولاً سیاست و اقتصاد را نفی مینماید .

۵- چرا مساوات در دیانت بهایی قابل قبول نیست؟

الف - زیرا مساوات امکان پذیر نیست به دلیل آنکه سلیقه و استعداد افراد بشری متفاوت است .

ب - زیرا مساوات را سیاسیون بیان کرده اند و از نظر دیانت بهایی مداخله در سیاست حرام است .

ج - مساوات باعث ناکامی عمومی شده و باعث اختلال در امور میشود .

د - موارد الف و ج صحیح است .

۶- سرمایه داران تحدید ثروت و قدرت را چگونه خواهند پذیرفت؟

الف - به وسیله قدرت کارگران یعنی اعتصاب و کم کاری و غیره ...

ب - به زور قانون

ج - با میل و رغبت

د - موارد ب و ج صحیح است .

۷- دیانت بهایی در برخورد با مسائل اقتصادی مقام انسان را چگونه بیان میفرماید؟

الف - بشریت باید در معاملات و مسائل اقتصادی امور را با انسانیت حل و فصل نماید .

ب - بیان میدارد که انسان موجودی است متعالی و مثال الهی است و محل جلوه و صفات حق است .

ج - بیان میدارد که انسان موجودی جامع الجهات و متنوع الحاجات است .

د - انسان مبره های ماشین اقتصادی نیست . بلکه روحانی و متعالی و متفکر است .

۸- چرا قوانین اقتصادی دیانت بهایی به صورت کامل و تمام عیار در عصر ذهبی به

منصه ظهور میرسد؟

الف - زیرا جوامع بشری در آن زمان به تکامل رسیده اند و قوانین بهایی برای ایشان قابل هضم است .

ب - زیرا بسیاری از قوانین اقتصادی که حل نشده است بتدریج تا آن زمان حل و قابل اجراء میگردد و در دستور قوانین اقتصادی قرار میگیرد .

ج - زیرا تحولات بین المللی به لحاظ اقتصادی و اجتماعی تا آن زمان تکامل
 مییابد و جوامع و حکومت‌آماده پذیرش این قوانین میشوند.
 د - موارد الف، ب، ج صحیح است.

۹- دیانت‌بهایی اصل و اساس روابط اجتماعی و اقتصادی را چگونه بیان مینماید؟

الف - این مبنا را تعاون و تعاضد دانسته.
 ب - روحانیت را اساس دانسته و استفاده از قانون تنازع بقا را مجاز میدانند.
 ج - دیانت‌بهایی با اصول اخلاقی خویش بر مشکلات فائق می‌آید.
 د - روابط اجتماعی و اقتصادی باید با تاثیر پذیرفتن از آثار الهی و قوانین طبیعی حل و فصل گردد.

۱۰- انگیزه تولید در امر مبارک چیست؟

الف - کسب سود برای افراد جامعه با این نیت که با اهداف جامعه کمک کند که
 خود نوعی خدمت محسوب میگردد.

ب - تامین و برآورد احتیاج و مصرف جامعه.
 ج - انگیزه تولید بیشتر برای بدست آوردن میزان بالای تولید ملی و ثروتمند
 و مرفه شدن جامعه تا بدینوسیله بتواند در رقابت جهانی موفق شود و باقی
 بماند.

د - خدمت به دیگران از طریق همکاری.

۱۱- در اقتصاد امر تکنولوژی چه نقشی را ایفا میکند؟

الف - نقش تقریباً "موتوری" دارد.
 ب - بسیاری از پدیده‌های موجود غیر ضروری است و باید تکنولوژی محدود گردد.
 ج - بسیار موتور است زیرا از کارهای غیر ضروری انسان را فارغ میکند و وسیله
 درک ارزش‌های روحانی میشود.

د - چون کار نفس‌عبادت است و تکنولوژی بتدریج باعث بیکاری میشود و در گذشته
 باعث جنگ‌های زیادی شده تکنولوژی را در بسیاری از موارد باید کنار
 گذاشت.

۱۲- با توجه به نظرگاه اقتصادی امر، در مورد زندگی فردی انسان و ایضا "توجه

به معنای حقیقی فقر و غنا و همچنین انقطاع از ماسوی الله و اجتناب، از تمایل
 و تعلق، با اموال دنیوی در توجه معنای زندگی انسان، متعالی ترین نوع زندگی
 به کدامیک از چهار جواب زیر نزدیک تر است؟

الف - در گوشه‌ای به ذکر الهی مشغول باشند و تا پایان عمر با دعا و تفکر
 روزگار گذرانیده تکامل عشق و عرفان را در خود نظاره کنند.

ب- اصل توجه به ثروت را پذیرفته و در حالیکه از جمع آوری ثروت و مال

روگردان نیست از تفکر و عبادت نیز دور نباشد و هر دو راه را در کنار یکدیگر در حد کمال طی کند.

ج- با معرفت حق به کار و زندگی پرداخته و اسیر حوائج نفسانی و سودخویشتن

نیاشد بلکه جانب وجدان و انصاف را در همه امور نگهدارد و متعادل زندگی کند.

د- انسان موجودیست متفکر و خلاق و بر استعداد پس میتواند در همه امور به اوج کمال برسد و زندگی پر از شور عشق و عبادت و کار و ثروت و لذت را تا پایان عمر ادامه دهد.

پاسخ صحیح خودآزمائیها

درس سؤال	اول	دوم	سوم	چهارم
۱	الف	ج	الف	ب
۲	ب	د	د	د
۳	ج	د	د	ب
۴	ب	ب	ج	ج
۵	ج	الف	ب	د
۶	د	د	ب	ج
۷	الف	الف	د	د
۸	الف	د	د	د
۹	د	ب	د	الف
۱۰	ج	د	ب	د
۱۱	د	د	د	ج
۱۲	د	ب	ب	ج

یاد داشت هائی را که هم اکنون در اختیار شما دانش جویان عزیز قرار میدهیم بیشتر بجهت آن عزیزانی تدوین گردیده است که درس کلیات اقتصاد را مطالعه فرموده‌اند و یا در حال مطالعه آن هستند. مادر این یادداشت ها سعی کرده‌ایم تا تصویر حتی المقدور روشنی از نظرات دیانت بهائی در خصوص مسائل و مشاغل اقتصاد و دیدگاه‌های امر مبارك در خصوص نظام اقتصادی آینده بشریت فرا روی دانشجویان عزیز بگشاییم. برای تهیه و تدوین این یادداشت ها از مساعدت و راهنمایی برخی اساتید و نیز یادداشتها نوشته‌ها و مقالات دیگر اساتید عزیزی که در دسترس نمی‌باشند بهره فراوانی برده‌ایم. حال با دانشجویان عزیز است تا همتی کنند و در تهیه و تدوین هر چه جامع تر این‌گونه تحقیقات سعی جدی مبذول دارند. این بخش از کلیات اقتصاد با هدف ویژه‌ای تدوین گردیده است و آن کمک به دانشجویان عزیز بهائی است تا از این طریق بتوانند به تحقیق جدیدی در زمینه دیدگاه‌های امر مبارك در زمینه مسائل اقتصادی بپردازند.

-۱-

هدف و رسالت امر بهائی مانند هر دیانتی حیات فردی و اجتماعی انسانهاست. تعالیمش برای فرد مربوط به آنست که شخصیت اخلاقی نفوس را کمال بخشد و شوق حرکت برای وصول به کمالات روحانی را در انسان به‌روراند و نفوس را به مرحله‌ای رساند تا با حقایق و قوای روحانی تماس نزدیکتری یابند. از جنبه اجتماعی رسالت امر بهائی شامل طرحی کامل است که میخواهد در نوعی حکومت بهائی بر اساس تعالیمی جدید و عمومی و درک و قبول برادری همه انسانها بشریت را سازمان دهد و صلح عمومی را پایدار گرداند. استقرار چنین جامعه بزرگی هدف غائی و نهائی بهائیان در سراسر عالم است میکوشند تا کسب روحانیات نمایند. نه از این جهت که سعادت ابدی یابند بلکه به این دلیل که بتوانند قدرت و قابلیت این خلاقیت عظیم را پیدا کنند که بشر امروزی سخت بدان نیازمند است و نظمی برقرار سازند که بتواند جایگزین‌انظمه کنونی بشر گردد.

در ازمنه پیشین سوسیالیسم را مدینه فاضله تصور میکردند زیرا تصور میشد بدون تغییرات قابل ملاحظه در انگیزه روحی افرادی که نظام را بوجود آورده‌اند وضع اقتصادی مطلوب حاصل شود. سرمایه‌داری با ارضاء حس خود خواهی مردم تا آخرین درجه در صدد استقرار یک نظام بود اما ... ناموفق بود.

"... دیگر وقت آن فرا رسیده تا بحساب مروجین مرام های مادی چه در شرق و چه در غرب چه منسوب به کاپتالیسم و چه کمونیسم که مدعی رهبری اخلاقی جهانیان بوده‌اند رسیدگی کرد ... " (پیام صلح)

امر بهائی برای این مسائیل راه حلی بسیار قوی ارائه نموده است زیرا عمق مسئله را میشکافد و چون انسان را یک موجود کلی تلقی میکند نه یک واحد بی تفاوت تولید و مصرف راه حلش موثر است.

بهر حال ما در اینجا کلامی را آغاز نکرده‌ایم که خون آنرا خاتمه دهیم. ما هم کلام دیگر محققان امر بهائی را به بینی دیگر تدوین کردیم که امیدواریم عزیزان ما که دانش پژوهان حالییه و محققان آتی امر هستند با دانشی وسیع تر و عمق و درک بیشتر به بررسی و تحقیق بپردازند و اندیشه‌های اقتصادی امر مبارك را بازتر و وسیع تر به بحث بکشانند.

امروزه هر کتاب اقتصاد را باز کنید یقیناً " تعاریفی را از اقتصاد مطرح ساخته است . لذا مادر پی این هدف نیستیم و علاقه‌مندان را روانه مطالعه کتب مذکور می‌نمائیم . و باز هر کتاب اقتصادی و اصولاً " هر کتاب دیگری هم در معرفی رشته مورد مطالعه خود روابط نزدیک آن علم را با سایر علوم ببررسی میکشاند که ماهم در صدنیستیم پا جای پای آنها بگذاریم و هر آنچه را آنها گفته‌اند ماهم تکرار کنیم . سعی خواهیم کرد تا رابطه علم اقتصاد را با رشته‌هایی بیان کنیم که دیگران کمتر مطرح کرده‌اند . اول رابطه علم اقتصاد را با اخلاقیات مطرح می‌کنیم و سپس با ادیان .

الف - اقتصاد و اخلاق

امروزه چنین شایع است که علم اقتصاد و اخلاق اصولاً " با یکدیگر مفایرت دارند و تصور میشود اخلاق با ارزش‌های معنوی و عواطف سروکار دارد در حالی که علم اقتصاد ذاتاً " ارزش‌های اخلاقی انسانی و معنوی را کنار گذاشته و با برجسب قیمت برهر چیز ارزش مادی گذارده‌است . هر انسانی را يك واحد تولید کننده یا مصرف کننده تلقی کرده است . تجارت جدید هم ادعای دوری جستن از جنبه‌های انسانی - اقتصادی را چیزی غیر عادی و غیر اصولی نمی‌داند . و میگوید که ما همگی خواستار وفور تولید هستیم و آنچه که به افزایش تولید کمک نکند مضر و بی فایده بحال اقتصاد تلقی میشود . آنان فکر می‌کنند که مردم عموماً " بدون تردید ارزش‌های مادی را برهر ارزش دیگر معنوی ترجیح میدهند . بهر حال اکنون واضح است که عده زیادی از مردم بویژه نسل جوان مایلند راه مخالف را انتخاب کنند . آنها میگویند اگر نتیجه اجتناب ناپذیر سیستم اقتصادی کنونی فقدان خصائص انسانی است در آن صورت بهتر است از اقتصاد چشم‌پوشیم . از همه اینها گذشته بنظر نمی‌رسد طبیعت بشر چنین یکطرفه باشد .

هرکس میتواند درجه اعتبار این تضاد ارزش‌های اخلاقی و اقتصادی را مورد سوال قرار دهد . شاید پول چندان فساد بهار نمی‌آورد که مردم فاسد ثروت را در راه‌های فساد جهت مقاصد تولید بکار می‌برند . بطور خلاصه شاید سیستم اقتصادی ما بازتابی از زندگی درونی اجتماع ماست که بکمال امکانات عظیم تکنولوژی با ابعاد بزرگتر جلوه‌گر و نمایان شده است .

این فرضیه بخودی خود چنان مسلم نیست که بلافاصله مورد موافقت قرار گیرد ولی شایسته تفکر و توجه جدی میباشد . ناکهان مسائلی بمنز انسان خنجر می‌کند که امکان موجه بودن این فرضیه را تقویت مینماید . مثلاً " در سالهای اخیر جوامع اقتصادی عموماً " باین نکته پی بردند که ارزش‌های معنوی و غیر ملموس بطور وضوح میتوانند بر تولید اثر بگذارند .

درک این امر باعث شد بجای اینکه نگران يك يك شاغلین بعنوان فرد باشند، با آنها روابطی انسانی و تماسی مدبرانه بوجود آورند و برداشت درستی در این باره پیدا کنند . برای ایجاد علائق زودگذر و مصمیمت کاذب علوم اجتماعی بکار گرفته شد تا همه کس اطمینانی را که قطعاً " مورد علاقه‌اش است باز یابد .

بدین طریق حتی وقتی که استفاده از ارزشهای غیر مادی در سیستمهای اقتصادی عملاً " معمول و - متداول شد مردم جانشینهای غیر شخصی را برگزیدند، هر چند لزوماً " سودمندترین نبودند این امر حکایت از احوال درونی ما دارد. سیمای واقعی و شخصیت اخلاقی ماست که بکلی از سیستم تولید مستقل و مجزاست. اگر اقتصادیات را بازتابی مجسم از اخلاقیات فرض کنیم مفهوم تحرک سیستم اقتصادی را در می یابیم. زیرا یکی از نتایج منطقی این فرض آنستکه سیستم اقتصادی را بدون تغییر اصول و مبانی اخلاقی نمیتوان بطور قابل ملاحظه ای تغییر داد. بدینجهت تحقیق صحت این تحلیل بسیار مهم است. اجازه دهید موضوع را با یک تجربه خیالی شروع کنیم: یک آغاز خیالی برای تاریخ فرض کنید که در آن تنها افراد هستند و هیچ سازمان اجتماعی بوجود نیامده است (چنین سرآغازی یقیناً " هرگز وجود نداشته، لیکن در ادوار پیش که آگاهی انسان کمی از حیوان بیشتر بوده شاید وضعی شبیه باین بوده است) در این دوره خیالی انسان از قیود اجتماعی بکلی آزاد بوده زیرا اجتماعی درکار نبوده که قیودی را تحمیل کند. فرد هر چیزی را که مصرف میکند خودش باید تولید کند و ضمناً " مصرف کننده منحصر بفرد چیزهایی باشد که تولید کرده است، یعنی تمام گردش اقتصادی بفرد خاتمه می یابد.

بطور کلی هر فرد در جامعه تابع دو نوع از قیود است. نخست قیود فردی که برای ارضاء امیصال و نیازهای درونی خود دارد. اینها بعضی محسوسند مانند نیاز به غذا، مسکن و غیره و برخی دیگر غیر محسوس مانند محبت و وفا. دوم قیود اجتماعی است که از طرف جامعه بر شخص تحمیل میشود و ایجاب می نماید که نقش معینی را در زندگی جامعه ایفا کند. از نقطه نظر فردی هر شکلی از سازمانهای اجتماعی که انسان بوجود آورده حاصل توافق بین این دو نیروست. نیاز فردی به تحقق خواستههای شخصی از یکسو و نیاز جامعه با استقرار نظم و ترتیب از سوی دیگر. بنابراین میزان آزادی فردی در جامعه از دو جزء اصلی تشکیل یافته: درجه آزادی که در برابر نیازهای درونی و شخصی دارد و درجه آزادی که در مقابل قیود و تعهدات اجتماعی و بیرون از خود دارد.

دروغ خیالی تصور میکنیم فرد مطلقاً " از قیود اجتماعی آزاد است زیرا جامعه ای وجود ندارد. ولی در عین حال گرفتار نیازهای شخصی و درونی که در واقع اساسی ترین و طبیعی ترین نیازها هستند میباشد. در حالیکه از لحاظ اجتماعی آزادیش حدی ندارد از نظر فردی هیچ آزادی ندارد. چنانچه بیماری، ضعف یا هر آفت دیگر برای مدت مدیدی مانع فعالیت او شوند چیزی نمی تواند که میمیرد. برای فرد تنها، نه فقط گردش اقتصادی تولید و مصرف وجود ندارد بلکه خود دوره زندگی هم بسته و محدود است.

حال با داشتن تصویری از وضع اقتصادی یک فرد بدون جامعه ببینیم جامعه دقیقاً " از چه راهی وضع کار را تغییر میدهد. وضع خیالی با دو اصل اساسی مشخص میشود. فرد باید هر چیزی را که مصرف میکند خود تولید کند و ضمناً " مصرف کننده منحصر بفرد چیزهایی باشد که خود تولید کرده است. تنها راه دخل و تصرف جامعه در این شکل آنستکه دیگران چیزی را تولید کنند که فرد مصرف میکند و یا مصرف کننده چیزی باشند که فرد تولید مینماید. از آنجائیکه این حالت بین دو یا چند نفر متقابل است هر دو صورت بیک نتیجه میرسد و آن " تقسیم کار " است.

بنابراین تقسیم کار لا اقل از نقطه نظر اقتصادی اولین قدم منطقی بسوی جامعه است و بسیاری از روابط انسانی را در بر میگیرد. برای مثال، فردی که میخواهد تولیدبهرخی از اقلام مورد نیاز خود را قطع کند بایست مطمئن گردد که دیگران تولید آنرا ادامه خواهند داد. «متقابلاً» دیگران باید اعتماد داشته باشند که فرد مزبور در صدد تولید چیزهای مورد نیاز ایشان برخواهد آمد یعنی باید يك اعتماد متقابل موجود باشد. این اعتماد - متقابل مبنای اصلی تقسیم کار و بنابراین اساس جامعه است. این خود از ارزشهای معنوی است که ارزش مادی بوجود آورده است.

این اعتماد متقابل دو جانبه است. اول اعتماد به فرد که وظایف خود را ایفا نموده و بخشی از آنچه را که دیگران تولید نمی نمایند ولی بدان نیاز دارند تولید کند. دوم اعتماد به سازمانهای جامعه است که سایر افراد را به ایفای نقش خود فرد میخواند و به هر فرد اطمینان میدهد که چیزهای مورد نیازش را که خود تولید نمیکند دریافت خواهد داشت. بنابراین کلیه اصول اخلاقی در بدو امر بطور ضمنی نمایان میگردد: انضباط فردی، اطاعت، اعتماد، اخلاق فردی، مسئولیت اجتماعی و غیره.

این در عین حال آغاز يك کشاکش اساسی است زیرا اکنون فرد برای همیشه تابع دو نیروی متمایز شده است اول نیروی درونی نیازها و امیال شخصی و دیگر نیروی بیرونی جامعه که او را بایفای نقش معینی در جامعه وامیدارد.

بهر حال فرد از تولید بسیاری چیزهای مورد نیاز خود رهائی یافته چون اکنون دیگران آنرا تولید میکنند در حالیکه آزادی بیرونی وی کمتر شده آزادی درونی بیشتری یافته است. تشکیل جامعه در قبال محدود کردن - آزادی بیرونی به فرد آزادی درونی بیشتری میدهد تا بخود آید و بتحقیق خواستههای شخصی نایل شود.

در اصل اگر قرار بود هرکس همه نیازهای فردی خود را شخصا "تامین کند و همکاری اجتماعی نبود هیچکس از مرز رفع حوائج بدنی فراتر نمیرفت چون تنازع بقا تمام وقت و نیروی او را میگرفت. هیچ تحول فکری و روحی یا تعالی معنوی وجود نداشت چون ضرورتهای جسمانی فرد را مجبور میساخت در سطح حیوانی زیست کند. و همچنین هیچ پیشرفتی از نسلی به نسل بعد در کار نبود زیرا هر نسل جدید دوباره از همان سطح اول شروع بفعالیت مینمود.

این فقط نشان میدهد که چگونه خصوصی ترین احساسات و اندیشه های ما اجتماعی میباشند. آنچه انسان را به درجات بالاتر از سطح زندگی جانوران ارتقاء داده تنها ایجاد ضوابط و سازمانهای اجتماعی است که بنوبه خود با اتکاء به وجود ضوابط و وظایف اخلاقی ممکن گردیده است. از اینرو میتوان گفت که شکل خاص سازمان اجتماعی در يك جامعه معین و در زمان معلوم نشان دهنده اصول اخلاقی است که بر آن جامعه حکم میکند. اقتصاد متکی بر اخلاق است.

همچنین می بینیم که مسیر اصلی تکامل اجتماعی آنستکه در عین بوجود آمدن سازمانهای آراسته تر و متوازن تر بتدریج آزادیهای درونی افراد را افزایش دهد. مشکل بتوان گفت که هدف جامعه تنها ارضاء نیازهای

جسمانی افراد است زیرا این نیازها کم و بیش در ابتدائی‌ترین ادوار هم برآورده میشوند.

بدیهی است جامعه تنها به جمع افرادی که آنرا تشکیل میدهند اطلاق نمیشود بلکه مجموع افراد است باضافه کیفیت روابط موجود بین آنها. بدین‌طریق باصل خودبرمیگردیم، آن وضع خیالی حتی ممکن است در زندگی اجتماعی بزرگ هم اگر ارتباطمقابل، اعتماد و نظایر آن وجود نداشته باشد بچشم بخورد چه وجود این روابط هم مجدداً "بمبادی اخلاقی مربوط است". پس بطور خلاصه میتوان گفت: زندگیهای جمعی مخالف یا فاقد اخلاق هر قدر بزرگ باشند سطح زندگی حیوانی تنزل میکنند که در آن هرکس تنها برای خود زندگی میکند و آزادیهای درونی به صفر میرسد.

ب - اقتصاد و ادیان

ادیان بطور کلی در کنار تعالیم روحانی و اخلاقی خودپاره‌ای استواریات و مقررات برای مادی بشر تدوین کرده‌اند. برخی امور را تشویق کرده‌اند و برخی مسائل را با عنوان محرمات از جوامع محروم ساخته‌اند. برخی مطلقاً "گوشت نمی‌خورند و گیاه خواری را تشویق کرده‌اند و برخی دیگر گوشت را از بدن هرچنان‌داری جدا شود می‌خورند. عده‌ای هم میانه رو خوردن برخی انواع گوشت را حرام میدانند. ادیانی هم هستند که بیشتر احکامشان بر تنظیم روابط بشری و فعالیت‌های آنان در کره خاک اختصاص دارد.

اما بی‌گمان مسائل اقتصادی در هیچ یک از ادوار سالفه به پیچیدگی امروزی نبوده‌است لذا در هیچ یک از ادیان گذشته مسائل اقتصادی لزوماً "به صراحت و قوت عنوان نگردیده است. طبیعی است این مطلب نباید موثر حیرت شود زیرا با عظمت مسائل اقتصادی در این زمان و در چنین شرایطی که بحرانهای اقتصادی به اشکال مختلف جلوه‌گر میشود، دین که داروی همه دردهای بشری است نمی‌تواند از مباحث اقتصادی خود را کنار بگذارد.



در عصر حضرت زردشت همه توجه‌ها به کشاورزی آب و خاک معطوف بود. توجه حضرت زردشت به آبادانی مملکت و ازدیاد ثروت و مکنث و تهیه وسایل آسایش و لذت معطوف گردیده بود زیرا خوشی و سعادت و فعالیت موجب غلبه‌هورامزدا بر اهریمن میشود (معرفی کتب آسمانی - حسام الدین نقبائی ص ۲۸۶).

زردشتیان گل آلوده کردن آب و اصراف در مصرف آنرا گناه میدانند و درختکاری از سنت‌های پسندیده‌است. معتقد بودند که هر قدر در مدت عمر خود لااقل چند درخت بکارند و پرورش دهد. حضرت زردشت گوشه‌نشینی و عزلت و ریاضت کشیدن را وسیله تقرب به حق نمیدانند. در اوستا سستی و تنبلی مورد نکوهش قرار گرفته و برعکس کار و کوشش عامل وصول به مدارج روحانی و حیات جاودانی شناخته شده است. بطور کلی حضرت زردشت هر نوع اصرافی را نهی کرده‌است. میفرمایند گوشت خوردن رواست آنکه حیوان زیاد بکشد هر موی بدنش در جهان بعد از مرگ بر او تیغی گردد. آئین قربانی و کشتار حیوانی اکیدا "منوع است (معرفی کتب آسمانی حسام نقبائی ص ۶۷) در اوستا مینویسند باید زمین را کشت و کار نمود و غله و خرمن اندوخت

زیرا از نخوردن توانائی و پارسائی پیدا نشود. همچنین میفرمایند: خوشترین جا نقطه‌ای است که مرد مقدس گاو، گوسفند، علف، سگ، اسباب زندگی، غله، درخت میوه‌دار، زمین پر آب، مواشی زیاد و چراگاه فراوان داشته باشد (وندیداد فرگرد ۳) بدیهی است که تمام فعالیت‌ها و کارها نباید از قواعد اخلاقی تجاوز نماید. پاکتی و درستی در جمیع امور تاکید میشود. توجه داریم که قواعد و قوانین این آئین چون مربوط به ایران بوده است اغلب با آداب و اخلاق ایرانیان تطابق داشت و در تمام دوران‌های سلطنتی از هخامنشی تا ساسانیان آثار این تعالیم را در کشور می‌بینیم.



در تورات نیز نباید ملاحظاتی مفرزات و قوانینی در جهت مواجهه با فقر و بدبختی اقتصادی ملت بهبود وضع گردیده است. "اگر زخت همسایه خود را بگرو گرفتی آنرا قبل از غروب آفتاب بدورد کن (بازگردان) زیرا که آن فقط پوشش او و لباس برای بدن اوست. پس درجه چیز بخوابد (سفر خروج باب ۲۲ آیه ۳۶) و گاهی پوشش آنان از پوست درختان بود (پیدایش باب ۳ آیه ۲۱) از فرط گرسنگی در بیابان بحضرت موسی پرخاش نموده میگفتند که ای کاش در مصر هلاک میشدیم زیرا از بی غذایی در آنجانی مریم (خروج باب ۱۶ اعداد باب ۱۱ - معرفی کتب آسمانی - حسام الدین نقبائی ص ۶۷) فقر، اسارت، ذلت، دربدری و بالاخره بیابانگردی تار و پود افکار و رسوم این قوم را بوجود آورد. دین و خدا را برای رهائی از این بدبختی میخواستند. بهمین دلیل در تورات اغلبا تبیهات و تشویق‌ها بر محور مادیات قرار میگیرد. اطاعت سبب وسعت رزق و روزی و از دیاد محصولات زراعتی و عزت و سعادت دنیوی و غلبه بر دشمن دانسته شده و تمرد و تخلف از آنرا موجب قحطی و فقر و ذلت و اسارت بدست دشمنان میدانند. در واقع مجازات و مکافات را مخصوص این جهان میدانند. رباخواری را بر امت خوش نهی کرده است ولی همین امت می‌تواند از بیگانه و غیره ربا اخذ کند.



در دوره حضرت مسیح قوانین و مقررات خاص اقتصادی و مادی بچشم نمی‌خورد. "حضرت مسیح میفرمایند که برای ادامه تورات آمده اند و در پاره‌ای قوانین و جزئیات تغییراتی اعمال می‌کنند. در خصوص حرمت کار در روز سبت فرمودند کار خوب کردن اشکالی ندارد (متی باب ۱۲) یا در سبت‌ها نیکوئی کردن رواست زیرا سبت بجهت انسان مقرر شده است نه انسان برای سبت. در هر حال دیانت حضرت مسیح بر پایه رهبانیت بنا شده و فاقد قوانین مدنی و اجتماعی است. بلکه مسائل اخلاقی و روحانی در سراسر انجیل بچشم می‌خورد. "کسی که مایملک خود را ترک نکند نمی‌تواند شاگرد من باشد (لوقا باب ۴) علیرغم همه اینها پولس خواری در رساله خودنوشت ".... نان هیچکس را مفت نخوردم بلکه پرمحنت و مشقت شبانه روز به کار مشغول می‌بودم تا برای احدی از شما بار نهم. نه آنکه اختیار ندارم بلکه تا خود را نمونه برای شما سازم. تا به من اقتدا کنید. زیرا هنگامیکه نزد شما می‌بودم این را بشما امر فرمودم که اگر کسی خواهد کار نکند خوراک هم نخورد (انجیل - رساله دوم پولس به تسالونیکیان باب سوم). یعقوب رسول به توانگران و زورمندان که تهیدستان را استثمار میکنند حمله میکند که تصویری روشن از مفاسد اقتصادی آن زمان است. "..... ای

توانگران اینک بروید و به تیره بختی که بشما روی خواهد آورد بگریید و ناله سردهید، ثروتتان از بین خواهد رفت البسه شما را بید خواهد زد. طلا و نقره‌تان خاکستر خواهد شد و ۰۰۰ مزد رنجبرانی را ملاحظه کنید که در کشتزارهای شما به گرد آوری محصولات مشغول بوده‌اند و با نیرنگ و فریب شما از زندگی عقب افتاده‌اند ناله می‌کنند و ناله زحمتکشان بکوش رب الجنود خواهد رسید ۰۰۰ (آرامش برای جهان پر آشوب ص ۳۰)



نفوذ اسلام بسیار سریع بود بطوری که در مدت زمان کوتاهی تقریباً " تا غربی‌ترین نقطه اروپا (اسپانیا) و از طرف دیگر تمام شمال و بخشی از شرق افریقا را بخود گرفت و آسیا را ثانیمه در نوردید. این گسترش اسلام را روندی در روی فرهنگ‌های مختلف از ایرانی و ترک و عرب گرفته تا اروپائی و افریقائی قرار داد. در نتیجه اقتصاد نیز در هر منطقه بشکلی پا گرفت. تعالیم حضرت رسول همه جا مالکین شخصی را از تحصیل املاک وسیع باز داشت و یک طبقه مرفه از خرد مالکین بوجود آورد و توسعه داد. برای نخستین بار اعراب اسلویسی علمی در کشاورزی بوجود آوردند و تجارت و صنعت همراه با فتح اسپانیا شکل گسترده‌تر و سودآورتری بدست آورد. احکام اسلام در مواردی با وضع محدودیت‌های مسلمانان را از پاره‌ای خوردنی‌ها ممنوع می‌کند. از آنجمله خوردن گوشت خوک را حرام میدانند در حالی که بین مسیحیان خوردن گوشت خوک منع نشده است یا برخی ماهیان و آبزیان را حرام گوشت میدانند که در جای دیگری از این عالم غذاهای خوش خوراک و معمول شناخته می‌شود. ربا در شرع اسلام بهر شکل حرام شناخته شده و به عاملین آن وعده عذاب‌های الهی داده شده است و قناعت تشویق گردیده است. " یا ایها الذین آمنوا لاتاکلوا الربوا اضاعافا " مضعفه و اتقواالله تعلکم تفلحون. " (آل عمران آیه ۳۰) " ۰۰۰ اجل الله البیع و حرم الربوا ۰۰۰ " (بقره آیه ۲۷۴) بدین ترتیب تجارت را حلال و ربا را حرام نموده‌اند. قوانین و مقررات اقتصادی به سبب شرایط نسبتاً " گسترده‌تر اجتماعی در دوره حضرت رسول از تنوع بیشتری نسبت به ادیان سالفه برخوردار می‌باشد. چنانچه در زمینه کشاورزی عدالت و مساوات در جامعه و مقررات مربوط به خمس و نکوته نیز تعالیمی ارائه شده است که علاقه‌مندان را به مطالعه کتب مربوطه و امیگذاریم.

امروزه هیچ دیانتی نمی‌تواند پیشرفت کند و جماعات مردم رابه اطاعت وادارد مگر آنکه نسبت بهمشاکل اقتصادی که زائیده عصر صنعتی است توجهی لازم مبذول دارد. در ظل دین باید موسساتی عالی بر اساس عدالت واتحاد بنیان یابد تا حرص و استثمار در حیات اقتصادی کاهش یابد. در واقع دراین عصر علم و اختراع وصنعت، حرص و طمع تنها چیزی است که جهانیان را از دست یافتن به رفاه اقتصادی باز میدارد. تنها در ظل يك نظام اقتصادی مطلوب علم و اختراعات وصنعت میتوانند وسیله‌ای برای ایمنی، سعادت و رفاه عموم باشند. آن نظام اقتصادی در عین حال که برای هر فردی فراغت بیشتری همراه خواهد داشت سطح فرهنگ را نیز بالا خواهد برد.

عوامل متعدد موجود حکایت از این دارد که مسائل و مشکلات عصر ما باهر آنچه در گذشته وجود داشته متفاوت بوده است و گسترش آنها جوامع وسیع تری را شامل میشده است اگر در گذشته بحرانها بدلیل ناخواسته پدیدار گردیده‌اند امروزه گاه بدست بشر ودر جهت رفع مشکلات آنها بحرانها بروز نموده‌اند. بعبارتی دیگر اگر در گذشته بحرانها ریشه منفی داشته‌اند امروزه در اکثر موارد ریشه بحرانها مثبت است. در گذشته حوادثی چون سیل و زلزله و طاعون ویا جنگهای قومی وملی همه سرآغاز بحرانهای بوده‌اند که ریشه‌های منفی داشته‌اند در حالیکه اغلب بحرانهای امروزی نتیجه اقداماتی است که در آغاز، ثمره هدفهای مطلوب جامعه بوده است اما ناخواسته منجر به برهم خوردن نظام طبیعت واجتماع گردیده است. ریشه‌کن کردن بیماری‌ها از طریق گسترش محیط‌های بهداشتی ودرمانهای پزشکی وپیگیری‌ها سبب افزایش طول عمر انسانها میشود که مالا "به افزایش جمعیت منجر میگردد. ویا گسترش صنایع، زیست طبیعی انسانی را برهم میزند. ریشه گیاهان کم شده محیط وحش برهم میخورد و آلودگی هوا...

ما در این قسمت سعی خواهیم کرد تا بصورتی به بررسی بحرانهای پیردازیم که بشر ناخواسته بوجود آورده

وتاحدی ریشه‌های مثبت دارند.



شاید رابرت تامس مالتوس نخستین کسی نبوده باشد که از جمعیت و رشد مخاطره آمیز آن بعنوان -

بحران یاد کرده باشد و لکن نوشته یا رساله‌ای از آنان بجانمانده است تا گویای این نگرانی‌ها باشد. بهر حال

قریبا " دو بیست سال پیش مالتوس سخنانی را ابراز کرد که هر چند با حوادث و وقایع آنروز هم آهنگی کامل

نداشت اما گذشت روزگار نگرانی‌ها را دوباره اجیاء کرد.

موضوع رشد جمعیت زمانی با هدف افزایش نفوس جامعه مطرح بود و زمانی دیگر از آن با نگرانی سخن

رانده میشد. برخی اقتصاد دانان کلاسیک معتقد بودند که افزایش نفوس سبب بالا رفتن تقاضا در جامعه

خواهد شد که اصولا " سبب افزایش سطح تولید در جامعه خواهد شد. البته تجربه موجود نشان میدهد که افزایش

نفوس در اکثر مناطق سبب فقر بیشتر جامعه شده و تولید سرانه ملی را کاهش میدهد.

آنچه امروزه انفجار جمعیت را بصورت مسئله مطرح ساخته است تنها موضوع تامین مواد غذایی برای خیل گرسنگان نمی باشد بلکه ایجاد شرایط آموزش و پرورش تدارک امکانات بهداشتی درمانی و غیره است . جمعیت تا سال ۱۹۶۵ آهنگ رشد پرشتابی نداشت اما از آن پس رشد جمعیت سریع تر شد . خانواده ها کودکان بسیار بدنیا می آوردند اما نیمی از آنان در همان سالهای نخستین حیات میمردند . نه کسی در اندیشه حفظ تعادل اجتماعی و اقتصادی بود و نه از افزایش جمعیت نگرانی وجود داشت . تا پنجاه سال پیش نرخ رشد جمعیت بسیار اندک بود ولی از آن پس همراه با ورود محصولات صنعتی و روش های تولید صنعتی ، دانش و تکنولوژی نوین پزشکی به روستاها راه یافت و در نتیجه مرگ و میر کاهش یافت ، میانگین عمر متوسط بالا رفت و جمعیت روز بروز رشد بیشتری کرد . اگر در سال ۱۶۵۰ جمعیت جهان ۵۰۰ میلیون نفر برآورد شده باشد تا آغاز قرن نوزدهم این جمعیت به یک میلیارد نفر بالغ شده است . سال ۱۹۶۵ جمعیت جهان به ۳۲۵۰ میلیون نفر بالغ شده و پیش بینی میشود با همین آهنگ رشد تا پایان هزاره دوم میلادی جمعیت جهان به حدود ۶ -

الی $\frac{1}{4}$ ۶ میلیارد نفر بالغ شود .

کشورهای در حال رشد		کشورهای پیشرفته	
نام کشور	درصد رشد	نام کشور	درصد رشد
الجزایر	۲/۲	امریکا	۰/۷
مراکش	۲/۱	کانادا	۰/۸
نیجریه	۳/۳	دانمارک	۰/۱
چاد	۲/۱	فنلاند	۰/۴
افغانستان	۲/۵	سوئد	۰
بنگلادش	۳/۱	انگلیس	۰/۱
پاکستان	۲/۸	فرانسه	۰/۵
اندونزی	۱/۷	سوئیس	۰/۲
مکزیک	۲/۶	آلمان غربی	۰/۲

نکته مهم در این موضوع نامتجانس بودن و ناهماهنگ بودن رشد جمعیت در سراسر گیتی است جمعیت کانادا ۸۷ نسل و - فرانسه ۱۴۰ سال طول خواهد کشید تا دو برابر شود در حالی که نیجریه این راه را ظرف ۲۰ تا ۲۲ سال طی خواهد کرد . جدول مقابل نشان دهنده رشد منفی جمعیت در پاره ای از کشورهای اروپائی نیز میباشد . تاکنون وجود مراکز شهری بزرگ از - ویژه گی های کشورهای صنعتی دانسته

ماخذ : تازه های آمار مرکز آمار ایران تیر ۶۳

میشد ولی از این پس خصومیت کشورهای فقیر و واپس مانده نیز خواهد بود . کافی است به این ارقام نظر - بیاندازیم که بیش از ۵۰ درصد از شهرهای بزرگ جهان تا سال ۱۹۵۰ در کشورهای صنعتی بودند . تا ۲۰ سال دیگر کشورهای کمتر توسعه یافته دو سوم از شهرهای بزرگ را در اختیار خواهند داشت جمعیت برخی از این شهرها ابعاد نجومی پیدا خواهد کرد ، مکزیکوسیتی احتمالا " ۳۰ میلیون جمعیت خواهد داشت ساوپولو ۲۶ شانگهای ۲۳ ریودو ژانیرو ۱۹ و بمبئی و کلکته و جاکارتا تا حدود ۱۷ میلیون . این مهل به شهر نشینی و تراکم جمعیت در شهرها ناشی از سیل مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به مراکز شهری بزرگ است که عموما " نسل جوان در جستجوی کار و زندگی بهتر و بدنبال امکانات تحصیلات بیشتر را بسوی خود جذب میکند . بدین ترتیب روستاها تغییر شکل دادند . وقتی مهاجرت به شهرها آغاز شد بیشتر جوانها و افراد آماده به کار روستاها را ترك کردند و افراد پیر و ناتوان باقی ماندند که آنها هم قادر نبودند کاری از پیش

ببرند. جوان گراشی شهری و پیری روستاشی. از طرف دیگر تامین کار برای جمعیتی که روستای خود را به دنبال رفاه شهری (۱) ترک کرده بودند خود مشکلی بود که حتی برای کشورهای ثروتمند هم تحمل آن سخت بود تا چه رسد به کشورهای که در روزیای ثروتمند شدن بسر میبرند.

اتلاف وقت، استعداد و توانائی های انسانی بحران جمعیت را حادثر میسازد. بیکار بودن یعنی خروج از متن جامعه، یعنی نداشتن درآمد کافی، یعنی نداشتن احترام اجتماعی، یعنی فقدان امید، یعنی سستی و رخوت تدریجی و بالاخره یعنی فساد. بهمین جهت حالا روانشناسان و جامعه شناسان کار را منشاء نشیاط انسانها میدانند.

" در دهه ای پر مخاطره زندگی می کنیم دورانی که دولت ها ی دیگر به تنهایی از عهده حل مشکلات خود بر نمی آیند. در مرحله ای از گذاری رنج آمیز و درد بار قرار گرفته ایم که در آن تمدن جهانی تازه ای در حال پیدایش است و ما تنها خطوط اصلی آن را تشخیص میدهم ۰۰۰۰ (هوارد پرلموتر- جهان در آستانه قرن ۲۱ هجری (۱۲) اگر ایالات متحده امریکا با دوران خشکسالی نظیر آنچه در سالهای ۱۹۳۰ روی داد روبرو شود قحطی سراسر جهان حتی ایالات متحده را که به تنهایی $\frac{1}{2}$ غله ۹۰٪ سویای صادراتی جهان را تامین میکند در بر خواهد گرفت و در نتیجه جهان هر ساله بصورتی خطرناک تر درگیر وابستگی به ایالات متحده امریکا خواهد بود. اگر یکسال محصول بازار کار درآید قیما " بحران گریبانگیر میلیونها تن از افراد بمر خواهد بود. (استراتژی برای فردا ۱۸۳) به خلاف تصور در این میانه بحران از موضوع کمبود مواد غذایی یا خشکسالی منطقه ای ناشی نمیشود بلکه مشکل ناشی از عدم گستردگی توانائی های تکنولوژیکی ایالات متحده در میان بقیه کشورهای مستعد جهان است. نویسنده کتاب استراتژی برای فردا معتقد است که افزایش مواد غذایی در جهان تقریبا " قطعی است ولی برای دست یابی به يك افزایش مهم نیاز بر باید به یکی از چهار طریق زیر متشبهت شد.

۱- افزایش سطح اراضی زهر کشت

۲- توسعه تولید مواد غذایی در بیابان

۳- توسعه تولید مواد غذایی مصنوعی

۴- بالا بردن توان باز دهی خاک به کمک تکنولوژی، استفاده از سموم دفع آفات، از بین بردن علفهای

هرزه، بهبود شرایط نگهداری و ذخیره و نیز حمل و نقل مواد کشاورزی و بالاخره مکانیزه کردن کشت

و برداشت محصول.

یادآور میشویم که از $\frac{2}{5}$ میلیارد هکتار اراضی قابل کشت جهان تنها $\frac{1}{5}$ میلیارد آن زهر کشت موثر قرار

دارد که فقط ۱۱٪ سطح کل اراضی زمین را تشکیل میدهد. ۵۹٪ از کل اراضی زمین لم یزرع یا پوشیده از

یخ بوده قابل کشت نمی باشد (تقریبا " ۸ میلیارد هکتار را شامل میگردد).

امروزه با توجه به امکانات تکنوبوژیکی و کودهای شیمیائی توجه بیشتر به بالا بردن بهره دهی زمین

شده است تا گسترش بهره برداری از اراضی جدیدتر و این سبب گردیده است تا گسترش اراضی قابل کشت در

بسیاری از مناطق افریقائی یا آسیائی بعهده فراموشی سپرده شود. طبق گزارش سازمان خواربار جهانی کویر

درپاره‌های از مناطق افریقا تا سالانه ۱۰ کیلومتر در حال پیشرفت است (استراتژی برای فردا ص ۱۹۰) همین گزارش ها اضافه می‌کنند که استفاده بیش از حد و بی رویه از کودهای شیمیائی سموم دافع آفات نباتی و مواد شیمیائی از بین برنده علف های هرزه سبب از بین بردن موجودات ذره بینی موجود در خاکهای حاصلخیز شده ارکانیسم خاک را برهم زده سبب کندی رشد گیاهان میشود.

ماهی دریا بیش از ۱۵٪ پروتئین حیوانی جهان را تامین می‌کند اما بکار گیری سیستم‌های بی رویه و نسنجیده و برهم زدن محیط زیست آنان هم‌اکنون این منبع تغذیه بشری را با خطراتی رو در رو ساخته است :

۱۹۷۹		۱۹۷۸		۱۹۷۷		صادرات	اما زشت‌ترین پدیده تمدن معاصر گرسنگی است. آمارهای رسمی و غیر رسمی حاکی از مرگومیر روزانه چندین ده هزار کودک در نقاط مختلف جهان است که بیماری جز گرسنگی آزارشان نمیداده است.
درصد	رقم	درصد	رقم	درصد	رقم		
۱۰۰	۲۰۴	۱۰۰	۱۸۷	۱۰۰	۱۷۰/۴	کل جهان	گسترش فقر و گرسنگی امروزه تا بیش از ۲/۳ جمعیت روی زمین را در برمیگیرد. بسیاری از کشورهایی که تا قبل از جنگ جهانی دوم صادر کننده مواد غذایی بودند مانند اغلب کشورهای امریکای لاتین و اروپای شرقی امروزه از ردیف صادر کنندگان خارج شده در سلسله وارد کنندگان مواد غذایی و غلات در آمده‌اند. امروزه بیش از ۸۰٪ صادرات غلات جهان در انحصار تنها ۵ کشور جهان قرار دارد (جدول فوق)
۵۰/۴	۱۰۳	۵۰/۲	۹۴	۴۵	۷۶/۸	امریکا	تردیدی نیست که پیشرفت های اقتصادی و صنعتی بشر در قرن بیستم مرهون بخدمت گرفتن انواع انرژی‌ها بوده است. نفت، زغال سنگ، اتم، نیروی آب و بالاخره انرژی خورشیدی همه و همه در تدارک سوخت صنایع و حرکت چرخهای این صنایع نقش اساسی و حساسی دارند. اما در این میان کفه ترازو به سمت کشورهای صنعتی و قدرتمند حرکت کرده است. چه که خود قیمت کالای دیگران را تعیین کرده خود حجم تولید آنان را معین می‌نمایند و باز خود خریداری می‌نمایند و علیرغم افزایش قیمت های جهانی طی ۳۰ سال اخیر بهای نفت افزایش بسیار ناچیزی داشته است.
۸/۲	۱۶/۹	۱۰/۵	۱۹/۶	۱۱	۱۸/۹	کانادا	
۷/۲	۱۴/۷۸	۶/۹	۱۲/۹	۹/۵	۱۶/۳	آرژانتین	
۸/۳	۱۷	۷/۹	۱۴/۸	۶/۴	۱۱	فرانسه	
۷/۵	۱۵/۴	۵/۲	۹/۸	۷/۵	۱۲/۹	استرالیا	

میزان صادرات ۵ کشور عمده صادرکننده غلات

منبع : سازمان خواربار کشاورزی **FAO** قولهای غلات ص ۴۱۸

جمعیت روی زمین را در برمیگیرد. بسیاری از کشورهایی که تا قبل از جنگ جهانی دوم صادر کننده مواد غذایی بودند مانند اغلب کشورهای امریکای لاتین و اروپای شرقی امروزه از ردیف صادر کنندگان خارج شده در سلسله وارد کنندگان مواد غذایی و غلات در آمده‌اند. امروزه بیش از ۸۰٪ صادرات غلات جهان در انحصار تنها ۵ کشور جهان قرار دارد (جدول فوق)

تردیدی نیست که پیشرفت های اقتصادی و صنعتی بشر در قرن بیستم مرهون بخدمت گرفتن انواع انرژی‌ها بوده است. نفت، زغال سنگ، اتم، نیروی آب و بالاخره انرژی خورشیدی همه و همه در تدارک سوخت صنایع و حرکت چرخهای این صنایع نقش اساسی و حساسی دارند. اما در این میان کفه ترازو به سمت کشورهای صنعتی و قدرتمند حرکت کرده است. چه که خود قیمت کالای دیگران را تعیین کرده خود حجم تولید آنان را معین می‌نمایند و باز خود خریداری می‌نمایند و علیرغم افزایش قیمت های جهانی طی ۳۰ سال اخیر بهای نفت افزایش بسیار ناچیزی داشته است.

بشر در ادامه میل به زیاده خواهی و افزایش بی اندازه مصرف بسیاری مواد شیمیائی وارد محیط زیست خود میکند که نهایتا " در فعل و انفعالات بیولوژیکی به نحو وسیع و خطرناکی عمل می‌نماید. آلودگی محیط زیست

یکی از پدیده‌های منفی تکنولوژی و ماشینیسم محسوب میشود.

امروزه خطر نشت تشعشعات اتمی از نیروگاه‌های هسته‌ای به محیط زیست بحث داغ بسیاری از مجامع جهانی گردیده است. واضح است که یکی از ویژگی‌های محیط زیست خصوصیت جهانی بودن آن است و قطعاً بهبود محیط زیست جز با همکاری گسترده جهانی میسر نخواهد بود بدون شك حفظ محیط زیست و بهره‌برداری مناسب و منطقی از منابع زمین نیازمند مقررات سخت تر جهانی است.



امروزه بسیاری برای عقیده‌اند که هرج و مرج و آشفتگی‌های عصر حاضر عموماً ناشی از خودخواهی‌ها، تجاوزات به حقوق دیگران - استعمار و استثمار فرد و افراد توسط دیگران و بالاخره انحرافات اخلاقی و آلودگی‌های فرهنگی و اجتماعی است و بنا به همین علل تاریخ نشان میدهد که چه آشوبها و انقلاباتی پشت سر گذاشته شده است. رنگ پوست، علت تمایل به برتری طلبی و ایجاد تبعیضات گسترده اجتماعی و سیاسی است تا برای حقوقی میان زنان و مردان بخشی از جامعه را مقهور بخش دیگر میسازد. طبیعی است که در یک چنین جامعه‌ای واژه تعاون و تعاضد نمی‌تواند مفهومی داشته باشد و در مقابل آن تنازع بقا از انسانهای خلاق و همکار وجودی حریص آژمند و زورگو میسازد که فلسفه نژاد برتر و بقای اصلح متعالی‌ترین فلسفه زندگی آنان خواهد بود. در این صورت اجتماع بعوض بهره‌گیری از انسانهای متفکر، متعالی و خلاق اسیر دست انسانهای کوتاه بین خودبین مقلد و نیاگاه به مفاهیم اخلاقی انسانی میشود.

میتوان همه بار مصائب بشری را بر دوش برنامه ریزان اقتصادی کنونی معاصر گذاشت بقیه " برای انجام یک رفورم اجتماعی، یک فرد نظامی را هی جز کودتای نظامی را تجویز نخواهد کرد و با یک سیاستمدار انجام یک سری مذاکرات سیاسی را برای دست یابی به اهداف خود تجویز نمی‌نماید. اما نکته مهم و مشترک در این کسب قدرت و در اس رفورم اجتماعی قرار گرفتن خواهد بود. کسب قدرت و مطلقه شدن آن ظهور دیکتاتوری نظامی پاناسی است. دیکتاتوری که در اغلب موارد با نام دموکراسی در جهان معرفی میشود.

بی هدفی، بی برنامه‌گی و بی کاری بزرگترین مشکلاتی است که نسل جوان را به انسانهای بی اعتماد و بی علاقه، بی تفاوت نسبت به جامعه تبدیل کرده است. بی اعتماد به جامعه و اطرافیان، بی علاقه به زندگی و بی تفاوت نسبت به همه حوادثی که شب و روز از کنارش عبور می‌کند. و بدین ترتیب بی‌انگیزه برای ادامه زندگی بشر سرگردان خود را دچار بت و هم مرام‌هایی نموده است که هر کدام داعیه رهبری و نجات بشریت را داشته‌اند. ولی سرخورده و ناموفق از حصول بامیدها و آرزوها درون رشته‌ها و تارهای تنیده خود اسیر گردیده‌اند و حال بیم آن میرود که بالاخره این انسان بی هدف و بی امید طایفی شود. حضرت بهاء الله میفرماید: " ارباب یاس در جمیع جهات در عبور و مرور است و انقلابات و اختلافات عام یوما " فیوما " در تزیید آثار هرج و مرج مشاهده میشود چه که ابیابی که حال موجود است، بنظر موافق نیاید ".

بیت العدل اعظم در پیام وعده صلح جهانی خطاب به سراسر عالم تاکید میفرماید:

در قدر سالهای آینده محتملاً " مشحون از عذاب و مصیبت باشد و هر قدر افق کنونی عالم تیره و تاریک دیده شود جامعه بهائی معتقد است که نوع بشر بر مقابله با چنین امتحان و انقلاب بزرگی تواناست و از نتایج مطلوبه

حاصله‌اش مطمئن است .

بعقیده ما این انقلابات مدهش‌های که عالم‌انسانی بسرعت با آن زوبرو میشود سبب نابودی تمدن بشری نمیگردد بلکه باعث بروز قوای مکنونه در حقیقت‌انسان میشود و مقام و رتبه و شان هر انسانی را ظاهر و عیان میسازد . " (۶ - ۷)

تجویه و تحلیل‌های سیستماتیک که به همت کارشناسان و متخصصین کلوپ رم صورت گرفته است جلوه‌های دیگری از حیات آینده بشریت را متجسم میسازد . نویسندگان و اندیشمندان کلوپ رم معتقدند که با بررسی کم و کیف حوادث جهانی و نیز حرکت‌های تند و کند جوامع بشری میتوان به پاسخ‌هایی رسید :

(استراتژی برای فردا ص ۱۶۱)

۱ - بحرانهای فصلی پدیده‌های زودگذر و موقتی نیستند ، برعکس نمایشگر گرایش پایدار و عمیقی هستند که در حرکت تاریخ نیز جای گرفته‌اند .

۲ - حل این بحرانها نمی‌تواند جز در یک چارچوب عالمگیر ، دراز مدت و متناسب با نظام جهانی در حال شکل‌پذیری در چارچوب دیگری مورد نظر و توجه قرار گیرد . در این کار توفیق قرین نخواهد بود مگر آنکه بموازات تغییرات و دگرگونی‌های دیگر نظام اقتصادی جهانی نوینی مستقر گشته و یک نظام جهانی جهت تقسیم منابع اولیه برقرار شود .

۳ - تدابیر سنتی که تنه‌ابه یک جنبه انتزاعی از بحرانها بویژه جنبه اقتصادی آنها میپرداخت دیگر نمی‌تواند منجر به یافتن راه‌حلهائی شود . حقیقت آنست که ماباید کلیه سطوح مدل سلسله مراتبی جهان را در کنار هم مورد توجه قرار دهیم . بمعبارت دیگر ما باید تمامی جنبه‌های تحول بشریت را از منش‌ها و ارزشهای فردی گرفته تا وضع اکولژیک و محیط زیست هم‌عزوه هم پایه یکدیگر مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم .

۴ - این بحرانها را میتوان از طریق همکاری و نه برخورد و رویارویی حل نمود لذا باید قبول کرد که ناسیونالیسم کوتاه‌بینانه برای همیشه منسوخ شده است . مسائل عالمگیر را نمی‌توان جز بطور کلی و جهانی و هماهنگ به گونه دیگری حل و فصل نمود .

در خصوص منش‌ها و رفتارهای فردی باید توجه داشت که گذشته بما آموخته است تا اخلاق جدید را جایگزین رفتار غیر انسانی گذشته بسازیم بدین ترتیب بقول ویلی برانت سیاستمدار آلمانی " باید بدانیم که از نظر اخلاقی ، انسان چه در صحنه جنگ‌گشته شود و چه بحکم بی تفاوتی دیگران در اثر گرسنگی از پای درآید هر دو یکی است " . لذا هر یک از انسانها باید یک وجدان جهانی در خود بوجود آورند به گونه‌ای که فرد خود را عضو جامعه جهانی حسی نماید . بروز قحطی در سودان همانقدر باید وجدان یک آلمانی را تحریک نماید که اگر در " باواریا " بروز میکرد لمسش مینمود . متخصصین کلوپ رم معتقدند که باید در زمینه استفاده از منابع طبیعی مقررات جدیدی وضع نمائیم و شیوه زندگی متناسب با عصر محدودیت‌هایی که آغاز خواهد شد را در پیش گیریم . باید تکنولوژی تولید جدیدی متکی بر مصرف حداقل منابع و دوام فرآورده‌ها و تولیدات را ابداع نمائیم . بایست بجای آنکه بابت مصرف کردن و حیف و میل نمودن بخود بهالیم بخاطر صرفه‌جویی و مراقبت و نگاهداری احساس

سر بلندی نمائیم. باید منافع و مصالح نسل آینده و تامین زندگی آنان همانگونه که زندگی حالیه بشر مطرح است در نظر باشد. لذا بشریت نیازمند يك سیستم آموزشی بسیار مدرن و منطبق با خواست های قرن آینده خواهد بود تا کودکانی که امروزه قدم به مدرسه میگذارند بتوانند آینده‌ای مطمئن و بدور از جنجال های قرن حاضر را بسازند.

-۴-

آدام اسمیت که او را پدر علم اقتصاد و اجتماع میدانند و گروهی از علمای همعصر او عقیده داشتند که کلیه بحرانهای موجود ارتباط با فرد فرد جامعه بشری دارد. لذا برای رفع بحران هرکس موظف است تا وسایلی بهبود زندگی خود را فراهم نماید. البته هدف بهبود وضع مادی است و طبیعا " حل معضلات و مشکلات اقتصادی با روابط ضروریه اخلاقی و فضائل و کمالات انسانی تماس و رابطه ندارد. بعبارتی در زندگی سراسر فقر کارگری اصل مسلم رفع احتیاج است. تحت هر نوع شرایطی که باشد بدین ترتیب ملاحظه میشود که در فکر ایمن دانشمندان مطالبات اخلاقی ابداء " راه نیافته است و مکارم عالییه انسانی جای خود را بنفع طلبی و جس خود - خواهی داده است بعبارتی می توان گفت ارتباط جامعه انسانی با سرچشمه فیوضات الهی کاملا " قطع است. حضرت عبدالبهاء در لوح اعضای محفل اجرائی کنگره صلح عمومی لاهه چنین میفرمایند:

۱۱
 ۰۰۰۰ راه آسایش عالم آفرینش در تحسین اخلاق عمومی عالم انسانی و اعظم وسیله بجهت تربیت اخلاق علو همت و توسیع افکار است باید عالم انسانی را باین منقبت عظیم دعوت نمود ملاحظه فرمائید که مبادی - مرعیه اصلییه هر فردی از افراد بشر جلب منفعت خویش و دفع مضرت است در فکر آسایش و شادمانی خود است و آرزوی تفرد در زندگانی مینماید و میکوشد که از جمیع افراد دیگر در راحت و ثروت و عزت ممتاز گردد. ایمن است آرزوی هر فردی از افراد بشر و این نهایت دنائت و بدبختی و پستی فکراست انسان چون اندکی ترقی فکر یا بد و همتش بلند گردد در فکر آن افتد که عموم عائله را جلب منفعت و دفع مضرت نماید زیرا راحت و نعمت عموم خاندان خویش را سعادت خود داند و چون فکرش توسعه بیشتر یابد و همتش بلندتر گردد در فکر آن افتد که ابناء و وطن خویش را جالب منفعت و دافع مضرت شود و هر چند این همت و فکر از برای خود او و خاندان او بلکه عموم ابناء و وطن او مفید است و لکن از برای ملل سائره مورت ضرر است زیرا بجان یکوشند که جمیع منافع عالم انسانی را راجع بملت خویش و فوائد روی ارض را بعائله خود و سعادت کلیه عالم انسانی را تخصیص بخود دهد و همچو داند که ملل سائره و دول مجاوره هر چند تدنی نمایند ملت خویش و وطن او ترقی نماید تا در قسوت و ثروت و اقتدار باین وسیله بر سایرین تفوق یابد و غلبه کند اما انسان الهی و شخص اسمانی از این قیود مبراست و وسعت افکار و علو همت او در نهایت درجه است و دائره افکار او چنان اتساع یابد که منفعت عموم بشر را اساس سعادت هر فردی از بشر داند و مضرت کل ملل و دول را عین مضرت دولت و ملت خویش بلکه خاندان خود بلکه عین مضرت نفس خود شمرد لهذا بجان و دل بقدر امکان یکوشد که جلب سعادت و منفعت از برای عموم بشر و دفع مضرت از عموم عالم نماید و در علم و نورانیت و سعادت عموم انسان یکوشد فرسی در میان نگذارد زیرا عالم انسانی را يك خاندان داند و عموم ملل را از افراد آن خاندان شمرد بلکه هیئت اجتماعیه بشر را شخص

واحد انکارده و هر يك از ملل را عضوی از اعضا، شمر دانسان باید علوهتمش باین درجه باشد تا خدمت باخلاق عمومی
 کنید و سبب عزت عالم انسانی گردد.

دیانت بهائی اصول اقتصاد را در چار چوب ملی محدود نمی‌کند بلکه توجه را به همبستگی اساسی تمام
 افراد بشر در کره خالك معطوف میدارد. " لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم " "عالم يك
 وطن محسوب و من علی الارض اهل آن کمتر نویسنده یا اندیشمندی یافت میشود که حرکت بشریت را بسوی
 وحدت یا اتحاد بین الملل ترسیم نکند و یا داروی نجات عالم را در يك همکاری بین المللی تجویز ننماید.

روزگاری بود که از تاثیر فرهنگ شرق بر غرب سخن رانده میشد یا تاثیر متقابل غرب بر شرق، اما امروزه بشر
 قدم فراتر نهاده و به مرحله وابستگی به یکدیگر رسیده است. امروزه هیچ کشوری در جهان یافت نمی‌شود که
 خواست های خود را در محدوده ملی خویش رفع کند و بی نیاز از جهان خارج از کشور خود باشد. دیگر نباید
 به جهان بیده مجموعه‌ای از یکصد و چند ملت یا اجتماعی از جوامع سیاسی و اقتصادی نگریست بلکه باید
 بدان بعنوان مجموعه‌ای از ملت ها و مناطق که بواسطه وابستگی های متقابل خویش در يك نظام جهانی بگرد
 هم جمع شده‌اند نگاه کرد. " در دوره‌های گذشته هر چند ائتلاف حاصل گشته ولی بکلی ائتلاف من علی الارض

غیر قابل حصول زیرا وسایل و وسائط اتحاد مسقود و در میان قطعات خمه عالم ارتباط و اتصال معدوم
 لهذا اجتماع مجمع طوائف متنوع و محال. اما حال وسائط اتصال بسیار و فی الحقیقه قطعات خمه عالم حکم
 يك قطعه یافته است. از برای هیچکس استغنائی از دیگر نه زیرا روابط سیاسی بین کل موجود و ارتباط و
 تجارت و صناعت و زراعت و معارف در نهایت محکم مشهود " (حال و آینده جهان - لوح ۷ شمع ص ۲۸)

امروزه علم و هنر از حصارهای سیاسی کشورها و ملت ها خارج شده است. نواهای گرم موسیقی هر هنرمندی
 بدون توجه به ملیت او می‌تواند روح انسانها را در سراسر گیتی به اهتزاز در آرد. پیشرفت علم با اکتشافات
 جدید به سرعت وسیله مخابراتی به سراسر عالم مخابره میشود تا علمای دیگر اقالیم عالم از آن منتفع شوند.
 سرمای شدید زمستانی امریکا بهای نفت را در آبهای گرم خلیج فارس گران میکند یا کشف رگه‌های

جدید طلا در افریقا جنوبی قیمت طلا را در بورس لندن کاهش میدهد. بدور از سیاست ها و سیاستمداران
 بشر به غمخواری یکدیگر تمایل بیشتری نسبت به گذشته نشان داده است. دیگر طرفداران جنگ در جهان
 کاهش پیدا کرده است ولی هنوز اساس خودخواهی ها، ملی گرایی ها، استثمار طلبی ها بشریت را از رسیدن
 به وحدت مورد نظر جامعه بهائی منع ساخته است.

نابرابری در توزیع مواد خام که بقای تمدن صنعتی امروزی را به مخاطره میاندازد موجب میشود که هر
 قدرت بزرگی برای حفظ امنیت اقتصادی سیاسی و نظامی ذخائر کافی از منابع کافی مواد اولیه خوراکی
 تهیه کند. آنگونه که دنیای امروز سازمان یافته است اگر ملتی منابع مهمی چون آهن ذغال سنگ و نفت
 نداشته باشد موجودیت خود را بویژه در هنگام جنگ در مخاطره خواهد دید. و همین کمبودها سبب بسیاری از
 تجاوزات و جنگ های نظامی شده و هنوز هم آثارش در دنیا باقی است.

اگر دنیا بر اساسی غیر از آنچه در زمان حاضر وجود دارد نظم میافتد برای ملت ها کاملاً "مقدور" پسود
 بدون داشتن منابع طبیعی خام موجودیت خود را حفظ کنند و در نهایت رفاه و ایمنی باشند. بدین ترتیب

آن وحدت عالم انسانی که حضرت بهاء الله طرح آنرا ریخته‌اند دنیائی است که از دیوارهای گمرکسی، لو خودخواهی‌های ناسیونالیستی و از تجاوزات نظامی آزاد است. دنیائی است که رفاه و پیشرفت آن متکی بر سه مبادله بین المللی مواد خام و مصنوعات است و مانند مملکتی مبادله کالا که اکنون در داخله هر مملکتی انجام میشود دوستانه و بدون مانع خواهد بود.

جامعه بهائی امیدوار بود تا این وحدت در دسترس ترار گرفته باشد و لکن حوادث اخیر سالهای ۱۹۹۰ جهان را بار دیگر با اوج نئیری احساسات ملی گرایانه و حرکت های بظاهر مذهبی درگیر ساخت. دنیاست بهائیتی معتقد است در ظل نظم بدیع جهان آرای الهی که به ازاده شارع اعظمش تاسیس گردیده بشریت خواهد توانست مشکلات عظیمه‌اش را رفع نماید. بر اساس این نظام و بر مبنای تعالیم بهائی جهت تنظیم جریان صحیح اقتصاد در سطح جهانی ابتدا باید یک مرکز و مرجع بین المللی تاسیس نمود. یک حکومت جهانی جهت وضع قوانین بین المللی برای تنظیم روابط بین المللی جوامع تنظیم نمود. فراموش نمی‌کنیم که یکی از مسائل مهمه اقتصادی در سطح بین المللی اختلاف فاحش میان میزان عرضه و تقاضا در بازارهای مختلف جهان و وجود موانع گمرکی و قوانین مختلفه و متضاد کشورها است که شدت اشکالات و ایجاد بن بست های اقتصادی را دو چندان بنماید. حکومت جهانی موظف است که منابع تولیدی را تحت نظم در آورد به عبارتی مواد خام را استخراج و کیفیت توزیع و مصرف آنرا کنترل نماید. این حکومت مسئولیت دارد تا از نزاع و کشمکش های اقتصادی که عامل اصلی بحرانهای مالی است جلوگیری نموده از مظالم اقتصادی ممانعت کند. در چنین شرایطی سازمانهای اقتصادی بین المللی میباید تنها هدف خود را رفاه نوع بشر بدانند و دیگر ناظر بر یک ملت یا یک قوم معین نخواهند بود. در چنین دنیائی یک واحد پول جهانی نیز میباید در جریان گذاشته شود. یک سیستم اوزان و مقیاس ها مورد نیاز خواهد بود. در چنین دنیائی کلیه مواد خام برای خیر و رفاه اهل عالم فراهم شده و بکار خواهد رفت. استاندارد بین المللی بسیاری از کالاها را شامل خواهد شد.

حضرت ولی امرالله در توفیق منبع ۱۹۴۶ تصویری از وضع بحرانی عصر حاضر و دوران طلائی جهان آینده را

در ظل امر مبارک بیان میفرمایند:

"... منابع اقتصادی عالم تحت انتظام درآمده مواد خام آن استخراج و مورد استفاده کامل واقع شده و بازارها آن تنظیم و توسعه خواهد یافت و توزیع محصولات آن منصفانه تعدیل خواهد شد. رقابت و خصومات و دسائس ملی موقوف و عداوت و تعصب نژادی به دوستی و حسن تفاهم و تعاون بین نژادها تبدیل خواهد شد. علل منازعات دهنیه همواره مرتفع و موانع و تغییرات اقتصادی بکلی برطرف و امتیازات مغرطه بین طبقات منسوخ خواهد گردید. فقر و فاقه از یک طرف و تجمع فاحش از طرف دیگر از بین خواهد رفت مساعی عظیمه‌ای که در راه چرخه اقتصادی و یا سیاسی بیپوده مصرف شده برای مقاصدی تخصیص داده خواهد شد که متضمن توسعه دامنه اختراعات بشری و تکامل امور فنی و از دیداد ثمره مجهودات بشری و قلع و قمع بیماری و توسعه دایره تحقیقات علمی و ترفیع سطح صحت عمومی و تهذیب و تلطیف فکر آدمی و استخراج منابع متروکه مجهوله ارضی و اطاله عمر انسانی و پیشرفت هر عامل دیگری که بتواند حیات عقلانی و اخلاقی و روحانی هیئت بشری را تقویت نماید و یک نظام

مبتنی بر اتحادیه عمومی که بر کره ارض حکمفرما باشد و منابعی که وسعت آن فوق تصور است با سلطه مطلقه اداره کند و آمال شرق و غرب را ممزوج و مجسم نموده و از شر جنگ و مصائب آن رهایی یافته توجیهش معطوف به استخراج جمیع منابع قوای مکنونه ممکن الحصول ارض نماید"



در آئین بهائی حل مشاغل اقتصادی و تعدیل معیشت یکی از تعالیم الهی بوده و جزو کوچکی از يك مجموعه و منظومه کلی بشمار میرود این مجموعه مبادی روحانی نامیده میشود از این مجموعه قوانین که شارع بهائوسی بجهانیان عرضه فرموده یکی تعدیل معیشت و حل مسئله اقتصاد میباشد این توجه بدان جهت است که معلوم شود اولاً " مسئله اقتصاد همه مسائل انسان این قرن نبوده بلکه یکی از آنان بشمار میرود ثانیاً " بدون توجه به دیگر مسائل زندگی اجتماعی بشر مثل صلح عمومی و عدالت بین المللی، ترك تعصبات جاهلیه و یا تعلیم و تربیت اجباری عمومی حل مسئله اقتصادی غیر ممکن است زیرا مسائل اقتصادی بدون تاثیر از دیگر مسائل مانند صلح عمومی نمی ماند و تابعی لازم و ملزوم از بسیاری مبادی روحانی میباشد . همچنانکه میان صلح عمومی و حکومت جهانی و پادحکومت جهانی با ترك تعصبات چنین روابط لازم و ملزوم مشابهی بچشم میخورد .

بحدیکه میتوان گفت بدون تاسیس صلح عمومی اجراء تعدیل معیشت بسیار مشکل و بدون حکومت جهانی تاسیس صلح جهانی غیر ممکن و بدون ترك تعصبات تاسیس حکومت جهانی محال است . در حقیقت این تعالیم مختلفه را میتوان مانند حلقات يك سلسله زنجیری پیوسته و مرتبط تصور نمود که هر کدام از حلقات آن بسا حلقات دیگر ارتباط و پیوستگی دارند . یا میتوان آنرا مانند دستگاه عظیمی دانست که هر يك از مبادی روحانی مثلاً " صلح عمومی یا زبان و خط بین المللی و یا حل مشاغل اقتصادی یکی از مهره های این دستگاه عظیم بشمار میروند . بنا بر این واضح است که اجزاء مختلفه يك دستگاه به تنهایی خاصیت تحرک ندارد ولی وقتی که این اجزاء مختلفه مطابق با شرایط فنی و مکانیکی ترکیب و تشکیل یابند آن وقت خاصیت کار و حرکت در اوظاهر میشود و در این حالت است که میتوان بآن کلمه ماشین را بکار برد . نتیجه ای که از این بحث بدست می آید آنست که اقتصاد در پیکر تعالیم بهائی یکی از اعضا و جوارح و در این دستگاه یکی از مهره ها و در این سلسله زنجیر تعالیم یکی از حلقات بشمار میرود . بهمین علت هر کس میخواهد کیفیت و اثرات این تعالیم را مورد مطالعه قرار دهد باید آنرا با تمام اصول و مبانی و تعالیم بررسی و مطالعه نماید تا بتواند کیفیت و اثرات و نقش این تعالیم را آنچنانکه هست ادراک نماید . دیانت بهائی همانگونه که حضرت ولی عزیر امرالله بیان فرموده اند تنها يك سیستم اقتصادی نیست که بتوان آنرا فقط از نظر اقتصادی مورد مطالعه قرار داد و بسا تصور نمود که این شریعت نه تنها مسئولیت وضع و تدوین قوانین معاشی و اقتصادی را بر عهده داشته است بلکه دیانت بهائی يك شریعت آسمانی است که از مضامین مختلف عرفانی و فلسفی اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی اداری ترکیب و تشکیل یافته است ولی کلیه این مسائل متعدد در ظل يك هدف اصلی قرار دارد که آن تکامل معنوی و تربیت روحانی بشر است و اقتصاد و سایر مسائل در ظل این هدف اصلی و کلی قرار میگیرد .

(یادداشت های جناب کمال الدین بخت آور)

تعالیم بهائی تصدیق دارد که طبیعت انسانی در میان يك رشته تحولات و تغیرات همیشگی تکامل و ترقی یافته است. يك زمان نوع انسان در پائین ترین مکان و روزگاری دیگر در اوج اعلاى روحانیت و اخلاق قرار دارد. ولی در يك مدت طولانی ترقی و تکامل انسانی همواره صعودی و روبه کمال بوده است. اگر غیر از این بود نوع بشر هم اکنون میبایست در مرحله بدوی اجداد و نیاکان خود بسر برد.

دیانت بهائی مبنای روابط اجتماعی و اقتصادی را تعاون و تعاضد میداند و تنازع را شان مقام انسانی نمیداند. تنازع قانون طبیعت است ولی عالم انسان عالم فوق طبیعت است و نمی توان احکام طبیعت را بر عالم انسان تسری داد.

هر چند که آئین بهائی با مکاتب اقتصادی و اجتماعی وجوه مشترکی دارد و اهداف مفید و انسانی آنها را تأیید می نماید و لکن باید توجه داشت که آئین حضرت بهاء الله يك جنبش الهی بوده و بر جنبه های مادی انسانی تاکید دارد لذا اساس مقایسه نمی تواند جلوه ای داشته باشد. دیانت بهائی بخلاف مکاتب مادی که عموماً "حافظ منافع طبقه خاصی هستند" همان جهان بینی خود عالم را در نظر دارد و فاقد وابستگی بسه طبقه خاصی است "عالم بین باشید نه خودبین" (لوح دنیا)

کمونیسم در تمام طول تاریخ حیات خود دفاع از طبقه کارگر را در نظر گرفته است میگوید "ای کارگران جهان متحد شوید..." فاشیسم نقطه نظرگاه خود را بر حفظ منافع طبقه اصناف قرار داده است و سرمایه داری که در کنار دیگر رژیم ها خود را مدافع سرمایه داری و حافظ منافع طبقه کارگر میداند، بدین ترتیب حفظ منافع يك طبقه یا گروه به مفهوم زهر پا گذاشتن منافع سایر طبقات اجتماع بر لوجه مرامها و رژیم های اقتصادی - موجود بشمار میرود.

بطور کلی انسان از دیدگاه دیانت بهائی انسانی است متعالی. مثال الهی دارد و محل جلوه صفات حق است. انسان موجودی است جامع الجهات و متنوع الحاجات. خواج انسان به خوردن و خوابیدن محسود نمی شود. آمار خودکشی ها که ناشی از ناکامی هاست در میان کشورهای ثروتمند و در میان خانواده های ثروتمند آنها بیشتر دیده میشود. که در اصل نشانه عدم احساس شادکامی یا خوشبختی است. بدین ترتیب اگر رفاه - مادی میتواندست عامل خوشبختی بشود نمی بایست انسانهای بدبختی که تنهاراه نجات خود را در خودکشی میبایند در بین کشورهای توانگر فراوان باشند.

بدین ترتیب انسان بهائی انسانی است روحانی و متعالی. توجه داریم که انسان يك ضرورت خلاق و يك واقعیت متفکر است. انسان مهربه های ماشین اقتصادی عصر معاصر نیست. بلکه مغز متفکر و خلاق جامعه است جامعه ای که در آن زندگی می کنند.

بعضی مردم تشکیلات اقتصادی جامعه را مهمترین عامل حل مسائل و امور مربوط بانسان میدانند بعقیده آنها انسان يك واحد اقتصادی است و قدر و ارزش او بسته به مقدار تولیدی است که می تواند انجام دهد. این جماعت تاریخ را مبارزه مستمر طبقات اقتصادی میدانند. اما حضرت بهاء الله چنین تعلیم کردند که اساس اولیه اجتماع دیانت است و قوانین اخلاقی الهی چهارچوب واقعی تمدن را تشکیل میدهد بفرموده حضرت

عبدالبهاء " اصل و اساس کلیه اوضاع و احوال اقتصادی آسمانی و الهی است و با جهان روح و قلب رابطه دارد " (آهنگ بدیع شماره ۵ سال ششم ص ۸۴) تعالیم بهائی روی این اصل که انسان موجودی اخلاقی و مسئول است و اینکه مقصد و منظور از حیات و تحصیل تکامل روحانی است تاکید مینماید. بدین ترتیب بهائیان معتقدند بعلاست نزدیکی زمان بلوغ عالم حضرت بهاء الله سیستم اقتصادی الهی را که شامل قوانین و اصول و موسساتی برای جمع کردن کلیه مردم جهان در ظل دیانت واحد و نظم واحداست برای جهانیان بارمغان آورده اند.

بدین ترتیب توجه به جنبه های اخلاقی انسانی موجب میشود تا انسان بهائیس را بدور از حرص و طمع در جمع مال و ثروت بینیم و یا اصراف و بی برنامه گی در مصرف. حضرت عبدالبهاء در بیان مبارکی تاکید میفرمایند که کلیه اقتصاد جهان باید بر اساس روحانی مستقر باشد. چه که مادیات رابطه نزدیکی با قلب و روح انسان دارد (تقریرات دکتر راسخ)

دیانت بهائی خود را مروج مساوات بمفهوم برابری مطلق نمیداند. زیرا که این فخره در گذشته به اجرا گذاشته شده است شعار بسیاری از حرکت های سیاسی و اقتصادی مساوات و برابری بوده است. دیانت بهائیس معتقد است برابری بمعنای کامل آن مقدور نیست زیرا اختلاف استعدادها و قابلیت ها و لیاقت ها افراد را در جامعه مکانها و رتبه های متفاوتی میدهد و این تفاوت اصل مساوات کامل را زیر سؤال خواهد برد. دیانت بهائی طالب مساوات است حضرت عبدالبهاء میفرمایند " این مساوات اعظم از مساوات است "

X X X

هیچیک از پیامبران بزرگ گذشته بردگی را القاء نکردند. شاید وجود بردگی و استثمار در نظام اجتماعی آن دوره لازم بوده و منع آن مسائل و مشکلاتی را برای جامعه به همراه می آورده است. بهر حال اگر هم پیامبران گذشته بردگی را لغو نکردند گام های مهمی در راه انسانی کردن روابط انسانها بایکدیگر برداشتند. به علاوه بر احکام مختلف در خصوص خوش رفتاری با بردگان، حضرت موسی با حکم سبت و یکروز تعطیل کامل در هر هفته لااقل به آنها فرافت و آسودگی بیشتری بخشید. میدانیم که این حکم از احکام اساسیه حضرت موسی است حضرت عیسی با این تعلیم که هر انسان میتواند بدور از شرایط اجتماعی و اقتصادی با خالق خود ارتباط قلبی و درونی داشته باشد بر ارزش ذاتی انسان و مقام او تاکید فرمود.

امروزه هیچ دیانتی نمیتواند پیشرفت کند و جماعات مردم را به اطاعت وادارد مگر آنکه نسبت به مشاغل اقتصادی که زاینده عصر صنعتی است توجهی شایان مبذول دارد. دین باید موسساتی عالی که بر اساس عدالت و اتحاد بنیان یافته باشد ارائه نماید و حرص و استثمار را در حیات اقتصادی کاهش دهد. در واقع در این عصر علم و اختراع و صنعت، حرص و طمع تنها چیزی است که جهانیان را از دست یافتن به رفاه اقتصادی باز میدارد یکی از علل بحرانهای اقتصادی گذشته افزونی بی حد تولید بر مصرف بوده است که عموماً ناشی از تکرار در سرمایه گذاری است. سرمایه دار معمولاً همه منافع تولید را مصرف نمیکند بلکه بخش اعظم آنرا صرف سرمایه گذاری مجدد می کند که خود سبب افزایش تولید و صدور آنها به بازارهای مصرف میگردد. این جریان ادامه میابد و در هر دوری بحدی میرسد که کثرت کالا و کمبود قوه خرید بوجود میآید. ولی تولیدکننده

در چنین شرایطی قادر بر توقف تولید نیست و تحت فشار سرمایه دارانی که سود را در تولید اضافی وانبوه میدانند سیل کالا را به بازاری که قبلاً " بحد اشباع رسیده است سرازیر میسازد تا آنکه منجر به يك بحران یا دخالت اقتصادی میشود . راه حل این مشکل همانی نیست که باز سرمایه داران پیشنهاد می کنند یعنی کاهش تولید یا تجدید تولید بلکه از این طریق است که بین قوای تولید و مصرف تعادل برقرار شود و این میسر نخواهد شد مگر در محدود کردن ثروت طبقه سرمایه دار و افزایش نسبی ثروت توده های مردم (مصرف کننده) . حضرت عبدالبهاء در مذاکرات میفرمایند: (ص ۱۸۹)

" : مساوات تمام در ثروت و عزت و تجارت و فلاحیت و صناعت سبب اختلال و پیریشانی و اغتشاش معیشت و ناکامی عمومی میشود و بکلی انتظام امور جمهوری برهم خورد پس بهتر آنست که اعتدال بخیان آیسند و اعتدال اینست که قوانین و نظاماتی وضع شود که مانع ثروت مفرط بی لزوم بعضی نفوس شود و دافع احتیاج ضروریه جمهور گردد " چنین اعتدالی در کار کارخانجات از طریق سهام کردن کارگران در سود کارخانجات و در جامعه از طریق مالیات بر درآمد وارث بوجود خواهد آمد . " در تحت نظام بهائی مالیات تصاعدی بر درآمد های بزرگ از تراکم ثروت های زیاد جلوگیری خواهد کرد . وقتی چنین سیستم مالیاتی اجرا شود نفوس از جمیع آوری ثروت های هنگفت نا امید خواهند شد زیرا تحصیل درآمدهای زیاد که دولت قسمت اعظم آنرا بعنوان مالیات اخذ خواهد کرد فایده ای نخواهد داشت . چنین سیستم مالیاتی از تراکم ثروت فرد یا خانوار جلوگیری خواهد کرد و در عالم صنعت تحولی ایجاد خواهد کرد و با ر دیگر سرمایه داران کوچک را به تجارت و صنعت جلب خواهد کرد و به افراد معمولی امکانات وسیع خواهد داد . حضرت عبدالبهاء میفرمایند: (خطبات ص ۲۷۲)

" : لپذا مسئله مساوات مستحیل است اما چه هست این است که اغنیا رجم به فقرا کنند اما به میسل خودشان نه مجبوراً " اگر مجبوری باشد فائده ندارد نه آنکه به جبر باشد بل به موجب قانون تا بر حسب قانون - عمومی هر کس تکلیف خود را بداند . مثلاً " شخص غنی حاصلات زیاد دارد . شخص فقیر حاصل کم دارد یا آنکه روشن تر بگوئیم يك شخص غنی ده هزار کیلو حاصل دارد و شخص فقیر ده کیلو دارد حالا انصاف نیست که از هر دو يك مالیات بگیرند بل شخص فقیر در این موقع باید از مالیات معاف باشد . اگر آن شخص فقیر عشر مالیات بدهد و شخص غنی هم عشر مالیات بدهد این انصاف نیست پس در این صورت باید قانونی وضع نمود که این شخص فقیر که فقط ده کیلو دارد و بجهت قوت ضروری خود جمیع را لازم دارد از مالیات معاف باشد ولی شخص غنی که ده هزار کیلو دارد اگر عشر یا دو مقابل عشر مالیات بدهد ضروری به او نمی رسد . مثلاً " اگر دو هزار کیلو بدهد باز هشت هزار کیلو دارد و آدمی که پنجاه هزار کیلو دارد اگر ده هزار کیلو بدهد باز چهل هزار کیلو دارد لپذا قوانین برای این منوال لازم است : " بدین ترتیب اساس مالیاتها در جهت تعدیل ثروت و عدالیت اجتماعی تدوین میشود . چیزی که امروزه در جوامع مقمذ و پیشرفته مزاعلت میشود . " (خطبات ص ۲۷۲)

حال تصور بفرمائید در جامعه ای که افراد آن دارای حسن مسئولیت هستند اجرای چنین اصلی چه کمسک بزرگی به توزیع عادلانه تر ثروت خواهد نمود . علاوه بر این در چنین سیستم سرمایه داری پیشنهادی اگر هم ثروتی جمع شود یا مرگ سرمایه دار از دو طریق بنحو وسیع توزیع خواهد شد . یکی از طریق مالیات بر ارث و

دیگری بواسطه احکام ارث که باعث تقسیم ثروت بطور وسیع بین جمع وراث خواهد شد که حتی منسوبین درجه سوم و موسسات عام المنفعه را در بر میگیرد و بالاخره روش تربیتی و اخلاقی بهائی انسانهای میسازد بسا احساسات و عاطفه انسانی متعالی که فقر مادی را دون شان و منزلت انسانها میداند و بقول سعیدی غم بینوایان رخ آنان را زرد می‌نماید. حضرت عبدالبهاء در مفاوضات (ص ۱۹۱) میفرمایند: "۰۰۰ سبحان- الله انسان چون نفوسی را از بنی نوع خویش گرسنه و برهنه و بی سروسامان ببیند چگونه در قصر عالی خود راحت و آسایش کند و کسانیرا در نهایت احتیاج ببیند با وجود این چگونه از ثروت خود ممنون و خشنود گردد ۰۰۰۰" و در جای دیگری تاکید مجددی بر رعایت اعتدال در زمینه اقتصادی را مطرح میسازند میفرمایند:

"۰۰۰۰ اهل ثروت باید در اکتساب منافع اعتدال را ملاحظه نمایند و مراعات فقرا و اهل احتیاج را منظور دارند"

X X X

کارگر در تولید مصنوعات از منافع کارخانه سهم میبرد و این عمل با روش های اغفال کننده یعنی بصورت خرید سهام صورت نمی‌پذیرد. بلکه این سود به نفس کار تعلق میگیرد. بدین ترتیب کارگر نه تنها مزد دریافت میدارد بلکه از سود کارخانه هم سهم میبرد. همه از منافع صنعت برخوردار میشوند و مصرف عمومی بخدی میرسد که پیوسته قادر است خود را هم سطح تولید نگهدارد و مانع از تکرار بحرانهای اقتصادی گذشته شود.

مهمترین مسئله و بزرگترین مشکل در عالم صنعت رابطه بین کارگران و صاحبان سرمایه است. هر یک از آنها تصور می‌کنند که طرف دیگر سهم بسیار بیشتری از عواید حاصله از فروش کالاهای تولیدی را که تولید آنها مستلزم دخالت کار و سرمایه است بخود تخصیص میدهد. کارگران مطالبه سهم بیشتری می‌کنند و کارفرمایان در جواب اظهار میدارند که پرداخت دستمزد بیشتر نفعی جهت آنان باقی نخواهد گذاشت و بالاخره وضع بجایی میرسد که صنعت بعلت اعتصاب کارگران یا تعطیل کار از طرف کارفرمایان فلج میگردد و شك نیست که این امر بضرر طرفین تمام میشود. از آنجائی که قاعده‌ای وجود ندارد که بوسیله آن مقدار سهم طرفین معین شود این تمایل برای هر دو طرف بوجود آمده است که اولاً " سعی کنند تا آنجائی که میتوانند سهم بیشتری مطالبه کنند و ثانیاً " در دو گروه مختلف تقسیم شوند تا بعبوض یافتن راه حل منصفانه از قدرتهای نسبی خود در انجام مقاصد گروهی استفاده نمایند.

برای حل چنین مشکلی حضرت عبدالبهاء در تشریح تعالیم بهائی چنین میفرمایند: "۰۰۰ حل مشکلات اقتصادی هرگز به ضدیت و نزاع و مقاومت بین سرمایه‌داران و رنجبران ممکن نیست مگر بحسن تفاهم و تساهل بطیب خاطر از طرفین (ترجمه مقاله جناب جان فرابی، آهنگ بدیع) زمانی که حسن نیت وجود ندارد ناگزیر اعتصاب مستمرا " ادامه خواهد یافت تا اینکه تمام دستگاه اقتصادی مختل و پریشان گردد. در یک سیستم بهائی اعتصاب وجود ندارد. برای درآمدها حداقل و حداقل پیش بینی شده است اساس عدالت و انصاف استوار خواهد گردید. اگر یکی از طرفین اختلاف فاقد حسن نیت باشد با اعمال زور قانونی قضیه فیصله خواهد یافت و دیگر نیازی به اعتصاب نخواهد بود. حضرت عبدالبهاء میفرمایند " اعتصاب سبب خرابی

است اما قانون سبب حیات است " قانون بهائی در مورد سهم ساختن کارگر در سودکارخانه نه تنها بیسوسه جلوگیری از کسادی بازار کمک می‌کند بلکه فاصله تاریخی و مصیبت بار بین کارگر و سرمایه دار را از میان برمی‌دارد. تا زمانی که کارگر فقط مزد دریافت می‌دارد مانند متاعی است که سرمایه دار آنرا خریده تا برفع خود از آن بهره برداری کند. حضرت عبدالبهاء خطاب به جمع امریکائیان فرمودند (آرامش برای جهان پر آشوب ص ۱۵۷) شما بردگی انسانی را از بین برده‌اید ولی باید مزدوری یعنی بردگی کارگر در برابر ماشین رانیز از میان بردارید".

اعتصاب های بزرگ، خشونت و دشمنی، فلج کردن صنعت و هرج و مرج عمومی صرفاً نتیجه لجاجست صاحبان کارخانه‌ها و تاخیر دولت‌ها در اصلاح اوضاع اقتصادی مطابق با قوانین عادلانه و نوع دوستانه است و تا زمانی که چنین عدالت اقتصادی تحقق نیابد دولت و ملت نمی‌توانند ثبات و ایمنی کسب نمایند. تعلیم و تربیت و تنویر افکار عمومی همه جا به جماعات مردم این توانائی را می‌بخشد تا بر حقایق اقتصادی دست یابند و برای احقاق حقوق کارگران اغتشاش کنند. اگر طبقات ثروتمند به قدرت اراده متمسک هستند جماعات مردم نیز به قدرت اراده متمسک خواهند شد و آرام نخواهند یافت تا آنکه عدالت تحقق یابد. این مسئله نه از طریق اجبار که از طریق همکاری دوستانه از دو سوی کارگر و سرمایه دار باید حل شود. حضرت عبدالبهاء میفرمایند: " در وقت خود سرمایه داران تحدید ثروت و قدرت را که حضرت بهاء الله دستور فرموده‌اند خواهند پذیرفت و با خیال آسوده سودکارخانه را با کارگر تقسیم خواهند کرد. از کمک به فقرا و کمک به استقرار نظامی اقتصادی و اجتماعی که رفاه و ایمنی را برای همه افراد تامین نماید احساس مسرت خواهند نمود" (۱)

حضرت عبدالبهاء علاوه بر مشارکت کارگران در سودکارخانه مشارکت در سهام کارخانه‌ها را نیز صریحاً ذکر فرموده‌اند و نظام مزدگیری مورد تأکید امر مبارک نیست. میفرمایند: " این قوانین اجرت و مزد را باید بکلی بهم زد کارگر بموجب شریعت الله فی الحقیقه مزد نمی‌گیرد بلکه شریک در هر عملی میشود".

حضرت عبدالبهاء در جایی دیگر و بیانی دیگر به تشریح همین نکته میپردازند و میفرمایند: " صاحبان املاک و معادن و معامل باید مستخدمین را در ارباح شریک کنند و از واردات سهم معینی به عمال بدهند و این علاوه بر اجرتشان باشد یعنی قدری از واردات عمومی آن اداره و کارخانه تا عمال نیز با جان و دل خدمت کنند.

* * *

شریعت مقدس اسلام ربح نقد و وجوه را حرام دانسته است اما در این عصر بواسطه اقدامات مهمه اقتصادی و تشکیل شرکت‌ها و بانکها و احتیاج و انتفاع زیاد از سرمایه‌هایی که بجزریان معاملات صنعتی و فلاحتی و تجارتی گذاشته میشود بنا باقتضای زمان مباح شده است. حضرت بهاء الله در این خصوص در آخر لوح اشراقات میفرمایند: اشراق نهم

" اینکه سؤال از منافع و ربح ذهب و فضه شده بود ۰۰۰۰۰ اکثری از ناس محتاج باین فقره مشاهده میشوند چه اگر ربحی در میان نباشد امور معطل و معوق خواهد ماند. نفسیکه موفق شود باهمجنس خود و یسا هموطن خود و یا برادر خود مدارا نماید و یا مراعات کند یعنی بدادن قرض الحسن کمیابست لذا فضلا علی العباد

ربا را مثل معاملات دیگر که مابین ناس متداول است قرار فرمودیم یعنی ربح نقود از این حین که این حکم مبین از سما مشیت نازل شد حلال و طیب و ظاهر است تا اهل ارض بکمال روح و ریحان و فرح و انبساط بنکر محبوب عالمیان مشغول باشند ۰۰۰۰ و لکن باید این امر باعتدال و انصاف واقع شود ۰"

البته واضح است که تحریم ربا در شرع اسلام به جهت حمایت از طبقه قرض گیرنده بوده است که اغلب رنجبران و زارعان فقیر جامعه را تشکیل میدادند. آنان صرفاً " برای رفع حوائج ضروری خود طلب قرض میکردند پول بصورت امروزی نبود و شاید تنها نقدینگی قابل حمل و نقل بصورت طلا یا نقره بود و بقیه مبادلات بصورت یا با پای صورت میگرفته است. امروزه آنانکه به بانکها مراجعه میکنند و یا طالب قرض هستند اغلب برای تاسیس موسسات تولیدی بوده و یا گرفتن قرض و سرمایه گذاری فواید زیادی را عاید مینمایند. بنابراین بجاست که برای جریان سرمایه از مجرای بانکها ربح و نزول دریافت شود.

تولید حاصل نیروی کار کارگر، منابع خام طبیعت، سرمایه صاحب ثروت و بالاخره مدیریت کار فرماست. لذا هر کدام مهیاید بفرخور تلاش خود حاصلی از تولید را کسب نمایند. کارگر دستمزد میگیرد و در سودکارخانه سهم است منابع خام حاصل از طبیعت حق الارض یا بهره مالکانه طلب میکند. سرمایه ربح یا بهره میبرد و بالاخره کارفرما سودکسب میکند. در این میان حق الارض یا بهره مالکانه و ربح یا بهره سرمایه ثابت است و دستمزد کارگر و سودکار فرما هر دو تابعی از عایدات حاصل از تولید خواهد بود.

ارزش پول در تحت هر نظام اقتصادی و در تحت هر شرایط اجتماعی تدریجاً " کاهش پیدا میکند و در شرایط حادتر پول د چار بحران یا تورم میشود. در این صورت هیچ پولی یا ارزی یافت نمیشود که در طی ۲۰ سال اخیر قدرت خرید خود را از دست نداده باشد. مطمئن هستیم که با اسکناس ۲۰ دلاری ده سال پیش کالاهای بیشتری نسبت به امروز می توان خریداری کنیم. اگر شخصی ۱۰ سال پیش ۲۰ میلیون ریال قرض کرده باشد و امروز آنرا باز پرداخت کند یقیناً " ده سال پیش قدرت خرید بیشتری را نسبت به امروز قرض کرده بود و امروز قدرت خرید کمتری را باز پرداخت می کند. شاید بهره حاصله به سرمایه بتواند بخشی از ارزش از دست رفته سرمایه را باز گرداند.

اما از طرف دیگر در جامعه بسیاری سرمایه های کوچک وجود دارند که تمرکز آنها سرمایه هائی میشوند کارساز که قادر خواهند بود در کارهای تولیدی و تجارتی نقش بزرگی داشته باشند و از اینجا اساس بانک و بانکداری را بوجود آورند.

X X X

انسان بهائی انسانی است متعالی و نه اسیر حوائج نفسانی و سودخویشتن. در وجود انسان جوهری روحانی بودیعت گذاشته شده است. بهمین جهت اقتصاد نمی تواند هدف زندگی چنین انسانی قرار گیرد. حضرت بهاء الله در لوح حکمت میفرمایند: " فضل الانسان فی الخیمه والکمال لافى الزینة والثروه والامال " دیانت بهائی در کنار همه مسائل توجه خود را از بُعد اقتصادی انسانی دور نساخته است بر این اساس کار و کسب جزو فرائض حتمی افراد است و از جمله عبادات محسوب میشود. بدین ترتیب کار اختصاصی به افراد

غنی و با فقیر ندارد بلکه همه را شامل میشود. در کلمات مبارکه مکتوبه حضرت بها، الله میفرمایند: ".....
پست ترین ناس نفوسی هستند که بی ثمر در ارض ظاهرند و فی الحقیقه از اموات محسوب بلکه اموات از آن نفوس

معطله مهمله ارجح عندالله منکور" و باز در کتاب اقدس و لوح بشارات میفرمایند: " بشارت دوازدهم.
قد وجب علی کل واحد منکم الاشتغال بامر من الامور من الصنایع والاقتراف و امثالها و جعلنا اشتغالکم بها
نفس العباده لله الحق تذکروا یا قوم فی رحمہ الله والطائفة ثم اشکروه فی العشی و الاشراق لاتضعوا اوقاتکم
بالباطله والکماله واشتغایا بما تنتفع به انفسکم وانفس غیرکم كذلك قضی الامر فی هذا اللوح الذی لاحت فی
افق شمس الحکمه والبیان ابغض الناس عندالله من یعقد ویطلب "

(مبادی روحانی احمدی زانی ص ۱۳۶)

بدین ترتیب تکدی و گذران عمر به بطالت و بیکاری را جرم دانسته اند و اشتغال به کسب و کاری که خیر
آن نصیب جامعه شود را مطلوب دانسته اند.

در سفرنامه جلد اول حضرت عبدالبها، در جواب سئوالی میفرمایند:
در امر بها، الله برهرفنسی اشتغال به صنعت و کسبی فرض است مثلا " من حمیر باقی میدانم و شامصنعت

دیگر این عین عبادت است اگر با نهایت صداقت و امانت باشد و این سبب ترقی است اما با وجود مشغولیت اگر
قلب تقیید و تعلقی باین دنیا نداشته باشد و از حوادث متالم نگردد نه باثروت عالم از خدمت نوع انسان ممنوع
باشد و نه از فقر محزون شود. این کمال انسانست و الا در حالت فقر اظهار کرم و به حال ضعف ادقای غسبل
نمودن قولی است آسان نه دلیل بر تربیت و تذکر وجود انسان.

دیانت بهائی حق مالکیت را برای همه افراد جامعه قائل دانسته آنرا محترم میداند. مالکیت، میل ذاتی و
طبیعی انسانهاست و برخی آنرا در ردیف امیال غریزی انسانها قرار میدهند و طبیعی است که بر خلاف این
میل غریزی قوانین اجتماعی نمی تواند تدوین شود زیرا قوانین که برخلاف فطرت بشریه باشد فاقد ضمانت
اجرائی خواهد بود.

علمای اقتصاد معتقدند که مالکیت در اکثر موارد مهمترین محرک برای وادار کردن افراد به کار مفید و
ایجاد حرکت مادی جامعه بشمار میرود.

باتدوین قانون ارث دیانت بهائی انسانها را آزاد میگذارد تا نسبت به اموال خویش تصمیم بگیرند.
حضرت عبدالبها، در لوحی میفرماید: " هر نفسی مکلف بر وصیت است ۰۰۰۰ و بحسب میل خویش هر نوعی
که بخواهد وصیت کند و آن وصیت نامه را مختوم بدارد. بعد از وفاتش باز شود و بموجب آن عمل گردد. و لکن
در صورت عدم وجود وصیت نامه حضرت بها، الله بهترین نحوه تقسیم ثروت و ماترک را تعیین فرموده اند. و
بر طبق آن اولاد، زن یا شوهر، پدر و مادر، خواهران و برادران و معلمین از ماترک متوفی هر یک به مقدار
معینی سهم میبرند. این طرز تقسیم بتوزیع عادلانه ثروت و کم شدن فاصله های طبقاتی کمک خواهد کرد.

حضرت بها، الله همانند دیگر شارعین ادیان گذشته تعلیم فرموده اند که غنای حقیقی عبارت از ثروت
روحانی و معنویست نه ثروت ظاهری و مادی.

حضرت بهاء الله میفرماید: ای پسر کنیز من در فقر اضطراب نشاید و در غنا اطمینان نپاید هر فقری را غنا در پی و هر غنا را فنا از عقب و لکن فقر از ماسوی الله نعمتی است بزرگ حقیر شمارید زیرا که در غایت آن فنا بالله رخ بگشاید."

در دیانت بهائی انقطاع و اجتناب از تمایل و تعلق باموال دنیوی توصیه و سفارش شده است و لکن مقصد از این انقطاع و عدم توجه، ریاضت و انزوا نیست مسئله مهم آنست که انسان به ثروت های ظاهری و منافع دنیوی تمسک قلبی نداشته باشد در دیانت بهائی اعتدال در جمیع امور سفارش و توصیه شده است توجه داریم که دیانت بهائی نه یک مکتب مادی است که لذات این دنیا را هدف زندگی بشناسد و نه یک فلسفه تصوف که امور مادی را ترک کند. دیانت بهائی اعتدال را در جمیع امور توصیه می نماید. حضرت بهاء الله میفرماید:

" هر امری از امور اعتدالش محبوب و چون تجاوز نماید سبب ضرر گردد."
 با وجود توسعه و پیشرفت فوق العاده صنعت در یکصدسال اخیر، تعالیم حضرت بهاء الله حقیقت واضحی را که غالباً " بدست فراموشی سپرده شده است خاطر نشان میکند و آن اینکه زراعت از امور مهم و ضروری عصر ماست چه که قسمت اعظم سکنه روی زمین معاش زندگی خود را از طریق کشاورزی تحصیل مینمایند و بعلاوه حیات و زندگی همه افراد بشر بآن منوط است.

شارع دیانت بهائی در تحلیل مقام دهقان و ارزش کار او در لوح دنیا میفرماید: " پنجم توجه کامل است در امر زراعت. این فقره اگر چه در پنجم ذکر شد و لکن فی الحقیقه دارای مقام اول است."
 و حضرت عبدالبهاء در تشریح این مطلب در یکی از خطابات خویش بسال ۱۹۱۲ میفرماید: " این مسئله اقتصادی جز بموجب این تعالیم حل تام نیابد بلکه ممتنع و محال و آن اینست که این مسئله اقتصاد را باید از دهقان ابتدا نمود تا منتهی به اصناف دیگر گردد. زیرا عدد دهقان بر جمیع اصناف اضعاف مضاعف است لهذا سزاوار چنانست که از دهقان ابتدا شود دهقان اول عامل است در هیئت اجتماعیه. مطابق این تعالیم میباید در هر قریه یک مخزن عمومی تشکیل شود و بوسیله جمعی از معتمدان نظارت شود. البته عواید این مخزن عمومی بستگی به ثروت و درآمد سالیانه افراد دارد. از این مخزن با افرادی که محتاج اند کمک خواهد شد ایتم و عجزه و سالخوردهگان از مستمری بگیران این مخزن خواهند بود. اگر دهقانی با وجود مخارج و تعهدات سنگین و کوشش فراوان بعلل مختلفه سال بدی داشته و کشتش برکتی نیافته با و نیز کمک خواهد شد.
 انگیزه اصلی فرد در جامعه برای تولیدیاب خدمت به دیگران باشد. این انگیزه اصلی باید هم جایگزین انگیزه تامین و برآورد احتیاج سوسیالیست باشد و هم جانشین میل مصرف فزاینده کاپتالیستی شود. بعلاوه - انگیزه خدمت باید چه بطور انفرادی و چه بشکل جمعی از طریق همکاری و نه از راه رقابت ظاهر شود بدیهی است انگیزه خدمت از نظر اخلاقی در سطح متعالی ترین نسبت بانگیزه های سوسیالیستی یا کاپتالیسم قرار دارد. خدمت بطور کلی کمتر از ارضاء نیازها و امیال شخصی خود پرستانه است همچنین روش همکاری در بین گروهها باندازه رقابت خودخواهانه نیست. بدین ترتیب تعاون و تعاضد جایگزین رقابت های گاه خصمانه اقتصادی میشود. چیزی که در قانون طبیعت تنازع برای بقا گفته میشود.

امر بهائی معتقد است علم انسان فوق طبیعت است و نباید احکام طبیعت بر عالم انسانی تسری داده شود. اگر انسان از لحاظ جسم با طبیعت پیوند یافته است از حیث فکر و روح بکلی ممتاز است. لذا قوانینی که در آن روح تنازع وجود داشته باشد مقبول فکر اقتصاد بهائی نمی تواند باشد. اگر قرآن باشد به بهائی سوره یکی دیگری زیان بیند، این سود مقبول طبع بهائی نیست. خیر و صلاح عام به منفعت فرد همیشه ترجیح داده شده است تاریخ نشان داده است که همیشه اغراض و منافع اقتصادی عامل استثمار بسیاری از ملت ها توسط ملت های دیگر بوده است.

غالباً " احساس میشود که طبع بشر اساساً خودخواه است و میل به مصرف بیشتر همیشه یک انگیزه اصلی برای بشر خواهد بود. باید یادآور شد که وظیفه یک سیستم اقتصادی آزاد ساختن افراد برای خودشناسی است. در گذشته فقدان تکنولوژی موانع سختی برای سازمانهای اجتماعی و اقتصادی ایجاد میکرد. کار تنها یک وسیله بقا بود. اکثریت مردم مجبور بودند شغلی اختیار کنند که مطابق ذوق و دلخواهشان نبود و اینک فلسفی کسالت آور و غیر خلاق داشتند و بنابراین کار مفهومی منفی داشت.

بایک چنین برداشتی نقطه مقابل " کار " " فراغت " بود. فراغتی که قبلاً " نصیب عده معدودی بود و حال با گسترش تکنولوژی ظاهراً " عمومیت پیدا کرده است. اما اکنون زود است بگوئیم که رابطه انسان و کار چگونه تمامی شرایط زیسته بشری را از بنیاد دگرگون خواهد کرد. برخی آماهای موجد می توانند تصویر مبهمی از آنچه اتفاق خواهد افتاد ارائه دهد هر چند این آماها بیشتر در باره کشورهای صنعتی است. میانگین عمر امروزه حدود ۷۰ سال یا ۶۲۲ هزار ساعت است که دوسوم از آن عرف دوران طفولیت و کهنولت، خواب و خوردن میشود. ۲۴ هزار ساعت آن به امور فرهنگی و کار میرسد. چندی است سخن از تقلیل ساعات کار تا ۴۰ هزار ساعت میشود که با قاطعیت میتوان گفت با خودکار شدن تولید و کاهش تسلیحات نظامی و تولید کالاهای پردوام ساعات کار در آینده بازم کاهش خواهد یافت و در مقابل زمان فراغت بیشتر خواهد شد. زمانی برای تعالی و شکوفائی شخصیت و کیفیت زندگی، تحقیق و تتبع، گسترش هنر و بالاخره تبدیل انسان ماشینی به انسان پراحساس و با فرهنگی والا. اما فراموش نخواهیم کرد که کار کماکان به صورت یک ضرورت و اثری دلبندبر ولذت بخش خواهد ماند زیرا کار خلاق و رضایتبخش لازمه بروز استعدادات فردی است.

تکنولوژی با رهاندن بشر از انجام اجباری کارهای خسته کننده کسالت آور و غیر خلاق این امکان را به افراد جامعه میدهد که کار را با انگیزه های غیر از نیاز اقتصادی صرف انجام دهد. این اولین بار در تاریخ است که با چنین امکانی در چنین مقیاسی بزرگ مواجه میشویم. برخلاف تصور همه تکنولوژی که پیشرفتگی مادی است وسیله ای برای درک ارزش روحانی کار گردیده است. بهتر است بجای اینکه فراوانی امروز را ظنیعه رهائی از کار تلقی کنیم آنرا فرصتی برای کار بشکلی تازه و با دیدی نو ببینیم. این رهائی از کار نیست بلکه رهائی از انواع معین کارهای است که در گذشته رایج بوده. بدین ترتیب نگاه بهائی که کار شکست تلقی میشود طبیعت بشر وهم میل کمال جوئی افراد را تقویت میکند. این طرز تلقی بدون آنکه منکر طبع بشری باشد امکان تجلی بمکنونات هر فرد میدهد. این نقطه نظر نه تنها غیر عملی و ایده آلیستی نیست بلکه

تنها راه عملی است که میتوان جامعه‌های را در برابر وسایل جدید و مجهز تولیدکننده در مسیر تاریخ گریزناپذیر
ما شده سازمان داد.

مراحل تکامل اقتصادی که باشکل ابتدائی تقسیم کار از هزاران سال پیش شروع شد اکنون وارد مرحله جدید
بلوغ گشته که در آن کار دیگر تنها وسیله بقای جسمانی نیست بلکه مفهوم روحانی متعالی تری یافته است.
ممکن است درباره همکاری هم ایرادی پیش بیاید. رقابت خصیصه لازم و نمونه مجسم نظریه تکاملی
" بقای اصلح " محسوب میگردد. میگویند رقابت لازمه پیشرفت است. رقابت ضعیف را پایمال و قوی را -
پایدار میکند.

اشتباه این بحث در این است که معیار بقا در تمام مراحل تکامل ثابت میماند. این درست که " اصلح "
باقی میماند ولی معیار " اصلح " بودن چیست ؟

در تکامل طبیعی این نکته واضح است که گاه نیروی ذهنی و فکری از نیروی بدنی و تنومندی برای بقا
صالح تر است. مثلاً " انسان در برابر موجوداتی که از همه جنبه‌های جسمانی از او قوی‌ترند باقی مانده است.
بنابراین اگر تصور کنیم که نیروی جسمانی و درشتی هیكل (تنومندتر و قوی‌تر) تنها معیار بقا است بخطا
رفته‌ایم، معیار صلاحیت و شایستگی ممکن است از یک مرحله تکاملی تا مرحله دیگر تغییر کلی یابد.
در واقع در دنیایی که باین سرعت بهم نزدیک گردیده همکاری تنها وسیله بقاست. رقابت ممکن است
در مرحله معینی از تکامل عامل پیشرفت بوده ولی اکنون بطور وضوح مانع پیشرفت بشمار میرود تکامل اقتصادی
امروزه همه را وادار به همکاری میکند.

اوضاع امروزه جهان تشنه همکاری ملت ها، نژادها، ادیان و اقوام است. برای مثال ضایعات اقتصادی را در
نظر آورید که ناشی از رقابت های اقتصادی ملل میباشد. گندم، مرکبات و دیگر مواد غذایی که در محلی مورد
نیاز مبرم است در محل دیگر سوزانده میشود. ما از " مازاد تولید " سخن میگوئیم در حالی که بسایند از
" نارسائی توزیع " گفته شود.

تجربه همکاری جامعه اقتصادی اروپا تجربه جالبی از همکاری بین المللی بود. صنعت آلمان در کنار
کشاورزی فرانسه و ایتالیا می‌تواند مجموعه هم آوایی از تعاون و تعاضد بین المللی باشد. نزدیکی فواصل
کشورها و ارتباطات بسیار وسیع و گسترده امکان همکاری بیشتری را در مقابل بشر گسترده است. اگر در سال
۱۹۰۰ بالاترین حد سرعت جابجائی بشر ۷۵ کیلومتر در ساعت بود امروزه با وسایلی که در جو زمین حرکت
می‌کنند سرعتی بیشتر از ۲۷۰ کیلومتر در ساعت دارند. در سال ۱۹۰۰ کسی نمی‌توانست روزانه بیشتر از ۲۰۰۰
کیلومتر مسافرت کند. امروزه انسان تا ۴۰۰ هزار کیلومتر در روز مسافرت می‌کند.

(جهان در آستانه قرن ۲۱ ص ۱۴۲)

همکاری نه تنها باید در سطح بین المللی بوجود آید بلکه براساس تعالیم بهائی حتی یک موسسه اقتصادی
هم باید با مشارکت و همکاری گروهی سازمان یابد. بدین ترتیب مبارزه دیرین کار و سرمایه از بین میرود زیرا
همه افراد در نفع و سود شریک و از منافع موسسه برخوردار میگرددند.

باید یاد آور شد که از نظر بهائی مفاهیم خدمت و همکاری به تنهائی عمل نمی‌کنند بلکه این اصول تحت نظامی بنام نظم جهانی حضرت بهاء‌الله بکار گرفته میشوند. هرچند تشریح کامل این نظم خارج از حوصله این بحث است ولی ناگزیر باید به بعضی نکات برجسته آن اشاره شود.

X X X

ترتیب بهائی در نظام تشکیلات انتخابی، فردی را که آرزوی انتخاب شدن دارد و تمایلش را اظهار میدارد - قطعا " انتخاب نمی‌کند. رای دهنده بهائی تنها به کسانی رای میدهد که شخصا " میشناسد و آنها را صالح میداند. لذا مصالحه و سازش های حزبی و ائتلاف های سیاسی گروه ها مختلف در انتخابات بهائی مفهوم پیدانمی‌کند. در نظم بهائی زندگی جامعه دست کم در سه سطح محلی، ملی و بین‌المللی سازمان میابد که در هر یک از این سطوح یک هیات منتخبه نه نفری وجود دارند که وظیفه هدایت فعالیت های جامعه را برعهده دارند. مبنای تصمیم‌های محافل روحانی تخری حقیقت در هر زمینه است. یافتن بهترین راه و روش و این تجسری حقیقت با شور و مشورت حاصل میگردد. در نظم بهائی جامعه کنار نیست بلکه در غالب ضیافات نوزده روزه با هدف شور و مشورت مطرح است. در این ضیافات تمام بهائیان شرکت می‌کنند و در باره مسائل مبتلا به جامعه مشورت می‌نمایند. پیشنهادات حاصله جهت اخذ تصمیم و اجرا در اختیار نمایندگان محلی قرار میگیرد. افراد بهائی در جامعه می‌توانند هر وقت بخواهند با نمایندگان خود در تماس باشند و حتی مستقیما " با مجامع ملی یا بین‌المللی خود ارتباط برقرار کنند و پیشنهادات خود را به آنها ارائه نمایند. توجه داریم که در تشکیلات بهائی نقش فنی و اجتماعی افراد کاملا " از هم مجزا است. نمیتوان گفت که چون شخصی توانائی های فنی یا پزشکی سطح بالائی دارد در زندگی اجتماعی و نحوه تنظیم امور جامعه هم صاحب نظرتر از یک نفر خیاط یا کفاش یا حتی رفتر محله باشد که فاقد این قابلیت هاست.

یکی از مشکلات سیستم اقتصاد کنونی مرحله تصمیم گیری است و میدانیم که جامعه هرگز نمی‌تواند با دموکراسی تصمیم بگیرد که مثلا " چه کسی جراح مغز باشد و چه کسی خلبان و یا چه کسی نانوا، توانائی‌ها و استعداد های فردی را نمیتوان بشیوه دموکراتیک تعیین کرد بنابراین نقش فنی افراد باید مبتنی بر شایستگی فنی آنها باشد. لیکن در سیستم های اجتماعی، اقتصادی فعلی موقعیت اجتماعی اشخاص مستقیما " با نقش یا قابلیت فنی آنان مربوط است. ساده بگوئیم: دکترها، مهندسين و امثال آنها نفوذی بیشتر از مردم عیادی دارند و این خود سبب جلب احترام بیشتر مردم گردیده است. دکتر بودن در جامعه تنها بمعنای داشتن یک نقش فنی معین نبوده بلکه شامل داشتن امتیازات خاصی بر خورداری از زندگی دلخواه و قرار گرفتن در طبقه خاص و امثال اینهاست.

اینکه نقش فنی، ارزش اجتماعی و انسانی را بهم ریخته و طبقات اجتماعی بوجود آورده سبب خواهد شد بیگانگی و تعصب ظاهر شود و اختلاف طبقاتی تشدید گردد چنانکه در حال حاضر اشخاصی که بواسطه مهارت های فنی خود درآمد بیشتری دارند همان کسانی هستند که تیروی سیاسی را صاحب و طرز استفاده از منابع طبیعی و

نیروی انسانی را تعیین میکنند. بعلاوه این بهم ریختن ارزشها موجب ریاکاری در درجات فنی وبالنتیجه باعث عدم شایستگی فنی میشود. این امر بسبب آنستکه افراد به تصور آنکه تنه‌اراه احراز ارزش انسانی ابراز قابلیت فنی در یک زمینه تخصصی است بانواع وسایل متشبهت میشوند تا یک موقعیت فنی (و در نتیجه انسانی) کسب کنند. بدین ترتیب فشار زیادی از یک جهت برای پائین آوردن ارزشها و معیارها و از جهت دیگر بمنظور عمومیت دادن دسترسی به شغلها که بهر حال بطور غیر منطقی در سطح بالا قرار دارند اعمال میگردد. در این نظام مغشوش ارزشها افراد ترجیح میدهند یک مهندس مکانیک بیکاره، ناخشنود و بی ثمر باشند تا یک مکانیک کارآمد، خشنود و مفید.

ظاهراً " این طبقه‌بندی فجیع از آنجا که پرداخت حقوق یکسان به همه افراد محال بوده ضرورت پیدا کرده است. حقیقت اینستکه میتوان بین افراد امتیاز فنی گذاشت بدون اینکه در امتیازات اجتماعی آنان تفاوتی قائل شد. این عیناً همان چیز است که در نظم بهائی وجود دارد. درجه‌بندی حقوق و دستمزدها برای طبقه‌بندی مشاغل است ولی هنگام اخذ تصمیماتی که بر زندگی جامعه مربوط میشود همه افراد مقام و ارزش یکسان دارند. مثلاً " در ضیافت نوزده روزه پیشنهاد یک رفتگر بمحفل روحانی محلی هم تراز پیشنهاد یک دکتر، محفل را ملزم بر رسیدگی و اخذ تصمیم میکند. بعلاوه شور درباره چنین پیشنهادی در ضیافت باشکوه همه افراد جامعه (حتی جوانان و بچه‌ها) در کمال روح و ریحان و اتحاد و اتفاق صورت میگیرد.

خواننده‌ایکه با تشکیلات جامعه بهائی آشنا نیست از ملاحظه چگونگی کار این نظم در سراسر جهان متعجب خواهد شد. مردم با هر زمینه فرهنگی بایکدیگر می‌نشینند و باتفاق تصمیم میگیرند مردمی که هیچگاه یکدیگر را ندیده‌اند، گفتگو نکرده‌اند و حتی موجودیت یکدیگر را نشناخته‌اند. در چنین مشورت فرد احساس میکند که نظر خود را بگروه تفویض کرده و با اینکه عقاید بر یکدیگر تاثیر میگذارند تصمیم نهائی در هر مورد با عقیده هر فرد معینی متفاوت است. کسانیکه در این نحوه شور شرکت نموده‌اند و در عین حال فرصت شرکت در تصمیم‌گیری جامعه را داشته‌اند میتوانند فرق ایندو را احساس کنند.

- ۵ -

بسیاری از مردم جهان بادیده یاس و بدبینی به مذهب نگاه میکنند و بخیال خود چنین فکر می‌کنند که مذهب تنها یک سلسله ایده آلهائی برای جوانان و نوعی دلداری و تسلیتی برای بزرگسالان است. اما... دیانت بهائی معتقد است مذهب چیزی فعال و محرک و در حال تغیر است که بر تمام شئون اصلی و اساسی زندگی فردی قابل انطباق است و نیروی وحدت دهنده جامعه بشمار میرود. بر این اساس توجه داریم که مذهب قبل از اینکه سیستمی اقتصادی یا سیاسی باشد دیانتی است که بجهت تنویر افکار و ایجاد اخلاق در جامعه ظهور نموده است.

دیانت بهائی معتقد است گرچه تعالیم این آئین مقدس شامل بعضی اصول اقتصادی و نیز طرح‌هایی برای اداره جهان میباشد اما این آئین دیانتی است که اصول عقاید آن در اعتقاد به خدای یگانه استوار میباشد و خداوند مشیت و اراده غالبه خود را در ترقی و پیشرفت بشر در هر عصر و زمان بوسیله ظهوری الهی و آسمانی

ظاهر میکنند. حضرت بهاء الله موسس آئین بهائی مظهر کلی الهی در این عصر و زمان اند.

در طی یکصدسال اخیر زندگی بشر و جامعه انسانی تغییرات و تحولات عظیم بخود دیده است و سیل مسافرت و کار، مفهوم زمان و مکان بسرعت تغییر پیدا کرده است. طبقات و نژادها و ملل مختلفه در هم آمیخته اند و دریافته اند که بدون همکاری و اشتراك مساوی با یکدیگر نمی توانند بحیات و بقای خود ادامه دهند. این تغییرات و تحولات سریع ارزش ها، اعتبارات اخلاقی قدیم را متزلزل ساخت و سبب شد بشر وارد ورطه هولناک انحطاط اخلاقی شود. اصول اخلاقی قدیم برای وضع و موقعیتی ساده تر از وضع پیچیده و غامض جهان کنونی مفید و موثر نبود.

در طول تاریخ پروردگار جهانیان اراده و مشیت خود را بوسیله مظاهر الهیه ظاهر و آشکار نمود و اصول اخلاقی لازم را نیز تدوین نمود.

دیانت بهائی معتقد است معیاریکه در تشخیص خطا و صواب، خیر و شر سندیت و اعتبار دارد همانست که تعالیم حضرت بهاء الله است و براین اساس احتیاجات اقتصادی را ضابطه تشخیص خوب و بد نمیشناسند و قوانین اخلاقی را ضامن سعادت فردی و اساس انتظام جوامع محلی و ملی و بین المللی میدانند و منکر این عقیده میشوند که علما و اقتصادیان و یا سیاسیون بتوانند نیروی اخلاقی متوازن و متعادلی که قادر باشد این مشکلات جوامع امروزی را حل کنند بوجود آورند.

هنوز هم هستند بسیاری نفوس که تشکیلات اقتصادی جامعه را مهمترین عامل حل مسائل و مشکلات جوامع انسانی میدانند و از انسان اقتصادی سخن میگویند. اما حضرت بهاء الله در تعالیم خویش سنگ بنای اجتماعات را دیانت میدانند و قوانین اخلاقی الهی چهار چوب واقعی تمدن را تشکیل میدهد. بفرموده حضرت عبدالله بهاء اصل و اساس کلیه اوضاع و احوال اقتصادی آسمانی و الهی است و با جهان روح و قلب رابطه دارد. (آهنگ بدیع سال ۶ شماره ۵ ص ۸۴) تعالیم بهائی در این اصل که انسان موجودی اخلاقی و مسئول است و اینکه مقصد و منظور از حیات وی تحصیل تکامل روحانی است. تاکید می کند و معتقد است بعلت قرب زمان بلوغ عالم حضرت بهاء الله سیستم اقتصادی الهی را که شامل قوانین و اصول و موسساتی برای جمع کردن کلیه مردم جهان در ظل لوای دیانت واحد و نظم واحد است برای جهانیان بارمغان آورده اند. بنابراین نظامی که در آینده ایام بر عالم حاکم خواهد بود آن مدنیتی است که بهائیان در انتظار آن هستند. در این تمدن وحدت و کثرت، ارشاد جامع و ابتکار فردی بصورتی بسیار بدیع در یکدیگر امتزاج پیدا کرده است.

انتهی

در تهیه و تنظیم این مجموعه از منابع زیر استفاده شده است:

- ۱- مجموعه الواح مبارکه
- ۲- خطابات حضرت عبدالبهاء
- ۳- مفاوضات حضرت عبدالبهاء
- ۴- مکاتیب جلد ۳- حضرت عبدالبهاء
- ۵- حال و آینده جهان
- ۶- وعده ملح پیام بیت العدل اعظم
- ۷- پیام ملکوت جناب اشراق خاوری
- ۸- مبادی روحانی جناب احمد یزدانی
- ۹- بهاء الله و عصر جدید جناب دکتر اسلمنت
- ۱۰- رهبران و رهروان جناب فاضل مازندرانی
- ۱۱- مغربی کتب آسمانی جناب حسام‌الدین نقبانی
- ۱۲- مجموعه‌ای از مقالات آهنگ بدیع
- ۱۳- نوار و نوشته دکتر شاپور راسخ
- ۱۴- نوشته‌های شخصی آقای کمال‌الدین بختاور
- ۱۵- آرامش برای جهان پر آشوب ترجمه انوشیروان فناشیان
- ۱۶- تاریخ تمدن ارنولد توین بی
- ۱۷- جهان در آستانه قرن ۲۱ مجموعه سخنرانی‌های انتشارات کلپ روم
- ۱۸- استراتژی برای فردا مجموعه سخنرانی‌های انتشارات کلپ روم